

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

پیکار

۱۰۱

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۰ بها ۳۰۰ ریال



خجسته باد اول

ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران!

اول اردیبهشت: روز مقاومت دانشجویان انقلابی گرامی باد!

صفحه ۱۱

سرمقاله

کمونیست‌ها و
مضامین و شعارهای

جشن اول ماه مه

بزودی اول ماه مه فرا میرسد و فوج کارگران درسرا سرجهان به استقبال عیدخونین خوبیش میروند و روز همبستگی جهانی کارگران علیه غمخیزانت تاریخی رویزونیستهای خروشغنی و سه - جهانی ها با ردیگر نما پیش عظیم قدرت طبقه کارگر، یگانه طبقه ای که رسالت دگرگون کردن تاریخ را اینک بعد گرفته است، بدنسبال خواهد داشت.

امسال نیز مانند بسیاری سالهای دیگر جشن اول ماه مه در بسیاری از کشورها خونین خواهد بود و خون سرخ کارگران و کمونیستهای شهید در بزرگداشت اول ماه مه در رژیمهای ارتجاعی بر زمین ریخته خواهد شد. در بسیاری دیگر از کشورهای بورژوا - رویزونیستهای خائن، با منحرف کردن طبقه کارگر از شعار - های انقلابی - طبقه ای روز بقیه در صفحه ۲

جنبش کارگری و
بحران سرمایه داری
در لهستان

صفحه ۲۵

گرامی باد خاطره دانشمویان بخون خفته اول اردیبهشت ۵۹

که با نثار خون خود، پیوند گشتی مبارزات دانشجویی را با پیکار کارگران و زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع، بار دیگر مستحکم تر نمودند.

دانشگاه، این سنگر انقلاب
به دست نوددها
گشوده ببار گردد!



دور زندانیهای
جمهوری اسلامی:
شکنجه و ترور کمونیستها
و انقلابیون اسپر

کارگران، زحمتکشان، هم میهنان انقلابی! هم اکنون هزاران نفر از فرزندان کمونیست و انقلابی شما در زندانهای جمهوری اسلامی، بدون برخورداری از حداقل نیازهای زندگی و در زیر شکنجه - های قرون وسطایی با امداد سرمایه بسر میبرند. وظیفه ماست که از شرایط طاقت فرسای زندانها آگاهی یافته و به پشتیبانی قاطع از مبارزین دربند که در راه استقلال و آزادی و در راه پیوستن روزی انقلاب و برقراری سوسیالیسم، اسپر رژیم جمهوری اسلامی گشته اند، برخیزیم. بقیه در صفحه ۱۷

مسأله وحدت تشکیلاتی
رویزیونیستهای 'اکثریت' - توده ای
و موضع ساقترستی 'اقلیت' در قبال آن

صفحه ۱۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آنها را بوسیله فشاری از خارج تحت سلطه خود در آورد، جنبشی سیاسی است. مثلا، کوشش برای به جنگ آوردن کا هش زمان کارا زسما به داران منفرد در یک کارگاه یا فقط در یکی از شاخه های صنایع بوسیله اعتماد و نظر بر آن، جنبشی صرفا اقتصادی است، در مقابل جنبش بمنظور برسد آوردن قانون هشت ساعت کار و نظر بر آن، جنبشی سیاسی است. (نامهای مارکس به ف. بولت مورخ ۲۳ فوریه ۱۸۷۱) لنین نیز در همین مضمون شعاری اول ماه مه آشکارا آنها را سیاسی تعیین میکند و میگوید:

"جشنها (منظور جشنهای اول ماه مه است - پیکار) نه فقط از لحاظ تعداد شرکت کنندگان، بلکه از لحاظ خصوصیت سازماندهی و آگاهیه طبقه ای که شرکت کنندگان را برانگیزانند داشت، از نظر عزم آنان در اقدام به مبارزه ای مسموم جهت آزادی سیاسی مردم روسیه و نتیجتا جهت فراغت بال برای رشد و گسترش طبقه ای پرولتاریا و مبارزه آشکارش برای سوسیالیسم با یدبا ایهت باشند." (لنین - مقدمه ای بر جزوه اول ماه مه در خاک (کف). لنین در همین مقاله خواسته های پیش پا افتاده را مورد حمله قرار داده و میگوید:

"ضروری است کاری کنیم که کارگران این اتفاق را درک نمایند آنها خواست هشت ساعت کار در روز را به سطح خواسته های ما تبدیل نمایند. مجانی قطار، با کتا رگذاشتن مراقبت تنزل ندهند." جشن اول ماه مه سالها در سراسر جهان با پیکار برای هشت ساعت کار که شعاری دقیقا سیاسی است همراه بود. علاوه بر آن کارگران کشورهای گوناگون منطبق با شرایط جنبش در هر زمان شعار سیاسی مناسب را در اول ماه مه طرح کرده اند. مثلا جشن اول ماه مه در ۱۸۹۱ در بلژیک و ۱۹۱۰ در آلمان بامبارزه برای بدست آوردن حق انتخابات برای کارگران عین میشود. لنین در ۱۹۰۴ در روسیه هشت ساعت کار، زنده باد جنبش کمونیستی بین المللی و مرگ ترنار را طرح میکند و در سال بعد جمهوری دمکراتیک، آزادی کارگری و دهقانی و مرگ برترنار را داده و به کارگران میگوید که برای قیام و تدارک کمیته های دهقانی آماده شوند. در جریان جنگ جهانی اول نیز لنینیستها شعار نیست با جنگ را طرح میکنند.

بدین ترتیب شعارها و قطعنامه اول ماه مه ۱۳۵۸، (که همه نیروهای کمونیست و از جمله سازمان مادران شرکت داشتند)، بغا طرح شعاری اقتصادی ما نندافزایش دستمزد، برابری مرخصی کارگران و کارمندان، اداره سالنها ی کارگری توسط کارگران، تعیین بازداشتگی، بیمه، بهداشت و مصونیت در مقابل خطرات و بیمه ریه ای ناشی از کار. در کنار بقیه در صفحه ۴

با خصلت خاص طبقاتی و روزی که بر تان بودی طبقات است شما رگروا انقلاب تا کیددارد همین گردید. در واقع روزجهانی کارگرجزاین هم نمیتوانند باشد. چرا که این روزمیباستی به بیان منافع تاریخی - طبقاتی، طبقه کارگر برپا زد و بیان منافع تاریخی طبقه کارگر، چیزی جزنا بودی سرما به داری نیست. روزجهانی کارگر باسد تا کید کند، که طبقه کارگر طبقه ای جهانی است که عزم را سخ دارد، قدرت را بدست گرفته برای همیشه طبقات را پس از طی یک دوران انتقالی (دیکتا توری پرولتاریا) نابود سازد. خصلت طبقاتی این روز، یعنی نمایش طبقاتی طبقه کارگر با یستی در مقیاسی جهانی انجام گیرد. اگر طبقه کارگر طبقه ای جهانی است، روز کارگر نیز روزی جهانی است. که در این روز، طبقه کارگر همه کشورها با یستی اتحاد بین المللی خویش را بنمایش بگذارد. از این رو، طرح شعارهای مشترک پرولتاریای همه جهان ضروری است. طبیعی است اصلی ترین شعار بین المللی کارگران جهان، یکی شعار ما نیست کمونیست، یعنی کارگران جهان متحد شوید است و دیگری زنده باد سوسیالیسم. روزجهانی کارگرتنها به این خاطر که کارگران در آن شرکت میکنند، نام روزجهانی کارگر بر خود نگرفته است، بلکه و مهم - ترا اینکه این روز، روز بیان قدرت عظیم طبقه ای است در راه منافع تاریخی آن یعنی نابودی سرما به داری است. لنین به روشنی میگوید:

"رفقای کارگر! جشن عظیم تمامی کارگران جهان نزدیک میشود. آنها بیداریشان را نسبت به روشنائی و آگاهی اجتماعی از در یک اتحاد برابرانه برای مبارزه علیه هرگونه ظلم و ستم، علیه هرگونه استبداد و علیه هرگونه استثمار، برای یک نظام سوسیالیستی در جامعه، در اول ماه مه جشن میگیرند." (لنین اعلامیه حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه، اول ماه مه ۱۹۰۵) بدین ترتیب روز اول ماه مه روز اتحاد طبقه کارگر جهان در مبارزه علیه سرما به داری است. اشتباه است اگر بپنداریم تنها کمونیستها هستند که با پیدر بزرگداشت این روز شرکت کنند این روز منحصر به کمونیستها نبوده بلکه روز اتحاد کارگران اعم از کمونیست و غیر کمونیست است.

۲- روز جهانی کارگران،

روزی سیاسی است

همانطور که میدانیم، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران بر علیه سرما به داران است و با توجه به تعریف زیر که مارکس از مبارزه سیاسی طبقه کارگر به عمل میآورد، اول ماه مه از آغاز روزی سیاسی بوده است:

"هر جنبشی که در آن طبقه کارگر بعنوان طبقه به مخالفت با طبقات حاکم بر میخیزد و میکوشد

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله

اول ماه مه را برای بورژوازی بی خطر ساخته و نیز با ردیگر کارگران را به زنده بورژوازی بدل میسازند.

در بسیاری دیگر از کشورها نیز بورژوازی و با خرده بورژوازی با استفاده از ضعف کمونیستها کارگران را بسوی خویش میکشد و جشن اول ماه مه را با شعارهای مخالف منافع تاریخی طبقه کارگر برگزار میکند. بهر حال است، اول ماه مه فرا میرسد و کمونیستها و کارگران انقلابی با عشق به آرمان تاریخیشان سوسیالیسم، خود را برای مقابله با بورژوازی آماده میکنند و در طرف دیگر بورژوازی نیز با سرکوب و با فریب کارگران میکوشد، خود را از خطر اول ماه مه برهاند، کارگران ایران نیز خود را برای برگزاری جشن اول ماه مه آماده میکنند. مسئله ای که در این ارتباط در دستور کار کمونیستها قرار دارد، شناخت مضمون این روز و تعیین سیاست پرولتری برای جشن اول ماه مه است. با یدبا شناخت مارکسیستی از این روز، شعارهایی پرولتاریائی انقلابی ایران را برای جشن اول ماه مه تعیین کرده، چونگی برپا می جشن اول ماه مه را مشخص ساخت و آنگاه در پی برپا می هر چه با شکر تر این روز، با تمام قوا و امکانات برآمدا بتدبایستی مشخص کنیم اول ماه مه، بشما به روز جهانی کارگر چگونه روزی است.

۱- اول ماه مه مهر

طبقه کارگر را بر خود دارد

همچنانکه میدانیم جنبش جهانی کمونیستی در اولین کنگره آنترناسیونال دوم در ۱۸۸۹ روز اول ماه مه را روز جهانی کارگران نامید. در قطعنامه پیشنهادی نماینده کارگران آمریکا در این مورد آمده است:

"از طرف کنگره روز اول ماه مه هر سال بغا طرح کشتار کارگران شیکاگو، بنا بر روز کارگر در سراسر جهان اعلام کرد... هر سال نمایش از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان نشان داده شود... بیاییم این روز را بنا بر روز طبقه کارگر روز اعتراض به ظلم و بیداری، روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرما به داری در سراسر جهان و روز همبستگی و برادری بین المللی زحمتکاران قرار دهیم." در کنگره بعدی (۱۸۹۱) در قطعنامه تکمیلی، بر خصلت طبقاتی این روز تا کید شد و در کنگره ۱۸۹۴ که فریدریش انگلس آن روزگار روپیشوا ی کبیتر طبقه کارگر نیز در آن حضور داشت اعلام کردید که:

"نظارات اول ماه مه بغا طر هشت ساعت کار روزانه، با یدضمانا با نگراراده قاطع طبقه کارگر برای نابودی تمام بيزات طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد."

بدین ترتیب روز اول ماه مه، بعنوان روزی

زنده باد کمونیسم!

جنبش کارگری



کارگران نورد اهواز در مبارزه شان بیشتر به ماهیت ضد کارگری رژیم پی بردند

بعد از جنگ ارتجاعی، قسمتی از حقوق کارگران نورد و لوله اهواز را بصورت علی - الحساب پرداخت میکردند و حتی دریافتی بهمین ماه آنها را تا ۱۹ اسفند داده بودند. تا اینکه فشار ناشی از آوارگی و فروگرانی جان کارگران را بلبیسان رسانده و موجب اعتراض هر چند نامشکل و پراکنده آنها شد. در این روز ۲ نفر از هیئتی که بسپرستی احمدزاده معاون وزیر صنایع و معادن، برای "رسیدگی" به وضع کارگران به اهواز آمده بودند، به محل کارخانه میبایند. کارگران این مفت خواران را حلقه کرده و ضمن حمله به رژیم و مقاماتش، خواهان دریافت حقوق و عیدی خویش گردیدند. اعضای هیئت که جوابی در مقابل سوالات و خواستههای بحق کارگران نداشتند، دانشا مسئله را به "احمدزاده" حواله میدادند. کوبی خودشان تنها "متربک" بودند! بالاخره که سبک کارگران

لبریز شده اعلام کردند تا به خواستهها یسبک رسیدگی نشود، اجازه خروج به هیچکس نخواهند داد. علاوه بر اعضای هیئت مذکور، مدیر امور اداری کارخانه نیز در محل بود و اجازه خروج بوی نمیدادند.

در این گیرودار، اعضای شورای قلبی کارخانه که یکی از خائنین اکثریتی نیز در میان نشان بود، عاجزتر از همیشه حرفی برای گفتن نداشتند و در این جریان چهره غدکارگریشان بیشتر برای کارگران افشا گردید. سرانجام سرمایه - داران در مقابل قدرت و جلوه ای از اتحاد کارگران تسلیم شده و مبلغی بکارگران پرداخت میکنند. اما مسئله مهم اینست که کارگران نورد بنشاندند از این مبارزه خود درس گرفته و بقدرت اتحاد و تشکل خویش واقف شده و به ایجاد تشکیلات واقعی خود در کارخانه مبارزت ورزیدند.

یورش ژاندارمه‌ها نیز نتوانست مبارزات قاپطعانه کارگران "بلوچین" را منحرف کند

در پی عدم پرداخت عیدی و پاداش و یکماه حقوق عقب افتاده کارگران بلوچین آمل، روز ۱۹/۱۲/۵۹ کارگران تصمیم میگرفتند بعنوان اعتراض بطرف فرمانداری راهپیمایی کنند. تلاشهای فرمانداری برای فریب کارگران به بهانه جنگ و منصرف کردن آنها از این اقدام به نتیجه ای منبسر و کارگران مطرح میکنند اگر خواسته‌هایشان برآورده نشود، در فرمانداری متحصن خواهند شد.

پس از رفتن فرماندار از کارخانه، کارگران مدیریت تولید و دستیارش را که از مزدوران صاحب کارخانه اند، بگروگان گرفته و دست به اعتصاب میزنند. سپس کارگران دوشیفت کارخانه ۲ نفر را از میان خود انتخاب میکنند تا ششماه روز کشیک دهند تا اینکه روز ۲۳/۱۲/۵۹ صاحب کارخانه مفت خور به ژاندارمری شکایت میکند و مزدوران

رژیم نیز برای دستگیری اعضای شورای کارگران بکارخانه یورش میبرند. اما با مقاومت قهرمانانه کارگران مواجه میشوند. کارگران به افشای رژیم و ارگانهای سرکوبش نظیر ژاندارمری و پاسداران پرداخته و با فریاد "سگ زرد سر را در شغال!" نشان میدهند. مزدوران سرمایه داران را در هر لباسی شناخته اند. در این روز کارگران از شدت خشم و برای رساندن فریادشان بگوش دیگر کارگران، دست به اعتصاب غذا میزنند.

سرانجام صاحب کارخانه س به عقب نشینی داده و اقدام به فرستادن یکمدهزار تومان برای کارگران میکند. ولی کارگران آنرا قبول نکرده و اعلام میکنند تا یکماه حقوق عقب افتاده شان و دو ماه پاداش تمام پرداخت نشود به مبارزه خود قاطعانه ادامه خواهند داد.

سخنی با رفقای بخش کارگری!

بمنظور برخورد دقیقتر با مسئله دستمزد و ضرورت افزایش آن در وضعیت فعلی، با توجه به سطح گرانی و تورم و اینکه فصل بهار، فصل مبارزات کارگری بر سر افزایش دستمزد میباشد، لازم است که ما در این رابطه بتوانیم اطلاعات دقیقتری از اوضاع فعلی دستمزد در کارخانه نجات مختلف داشته باشیم. لذا از شما مرفقا میخواهیم در ۳ زمینه زیر سوالات ما پاسخ دهند:

بخش اول برخورد با وضعیت عینی دستمزد در کارخانه نجات:

۱- شکل پرداختی دستمزد در کارخانه شما چگونه است؟ الف - کارمزدی، ب - مزد ثابت روزانه یا با بطنه انجام حداقل کار مشخص، ج - مزد ثابت روزانه. در رابطه با بند ب شرح دهید که حداقل کاری که میبایست صورت گیرد و رابطه آن با نوع تولید و نظرتوان انجام توسط کارگران چگونه است؟

۲- ساعات کار روزانه و هفتگی چقدر است و به چه صورت (شیفتی یا ...)?

۳- میزان حداقل دستمزد در کارخانه شما چقدر است؟

۴- میزان دستمزد پرداختی بکارگران، کارمندان در درجه های مختلف، سرپرستان، فورمنها، مهندسین و مدیران کارخانه چقدر است؟ (دست - مزد و مزایا بطور جداگانه بنویسید).

۵- در کارخانه شما مزایا شامل چه چیزهایی میشود و مبلغ هر کدام چقدر است و در رابطه با کارگری و کارمندی چه تفاوتهایی دارد؟

۶- تعداد کارگران بیمانی ویا موقت در کارخانه شما چقدر است و وضعیت دستمزد آنها چگونه است؟

۷- آیا در کارخانه شما بنحسب حقوق کودکان و زنان و مردان شاغل اختلافی هست؟ میزان آنرا بنویسید.

۸- آیا کارگران غیر ایرانی در کارخانه شما کار میکنند؟ وضعیت دستمزد آنها چگونه است؟

بخش دوم "طبقه بندی مشاغل"

طرح طبقه بندی مشاغل و وضعیت آن در کارخانه شما چگونه است؟ آنرا بطور مفصل و جدا - گانه بنویسید. تجربه و دید شما از این مسئله چیست؟

بخش سوم

۱- تحلیلی از روحیات کارگران کارخانه (آگاه و بیخبر، متوسط و پائین) نسبت به مساله افزایش دستمزد.

۲- آیا کارگران برای تامین مایحتاج زندگی بقیه در صفحه ۷

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله...

شعارهای سیاسی، در واقع به مخدوش کردن مضمون سیاسی این روزها منتهی می‌شود.

تعمین اما سیرتین شعارهای اول ماه مه
از یک سو در ارتباط با خلعت طبقه‌ای این روزها تعمین می‌شود که ما شعار پرولتاریای ایران را که با پرولتاریای جهان در اشتراک است قبلاً ذکر کردیم و از طرف دیگر با سطح جنبش توده‌ای، مرحله انقلاب و شناخت چگونگی قوای مفسوف دشمنان توده‌ها اعتلا انقلابی و... در ارتباط مشخص است. بدین ترتیب برای تعمین شعارهای سیاسی اول ماه مه پرولتاریای ایران با یستی نظری به شرایط جنبش بیفکونیم و در این ارتباط با توجه به مباحثی تاکتیکی، شعارهای پرولتاریای ایران را تعمین کنیم.

با توجه به اینکه در شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی، املیترین نیروی است که در مقابل انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران قرار دارد. با توجه به شرایط اعتلا انقلابی و هر چه سیاسی تر شدن توده‌ها و کنده شدن روزافزون توده‌ها از رژیم، مسئله قدرت سیاسی، اساسی ترین مسئله‌ای است که مورد توجه پرولتاریای ایران قرار دارد. بدین ترتیب طرح شعار پرولتاری در ارتباط با قدرت سیاسی، اساسی ترین شعار پرولتاریای ایران را در ارتباط با مسائل کنونی جامعه تشکیل میدهد. بخصوص اینکه لیبرال‌ها به جایی نرسیده‌اند که امپریالیست‌ها را با پیگیری چون مجاهدین با طرح خلق پیدا زحمت‌ها کم و رو بی‌بونیستهای خروشچی و حزب جمهوری با طرح کنار زدن لیبرال‌ها، آلترنا تیفوهای خود را در ارتباط با قدرت سیاسی مطرح ساخته‌اند. شعار پرولتاریای ایران طبعاً شعاری بر علیه هر دو جناح حاکمیت خواهد بود و با توجه به اینکه طرح مستقیم شعار سرنگونی علی‌رغم کاهش بسیار از توده‌ها، شعاری زودرس است، و این شعار را یستی بطور غیر مستقیم طرح گردد، این شعار عبارت خواهد بود از: مرگ سر امپریالیسم امپریا و ارتجاع داخلی و نیز طبیعی است طرح این شعار را یستی با طرح مستقیم آلترنا تیفولتری در این شرایط یعنی برقرار کردن جمهوری دمکراتیک خلق "بمنا به سرانجام مبارزات انقلابی توده‌ها برهبری طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب همراه باشد. در کنار شعار اساسی پرولتاریای ایران در ارتباط با قدرت سیاسی، با یستی، به مسئله مهم دیگری در تبلیغات خویش توجه کامل می‌شود داریم و در شعارها، قطعاً ما را و پلاکاردهای خود آنرا بگنجانیم و آن طرح مسئله دمکراسی پرولتاری است. اما طبیعی است که این مسئله مهم پس از مسئله محوری یعنی قدرت سیاسی قرار دارند (هر چند که آن مربوط نیز می‌شوند) در شرایطی که دفاع از دمکراسی در میان توده‌ها جا افتاده است، میبایستی لیبرالیسم بورژوازی را افشا کرده دمکراتیسم خرده بورژوازی را ارتقاء بخشید. بدین ترتیب لازمست با

طرح دمکراتیسم بگیریم، شعارهای زیر را هر چه بیشتر در میان توده‌ها تبلیغ کرد آزادی زندانیان سیاسی انقلابی، بازگشایی دانشگاهها این سنگرزادی، آزادی فعالیت سیاسی، اجتماعات، مطبوعات، احزاب و... برای نیروهای انقلابی و کمونیست، آزادی تشکلهای توده‌ای و بخصوص دفاع از شوراهای واقعی کارگری و... در زمینه محکوم کردن جنگ ارتجاعی نیز بخصوص با یستی از جنبش آوارگان حمایت کرده و به محکوم کردن تضییقات و سرکوب آوارهگان توسط هیئت حاکمه پرداخت. همچنین رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برای سرافروختن آتش این جنگ ارتجاعی و کشتارها و فلاکت توده‌ها محکوم کردند. بدین ترتیب شعارهای خاص پرولتاریای ایران در شرایط کنونی حول محور قدرت سیاسی و بیپیکار علیه رژیم جمهوری اسلامی مطرح می‌گردد. ضمن اینکه از دمکراتیسم پرولتاری نیز در تبلیغات نشریات فابریک، قطعاً ما، پلاکاردها و شعارهای تظاهرات در کنار مسئله اصلی با یستی مورد توجه قرار بگیرند.

بدین ترتیب از هم اکنون لازمست تمامی قوای تشکلهای کمونیستی حول تبلیغ شعارها و خواسته‌های پرولتاری و نیز تدارک جشن اول ماه مه باشد. تبلیغات گسترده از پیش با استفاده از تمامی امکانات، اعلامیه‌ها، شعارنویسی، نشریات فابریک و... با یستی به خدمت گرفته شود. تا توده‌ها معنا سبت اول ماه مه بیش از پیش با شعارهای پرولتاریا آشنا گردند.

۳- شکل برپائی جشن اول ماه مه

میدان نیم شکل مبارزه بستگی به سطح جنبش توده‌ای دارد. جشن اول ماه مه در دوران رکود اعتلا موقعیت انقلابی یکسان برگزار نمی‌گردد. خاطر آن رفیق کارگری در با کودتا بین مسورد جالب است:

"امروز وقتی برای تظاهرات اول ماه مه در اینجا جمع میشدیم، اجتماعی بیادامه که ما برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ تشکیل دادیم... ما در دامنای کوه را زمین جمع شده بودیم. برای جلب نکردن نظریلیس، مقداری غذا و مشروب نیز داشتیم، ولی کسی در فکر خوردن نبود ما در باره وضع طبقه کارگر، دستگیریهای سرمایه داران، ما موران و پلیسهای تزاری و کارهای آینده... مان حرف زدیم، افسوس که عده‌مان کم بود. جمعی می‌نفرودیم... عده‌ی شرکت کنندگان در جشن اول ماه مه را سال زیا دتر نبود. نهاد ریالاکسی مدوسی کارگر جمع شده بودند. بیش از سیصد کارگر در تظاهرات شرکت کردند. پلیس و ژاندارم به وحشت افتاده بود، اما سال نیز... ببینید، به اطراف اشاره کرد، از دربرگشت و به جمعیت نگاه کرد. در باره ایت، جای سوزن انداختن نبود." (تینا نوشته ثابت رحمان)

بدین ترتیب در دوران رکود، جشن محدود و شکل مخفی دارد و با آغاز اعتلا انقلابی و او جگیری آن

اشکال تعرضی مبارزه مانند تظاهرات کارگران بکار گرفته می‌شود. تظاهرات خیابانی بخوبی میتواند شعارهای طبقه کارگر را بر میان توده‌ها ببرد و اتحاد کارگران را هر چه قویتر نشان دهد. تظاهرات خیابانی بعنوان یک شکل تعرضی مبارزه در واقع بطور کامل میتواند در شرایط اعتلا انقلابی در خدمت مضمون پرولتاری اول ماه مه در آید. البته در اینجا لازمست به سه دو درک اساسی انحرافی نسبت به شکل مبارزه "تظاهرات" انجام گیرد:

یکی درک راست است که لزوم برپائی تظاهرات گسترده در شرایط اعتلا انقلابی کنونی اساساً نفی کند و شرایط سیاسی وسط جنبش توده‌ها، برآمد جنبش، بحران، وضعیت درون هیئت حاکمه و... در نظر نگیرد و دیگری درک "چپ و دگما تستی که بخواهد در هر شرایطی روز اول ماه مه را بصورت تظاهرات گسترده برپا دارد. طبیعی است با توجه به دامنه‌های اعتلا در نقاط مختلف ایران و علاوه بر آن بدلیل نیرومندی رژیم در برخی نقاط و جوجا کم پلیسی نیرومندی در برخی شهرها، که در نتیجه تظاهرات خیابانی گسترده نیروهای کمونیست، ضربات جبران ناپذیری را بر آنها وارد می‌کنند و نیز اینکه در برخی نقاط به علت ضعف خود، توانائی برپائی این شکل مهم و اساسی جشن اول ماه مه را نداشته‌اند. با یستی از اشکال دیگر برپائی جشن اول ماه مه استفاده کنیم.

بدین ترتیب لازمست تشکلهای سازمان در سرا بر ایران و نیز رفقای هوادار در هر نقطه‌ای از ایران روز اول ماه مه را جشن بگیرند. طبیعی است شکل اصلی برپائی این جشن تظاهرات گسترده با همکاری دیگر نیروهای کمونیست (در چهار چوبه منطبق با اهداف روزجهانی کارگر) است. اما در شهرها و روستاهای بزرگ و کوچکی که امکان برپائی تظاهرات گسترده وجود ندارد رفقا موظفند بصورت متناسب با شرایط جشن روز اول ماه مه را برپا دارند. لازمست رفقا در این جشنهای کوچک نیز، اهداف جشن اول ماه مه را توضیح داده و بروی شعارهای سیاسی فوق، کار آگاه‌ها را به نماندند. ما دست تمامی رفقا را در برپائی هر چه با شکوه تر جشن جهانی کارگران در سرا بر ایران می‌فشاریم. بگذارید جشن اول ماه مه امسال، نیز پیش بورژوازی را از قدرت اتحاد و همبستگی طبقه کارگر بلرزاند. بگذارید در جشن اول ماه مه امسال بیش از پیش شعارهای پرولتاریا - شی را بر میان توده‌های وسیع ببریم. بگذارید جشن اول ماه مه امسال بیش از پیش راه را برای پیکار در راه آزادی طبقه کارگر هموار سازد.

زنده باد اول ماه مه!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!
زنده باد کمونیسم!
زنده باد پیکار توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی!
برقرار کردن جمهوری دمکراتیک خلق!

خلق ها و مسئله ملی



اعلامیه توضیحی جمعیت مستقل معلمان مبارز در مورد بند ۷ قطعنامه حزب دمکرات

در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۳ جمعیت مستقل معلمان مبارز ۱۰۰۰ اعلامیه ای تحت عنوان فوق انتشار داده که ما در اینجا به بخشی از آن اشاره میکنیم: مردم شرافتمند کردستان!

چنانکه میدانید در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۷ قطع نامه ای از طرف حزب دمکرات ما در گردید. حزب در ماه ۷ این قطعنامه ضمن قدردانی و تجلیل از خود! سعی در مخدوش نمودن تلاش ما دقانه و پیگیری جمعیت مستقل معلمان مبارز... نموده و کار انقلابی معلمان را در چنین شرایطی که علیرغم توطئه های حاکمیت و ارتجاع داخلی همچنان در سنگرمدا رس مشعل دار فرهنگ انقلابی بندها عزمی راسخ و در نهایت فداکاری مشغول تعلیم و تربیت فرزندان شهرمان هستند تحت عنوان "عوا مفریبه معدود عمال گروه های آنا رشیست" عملی نکوهیده و در تضاد با منافع و خواست مردم خوانده است.

ما در رابطه با مسئولیت مستقیمی که در امر با زکشا می مدارس برعهده داشته ایم خود را ملزم به پاسخگویی و توضیح نکاتی به منظور روشن نمودن اذهان عمومی میدانیم:

بدنبال اعلام تعطیلی مدارس بوکان از استان داری آذربایجان غربی، جمعیت مستقل معلمان مبارز ۰۰۰۰ با برخوردی مسئولانه و به شیوه ای دمکراتیک برای با زکشا می مدارس فعالیت خود را آغاز کرد. از زمانهای سیاسی فعال در جنبش مقاومت برای تشکیل جلسه ای مشورتی پیرامون مسائل آموزشی دعوت بعمل آورد که طی آن تمامی نیروهای سیاسی موافقت خود را با با زکشا می مدارس اعلام و قول هرگونه همکاری را دادند. مهمترین شرط با زکشا می مدارس تا مین کار در آموزشی بود که جمعیت مستقل و سازمانهای سیاسی با تمام توان در این زمینه تلاش نموده و به نحوی که هم اکنون ۶ دبستان، ۴ مدرسه راهنمایی و دو دبیرستان با بیش از دو هزار دانش آموز با بهره گیری از معلمان مبارز و با بهره گیری از کیفیت مطلوب آموزشی اداره میشود در تمام این اقدام انقلابی، فقط یک نفر در رابطه با حزب دمکرات عملاً "به تدریس" اشتغال دارد ولی حزب در بند ۷ قطعنامه از تلاشهای خود جهت با زکشا می مدارس و همکاری در تشکیل جلسات و اعزام پرسنل آموزشی به مدارس بوکان "سخن" پیمان آورده است. همچنین حزب دمکرات در بند ۷ قطعنامه اشاره می نویسد "۱۰۰۰ این عمل نکوهیده را منافسی با توافقی که قبلاً جهت با زکشا می مدارس بعمل

سفر اشرافی به کردستان: وحدت و جناح رژیم برای سرکوب خلق کرد

در سلیقه و شیوه ها را بکنار گذاشته متحدتر از هر زمان دیگر به سرکوب انقلاب و کشتار خلق های ستم دیده می پردازند. بنی مدر و همپالکی های لیبرالشان اکنون از آزادی دم میزنند اما چه کسی میتواند نقش موثر و در حمله به دانشگاہها و توامها آن به کردستان قهرمان را انگار کند؟ بقیه در صفحه ۶

خلق قهرمان کرد طی مبارزات دوساله خود بدرستی بارها تا کید کرده که دشمنان او نه فقط این با آن جناح رژیم بلکه کلیه جناحهای هیئت حاکمه میباشند چه وقتی که پای منافع طبقاتی و سرکوب انقلاب خلقهای ستم دیده در میان باشد هر دو جناح رژیم بیش از هر زمان دیگر جهت حفظ و تائید منافع ستمگانه خود، اختلاف

پیشمرگان ما را در پیش برد برنا سه شان بسیاری میداد.

سرا نجام پس از ۴ ساعت درگیری پیشمرگان بطور منظم مطابق برنامہ تعیین شده سالم از شهر خارج شده و به پایگاههای خود مراجعت نمودند. به گفته شاهدان عینی و کسب اطلاع از بیمارستان شهردار این درگیری ۸ تن از نیروهای دشمن کشته و ۱۶ نفر شدت زخمی گردیده اند.

(خبرنامه ۱۱۸ کومله)

ضربات پیشمرگان کومله بر دشمن در مرکز شهر

سفر:

ساعت ۹ شب ۵۹/۱۲/۲۱ پیشمرگان کومله از لیل شهید محمد حسین کریمی وارد شهر سقز شده و دو خیابان و قسمتی از مرکز شهر را به کنترل خود درآوردند. پس از آن عده ای از پیشمرگان با آرمی جی و نارنجک انداز و سلاح های سبک بمقر با سداران مستقر در محرابرات واقع در میدان هه لو حمله کردند و آتشی کوبیدند.

با شدت یافتن درگیری عده ای از نیروهای دشمن که برای کمک به نیروهای محاصره شده شان در ساختن محرابرات از خیابان ساحلی عبور میکردند، به کمین دستهای دیگر از پیشمرگان افتادند و پس از جنگ و گریزی خیابانی یکی از وسایل نقلیه آنها که تومبیل سیمرغ بود در جلوسا ختمان حسینیه منهدم و همه سر نشینان آن کشته و یا زخمی گردیدند.

درگیری در داخل شهر تا ساعت ۱ بعد از نصف شب ادامه داشت و در تمام این مدت دشمن در پایگاهها و پناگاهها بیش و حشتر زده و بدون هدف تیراندازی میکرد و جرات خارج شدن و رساندن کمک به نیروهای درگیر خود را نداشت.

مردمی که متوجه حضور پیشمرگان در شهر شده بودند، با هیجان فراوان آنان را تشویق می نمودند و در مواقع ضروری از انجام هیچ کمکی دریغ نمیکردند. این روحیه مبارزاتی عالی،



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



بقیه از صفحه ۵ سفر...
بنی. مدرو لیبرالها بهمان اندازة حزب جنایتکار جمهوری اسلامی، دستشان به خون زحمتکشان کردستان آغشته است.

اخیرا نیز در رابطه با توبه و امان نام سه جنگ روانی که جمهوری اسلامی بر علیه خلق کرد و جنبش مقاومت ایجا کرده، آیت الله اشراقی به کردستان مسافرت کرد. استانداری آذربایجان غربی در مورد سفر اشراقی به کردستان گفته است:

"بررسی نحوه دادن امان نام و دادن اطمینان به نیروهای که به سبب تبلیغات تاکنون خود را تسلیم نکرده اند همچنان بکار گرفتن صحیح و مثبت نیروهای که تسلیم می شوند و همچنین ارشاد دورا همنامی و جلب اعتماد و بیان حقایق از اموری است که در ما مورسیت آیت الله اشراقی بدان توجه میشود" (کبهان ۱۶ فروردین)

سفر اشراقی به کردستان قبل از هر مسئله، تلاشی است که رژیم برای جبران رسوایی توبه و امان نام و گسترش تبلیغات به حول این سیاست میکند. اما از مضمون سخنان استانداری مورد سفر اشراقی به دو نکته میتوان پی برد:

۱- وحدت لیبرالها و حزبهای دسرسرکوب خلق کرد: چنانکه میدانیم در جنگ قدرت بین دو جناح رژیم، اشراقی در صف لیبرالها قرار دارد. حال که رژیم از سرکوب خلق ستم دیده کرد و در مقابل اراده متحد و یکپارچه این خلق قهرمان عاجز مانده است، اشراقی لیبرال برای تکمیل توطئه های رژیم در جهت ایجاد جنگ روانی بر علیه خلق کرده کردستان رفته است. خلق کرد و تمام نیروهای آگاه ایران بخوبی میدانند که تبلیغات رژیم حول توبه و تسلیم به شمرگان انقلابی و تحویل اسلحه و گرفتن امان نام سه

دروغی بیش نیست و جنبش مقاومت و روحیه پیشمرگان تحت تاثیر چنین تبلیغاتی نه تنها متزلزل نشده است بلکه گرایش هر چه بیشتر توده های وسیعی از خلق کرد بطرف سازمانهای انقلابی - کمونیستی در کردستان، راه هرگونه متزلزل و تسلیم طلبی را مستود کرده است. به همین علت لیبرالها در پی جبران شکست سیاسی رژیم در این جنگ روانی برآمده و چهره عوام فریبی همچون اشراقی را برای "بررسی نحوه دادن امان نام و اطمینان دادن به نیروهای که تسلیم نشده اند" به کردستان فرستاده اند.

۲- استفاده از خائنین بر علیه

همچنانکه بارها گفته ایم توبه و گرفتن امان نامها از جانب پیشمرگان انقلابی و خلق کرد دروغی بیش نیست. مبارزات سیاسی گسترده خلق کرد با رژیم در شهرهای کردستان از یکسو و نبرد مسلحانه بی امان پیشمرگان انقلابی از سوی دیگر بروشنی دروغ بودن ادعا هها و شایعات رژیم را ثابت میکند. آنها که تسلیم شده و امان نام به دریافت میکنند و ریز بیونست های خیانت پیشه سازمان چریکهای فدائشی اکثریت و مزدوران خائنی همچون حامد بیگها و ستارامدی ها و... هستند که جنبش مقاومت خلق ستم دیده کرد را دستاویز حصول به منافع کثیف خود قرار داده و با تسلیم شدن در برابر جمهوری اسلامی و دریافت امان نام به خوراک تبلیغاتی این رژیم ضد خلقی را فراهم میکنند و در واقع آیت الله اشراقی نیز از جمله برای "بکارگرفتن صحیح و مثبت" این چنین نیرو- های خائنی و ضد خلقی بر علیه خلق کرد و استفاده از آنها، جهت سرکوب زحمتکش کردستان به آنجا سفر کرده است.

اما تیر عوام فریبانی همچون آیت الله اشراقی اینبار نیز بیه سنگ خواهد خورد، چرا که خلق کرد، علاوه بر گسترش مبارزه سیاسی - نظامی خود بر علیه هر دو جناح رژیم، با افشا و طرد خائنین تسلیم طلبان و سازشکاران، فرصت استفاده از خائنین را به اشراقی ها نخواهد داد.

آن به مبارزه خواهد پرداخت ولی در عین حال در شرایط فعلی با توجه به فعالیت علنی سازمانهای سیاسی در کردستان بخصوص در یوکان از جانب دیگران و لویت دادن به مسائل آموزشی و جبران عقب ماندگیهای درسی، عملا بحث مسائل سیاسی کمتر ضرورت یافته بخصوص تبلیغات گروهی بهیچوجه بعمل نیامده است و آنها هم حزب مبنی برای ایجاد انحراف فکری جوانان با تبلیغات تنگ نظران گروهی کاملاً بی اساس و واهی است.

(خبرنا مه کومه ۱۱۸)

یک توضیح:

اخیرا جزوهای تحت نام "چرانان چاربه" جدائی از سازمان پیکار شدیم! "به امضای سه تن از اعضای سابق س- پ!" منتشر شده است. نویسندگان این جزوه با انتشار آن "انشاب!" خود را از سازمان اعلام کرده اند! ما ضمن تکذیب چنین انشاعی که از سوی نویسندگان این جزوه در سطح جنبش اعلام شده است، توضیح میدهم که نویسندگان فوق، عناصر اپورتونیستی هستند که مدتها پیش بدلیل عدم ملاحظیت خود از زمان تصفیه شده بودند. آنها اکنون پس از گذشت این مدت، بفکر اعلام "انشاب" افتاده اند و با انتشار این جزوه کذاشی و به باری و کمک بی - دریغ کسانی که هر مخالف اپورتونیستی با سازمان ما را به سود خویش یافته اند، دکمان جدیدی برای خود بنا کرده اند. این سفر در خارج از کشور، در ارتباط با بخش منسحب از سازمان مجاهدین (بخش خارج از کشور) قرار گرفتند. دو نفر از آنها در نیمه اول سال ۵۷ از

طرف این ارگان عضو گیری میشوند. و با این تلقی بعد از قیام به داخل ایران میآیند. و در ارتباط با سازمان قرار میگیرند. لیکن از همان ابتدا بدلیل خصوصیات و گرایشات شدیداً روشنفکری آنها و نیز عدم ملاحظیت های ایدئولوژیکیشان، عضویت آنها معلق شده و در پیرامون تیک توده ای سازماندهی میشوند. پس از طی چندین ماه، به دلیل تزلزلاتشان نسبت به مواضع سازمان (از موضع راست) و نیز بدلیل تعمیق ضعف ها و انحرافات فردیشان، از حالت تعلیق عضویت درآمده و عضویت آنها لغو میگردد و بنا بر تمایل خودشان در حاشیه تشکیلات سازماندهی میشوند اما پس از گذشت چند هفته، بدلیل برخورد های غیر ما دقا نه سازمان شکنانه شان، رابطه سازمان با هر سه آنها بطور کامل قطع میشود. عناصر فوق اکنون و پس از گذشت چندین ماه از اخراج آنها به اصطلاح اعلام "انشاب" نموده اند. ما ضمن رد این ادعا، توضیح فوق را برای جلوگیری از سوء استفاده ایمنان و روشن شدن اذهان جنبش، ضروری دانستیم.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳۱ تظاهرات...

این تحلیل از رژیم، مسئله جنگ و... آنها با لایحه تا کتیک تظاهرات را فارغ از هرا ما و اگر در شرایط کنونی، مجاز می شد بدینانه و اگر می شد، در چه شرایطی، چگونه و با چه مختصات؟ و نیز با این قلم فرسائی در مورد شرایط ذهنی توده ها، توهمات آنها، تناسب نیروها، وضعیت کمونیست ها و نیروهای دمکرات و... با لایحه آنها کمونیست ها و نیروهای انقلابی میتوانند و با ایدئولوژیکیک تعریفی تظاهرات استفاده نماید یا نه؟

پیرو زباد جنبش مقاومت خلق کرد

بیاد شهیدان فروردین

اعدام کارگران بیکار رد ورود

۵۹ - دیرکوب مبارزات بیکاران درود در فروردین ۵۹
شهیدان فتحی (کارگر) و مرتضی دژاگاه دست رژیم
جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده و تیرباران شدند.

ششمین سالگرد جنایت هولناک رژیم شاه

روز ۲۹ فروردین ۵۴، آدم کشان رژیم
جنایتکاران را با دست به امیر لیم شاه ۹ تن از
فرزندان مبارزان خلق که ظم و ذوالانوار و مصطفی
جوان خوشدل (از مجاهدین) و بیژن جزئی، حسن
ضیاء طریفی، عباس سورکی، محمد علی جویا نژاد،
سعید کلانتری، عزیز سمردی و احمد جلیل افشار
را که در زندان اوین اسیر بودند، شمشیر به
تپه های اوین کشانیده و سه رگبار مسلسل های
آمریکائی بستند. این جنایتکاران ندهنده، رژیم
خونخوار شاه را بیش از پیش افشا کرده و ما هیئت
پلید آترا برای جهان با بر ملا ساخت

گرامی باد خاطره سرپاز انقلابی رضاشمس آبادی

روز ۲۱ فروردین ۴۴ سرپاز انقلابی رضاشمس
آبادی که قهرورشا جلا در کاخ مرمر داشت
بدون اینکه موفق شود با بین خون آشام آسیبی
برساند، در اثر گلوله های مزدوران شاه
شهادت رسید. او در ارتباط با یک گروه
کمونیستی دست با این عمل زده بود.

بیادشان گرامی باد!

بقیه از صفحه ۳ سخنی با...

خود از کسانی وام گرفته اند؛ و اگر گرفته اند
مبلغ آنرا ذکر کنید.

۳- خواهشهایی که هم اکنون در کارخانه شما
بنوعی میتوانند تنبیه افزایش دستمزد مبروط شوند

کدامها هستند؟

۴- کارخانه شما در رابطه با سودی چه مبارزه ای
داشته و یا دارد (در هر سطحی)؟

۵- از نظر شکل (شورا یا سندیکا) وضعیت کارخانه
شما چگونه است؟

۶- با توجه به وضعیت کارگران در شرایط فعلی،
شما چه میزان افزایش دستمزد را پیشنهاد میکنید؟

۷- با توجه به وضعیت کارگران، شما چه شکلی
مبارزه را در کارخانه و در شرایط فعلی پیشنهاد میکنید؟

بیروز باش!

Table with 2 columns: Name and Amount. Lists names like 'معلم کوپن های سزین رسید' and amounts like '۲۰۰۰۰'.

Main table with 2 columns: Name and Amount. Lists names like 'داروگ معلم روستا' and amounts like '۱۰۰۰۰'.

Table with 2 columns: Name and Amount. Lists names like 'تهران: الف' and amounts like '۶۳۰۰'.

بقیه از صفحه ۳۲ اطلاعیه...

لبخند ملیح و با دادن خرده امتیازاتی محدود،
داده منتهزلزل را در صفوف نیروهای ناپیگیر
افزایش داده و آن را به جبهه بورژوازی فزا-
خواند، تا در سرکوب جنبش و نیروهای راستین
انقلابی، بویژه کمونیست ها میدان بازتر و قدرت
متمرکزتری را بدست آورد.

اطلاعیه داستانی، چنین هدف مژورانه ای را
دنبال میکند زمانی که در بند خود میگوید:
"کلیه احزاب و گروهها شی که بر ضد جمعهوری
اسلامی ایران اعلام مبارزه کرده اند، چنانچه
موضع قبلی خود را رها کنند و سلاح های خود
را تحویل سپاه پاسداران یا مقامات انتظامی
دهند و موضع خود را رسماً اعلام نمایند، میتوانند
در چهارچوب قانون فعالیت سیاسی (۱) داشته
باشند. و سپس در بند ۹ "دمکراسی" خود را تکمیل
میکند و میگوید: "کلیه احزاب و گروهها اجازه
منافره و بحث های عقیدتی و سیاسی از طریق
وسایل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا
میباشند. مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد
نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر
نداده اند." ظاهراً ما هم، منصفانه بنظر میاید
چنین تصویری را بوجود میآورده که رژیم نسبت به
قوانین و طرح های گذشته گامی به جلو برداشته
است. در وهله اول چنین القاء میشود که رژیم
تنها فایده بر سمیت شناختن و قانونیت احزاب
و نیروها را "رها کردن" مبارزه مسلحانه با رژیم
قلعدها کرده است و دیگرمانند طرح ها و قوانین
گذشته هرگونه مخالفت و ضدیت با رژیم جمهوری

اسلامی را ملاحظه خود قرائت نمیدهد و اما این تنها
ظاهراً قضیه است. در خروس زمانی بیرون میاید
که اطلاعیه در بند ۸ خود اعلام میکند: "احزاب و
گروهها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کم-
کاری و سایر انواع اخلال در موسسات مختلف کشور
نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود متخلفین
تحت پیگرد قاضی قرار میگیرند." و در بند ۷:
"کلیه احزاب و گروهها در بیان آراء و افکار
سیاسی آزادند بشرط اینکه مشتمل بر دروغ،
تهمت و تحریک نباشند." (تا کیدازماست)

رژیم در واقع از احزاب و نیروها میخواهد که
دست از شرکت در مبارزه طبقاتی بردارند و
همچون رویزیونیست های توده ای و اکثریت به
مجیزگوییان رژیم تبدیل شوند، آنگاه حقوق
"فعالیت سیاسی" را خواهند داد. رژیم می-
خواهد که نیروهای انقلابی از افشای نظام حاکم
سیاست های رژیم و ما هیبت واقعی آن دست بر-
دارند، آنگاه تا حق "فعالیت سیاسی" آنها محترم
شمرده شود. مفهوم "دروغ و تهمت و تحریک" در
فرهنگ ارتجاعی رژیم های بورژوازی و ضد
انقلابی و منجمله رژیم حاکم، به انداز کافی بر
توده های آگاه روشن است و نیازی به تفسیر
ندارد. در فرهنگ اینان، افشاکاری نیروهای
انقلابی بر علیه رژیم، "دروغ، تهمت" معنای -
دهد و جز این نیز نمیتواند باشد. در فرهنگ اینان

بقیه از صفحه ۳۲ معرفی...
درباره سازمانهای کارگری

آزاد سنا دکمینترن

ترجمه - مافی

از انتشارات: نشر تندرن

مبارزات سندیکا شی یکی از قدیمی ترین
اشکال مبارزه پرولتاریاست. از نظر کمونیستها
این مبارزه اهرمی در خدمت پرورش سیاسی
پرولتاریا جهت دستیابی به مضمون و هدف
اساسی مبارزه پرولتاریا یعنی برقراری
دیکتاتوری انقلابی خویش میباشد.

طبقه کارگرا ایران در گذشته به سبب مجموعه
عوامل عینی و ذهنی از چنین شکلی از مبارزه
با مضمون فوق الذکر محروم بوده است ولی در
شرایط کنونی که بحران عمیق اقتصادی -
سیاسی جامعه را دربر گرفته و اعتلا انقلابی روند
عمومی آنرا تشکیل میدهد، کمونیستها ی ایران
این شکل از مبارزه را چه از نظر متشکل کردن
وسیع ترین توده طبقه و چه از نظر پرورش سیاسی
آنها با بد مورد توجه قرار دهند.

بر اساس چنین ضرورتی است که شناخت
اصولی از مضمون مارکسیستی سازمانهای
توده ای کارگری و مبارزات سندیکا شی طبقه
اهمیت می یابد بویژه که ولا انحراف به راست
موجود در جنبش کمونیستی تا کنون مانع تمرکز
و توجه کامل روی پرورش سیاسی و تشکیل طبقه
گردیده است تا شنایا درکهای رفرمیستی و سازش-
کارانه از اتحادیه های کارگری رویزیونیست

"تحریک" یعنی شرکت در مبارزه عادلانه توده ها
بر علیه نظام حاکم و سازماندهی و هدایت مبارزه
طبقاتی توده های زحمتکش، و طبقه ای که اولین
شرط انقلابی بودن یک نیروی سیاسی است.
رژیم با برداشتن این "شرط کوچک" میخواهد
نیروهای سیاسی، به موجوداتی اخته و "بی ضرر"
برای بورژوازی تبدیل شوند. بنا بر این روشن
است که گردن گذاشتن نیروهای سیاسی به مواد
این قانون ارتجاعی، بمعنای تبدیل شدن به
یک سازمان سیاسی بورژوازی، و بدور انداختن
دروغها به انقلابی خویش است. رژیم، نیروهای
انقلابی را به چنین گرداب متعفن فرا میخواند
و چنین در باغ سزی ژا به روی نیروهای انقلابی
بازی می کشاید. "بحث آزاد" مطلوب رژیم،
بر اساس چنین پیش شرط ها و قوانین "بحث
آزاد" میان رژیم حاکم، با نیروهای سیاسی
خیانت پیشه ای است که با پشت کردن به مبارزه
طبقاتی و خیانت به توده ها، خود را به بورژوازی
فروخته اند. فقط نیروهای چون حزب توده و اکثریت و
سه جانی های خائن و بی نیروهائی که بخواهند از این
پس به آرزو انقلاب خیانت ورزند و به دیوژگی
در آستان بورژوازی بپردازند، نمیتوانند به سگ
گویان چنین قوانینی باشند و به آن گسردن
گذارند. مسئله بر سر بهره گیری انقلابی از

- های خائن مبلغ آن میباشد. بسیار رایج
است تا لاشا خود جنبش کمونیستی نیز به درکهای
انحرافی از تشکلات توده ای کارگری آلوده
بوده است.

در چنین رابطه ای است که ما معرفی کتاب
ارزنده ای در این زمینه را که اخیراً منتشر
گردیده است ضروری دانستیم.

این کتاب مشتمل بر دو بخش (سندیکاها و
فعالیت در تعاونی ها) میباشد که مجموعه ایست
از قطعنامه های دومین، سومین و چهارمین
کنگره انترناسیونال دوم.

علاوه بر اینها، در مقدمه هر بخش قسمتی از
قطعنامه های بین الملل اول را دربارها درک
"مبارزات اقتصادی و مبارزات سیاسی" سندیکاها
و "کارتعاونی ها" آورده است که توسط مارکس
آموزگار رکیبر پرولتاریا نگاشته شده اند. این
قسمتها در عین اختصار خود بسیار غنی و عمیق و
نگرش انقلابی مارکس از این مضامین میباشد.

ما ضمن توصیه مطالعه این کتاب ارزنده
به همه کمونیستها و هر کارگر آگاه و بیداری، توجه
رفکارها به این نکته مهم جلب میکنیم که مطالعه
این اثر نه تنها از آوازه پیدا کردن درک
مارکسیستی از مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه،
سازمانهای کارگری و وظیفه کمونیستها در قبال
آنهاست. بلکه از آوازه، شناخت درست از نحوه
برخورد مارکسیستی به تشکلات توده ای که در
شرایط اعتلا یا بنده کنونی از اهمیت بسیاری
برخورداری میباشد و میتواند ندیس مفید و گرانقدر
باشد.

عقب نشینی های رژیم و با سودجستن از شکاف -
هایی که بر افشای رنجش در سیاست های رژیم
پدید میاید نیست. همچنین سخن از استفاده از
امکانات و شرایط سیاسی مساعد و هر چند محدودی
که در دست مبارزه توده ها و با عقب نشینی
بورژوازی برای دامن زدن به مبارزه طبقاتی
در جامعه و بقیع ممالع انقلاب بدست میاید، نیست، بلکه
سخن از این است که بدست آوردن این امتیازات
محدود به قیمت دست کشیدن از مبارزه انقلابی
تمام میشود. اطلاعیه داستانی چنین هدفی را
دنبال میکند. آری معنای واقعی پیام فریب -
کارانه رژیم در اطلاعیه مذکور چنین است:
"فعالیت سیاسی" احزاب و گروهها آزاد است به
شرط آنکه از فعالیت سیاسی دست بردارند!

قبل توجه رفتار و هواداران!
نشریه پیکار برای غنی تر نمودن آرشیه
عکس و اسناد خود از کلیه رفتار و هواداران سازمان
میخواهد که هرگونه عکس مربوط به شخصیتها
و شهدای کمونیست و انقلابی ایران و جهان
و اسنادی که بطور مستقیم و غیر مستقیم مرتبط
با جنبش کارگری و انقلابی و متناسب برای
افشاکاری و... در اختیار دارند، برای ما
ارسال دارند.
موفق باشید!

اخبار مبارزات توده‌ها



اعتصاب غذای زندانیان سیاسی انقلابی بند زنان زندان کارون

زندانیان سیاسی انقلابی زندان کارون اهواز، بند زنان، در تاریخ ۱۳/۲/۵۹ دست به یک اعتصاب غذای خشک زدند. این اعتصاب غذا در اعتراض به شرایط غیربهداشتی و بیماری‌ها و یکجا بودن زندانیان سیاسی انقلابی با دیگر زندانیان بوده است. در روز دوم اعتصاب، مسئولین زندان و پاسداران از انقلابیون زندانی میخواستند که اعتصاب غذا را بشکنند و سعی میکنند با انواع بهانه‌ها و فشارها آنها را مجبور به اینکار نمایند اما موفق نمی‌شوند. در روز چهارم اعتصاب غذا، حال چهارتن از زندانیان بهم خورده و بالاخره مقاومت انقلابی رفقای دربند در ادامه اعتصاب غذا، مسئولین مزدور زندان را وادار به عقب نشینی نموده و زندانیان سیاسی انقلابی را به "بازداشتگاه ضدانقلاب" (بخوان: بازداشتگاه انقلابیون) منتقل میکنند.

با مبارزات انقلابی خود، ارتجاع را در همه جا شکست دهیم!

تظاهرات در قهرمان شهر

در روز ۲۳ اسفند دعوت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، در قهرمان شهر یک تظاهرات موضعی برگزار شد، رفقا با شعارهایی چون "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده - با دیکتاتور، زنده ها"، "از قحطی و گمراهی، این جنگ ارتجاعی، مردم بیدارند"، "شمار زندگان، نان، مسکن، آزادی" و حمل پلاکاردهای افشاگرانه، به افشاء رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. در مسیر تظاهرات اعلامیه‌های سازمان پیکار و سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در ارتباط با گمراهی و بیکاری پخش شد. مردم با اشتیاق اعلامیه‌ها را گرفته و میخواندند گروهی از مردم به صف تظاهرات کردند بی‌سوت و یک ربع اول تظاهرات بدون درگیری ادامه یافت. اوایل شان رژیم جمهوری اسلامی کشته میدیدند مردم به استقبال تظاهرات رفته و حتی رانندگان اتومبیلها با بوق زدن و تکرار شعارها با رفقا همراهی میکنند، وحشیانه به آنان حمله نموده و چند نفر را دستگیر می‌مایزند. مردم نیز در اعتراض به مزدوران رژیم و به حمایت از تظاهرات کنندگان در خانه‌های خود را بروی رفقای که مورد هجوم قرار گرفته بودند، می‌گشودند. این تظاهرات ۲۰ دقیقه طول کشید.

جنایات ارتجاع و نوروژ خونین زحمتکشان رامسر

مجاهدین حمله می‌کنند و پاسداران نیروهای کمونیست و انقلابی به همراه سائیراها "کناره محله"، در اعتراض به این یورش وحشیانه با پاسداران مزدور درگیر میشوند که ۱۲ نفر از مردم زخمی میشوند. با خروج پاسداران مزدور از محله، رفقای سازمان پیکار و اقلیت دست به افشاگری وسیعی می‌زنند و این در حالی بود که مجاهدین حاضر به افشاگری وسیع حول حمله وحشیانه پاسداران نبوده‌اند. در روز جمعه پاسداران و فالتزهای بسیج شده از رشت و لاهیجان، شهر را تحت کنترل خود می‌گیرند. این مزدوران هنگامیکه در جلوی بساط فروش کتاب و نشریه رفقای پیکار، قصد دستگیری یک رفیق اقلیتی را میکنند، با مقاومت مردم روبرو شده و عقب می‌کشند. همچنین یکی از هواپازان مجاهدین که توسط بقیه در صفحه ۱۰

سال ۵۹ از یک طرف سال اعتلا و رشد مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما سر علیه رژیم سرما به اداری وابسته، از طرف دیگر سال سرکوب مبارزات توده‌های مبارز و نیروهای انقلابی و کمونیست توسط ارتش و پاسداران و قداره‌بندان رژیم جمهوری اسلامی بود. سال جدید نیز ظلیعه و جگبوری مبارزات کارگران و زحمتکشان را نوبت میدهد، اگر چه سرکوبگری‌های رژیم جمهوری اسلامی را هم در پی دارد. وقایعی که اخیراً در چند نقطه از کشورمان رخ داده نشان میدهد که چگونه رژیم ضد خلقی با آغاز سال جدید سرکوب و ترور و خفان را افزایش داده و از زبخت خون پاک فرزندان خلق هیچ باکی ندارد. در روز چهارشنبه ۶۰/۱/۵ در راه مسر، پاسدارانی که عازم جبهه جنگ ارتجاعی بودند به همراه فالتزهای دهات اطراف به نمايشگاه

خودکشی يك سرباز منقضي خدمت ۵۶ و تهدیدهای فرمانده مزدور

آری فرزندان زحمتکشان قربانی جنگ ارتجاعی کنونی و سیستم ارتجاعی ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی شده و تحت فشار روحی دست به خودکشی می‌زنند و فرماندهان مزدور حافظ این سیستم نیز، اینگونه و قیحا نه به سوء استفاده از آن برداخته و برای تا مین منافع ارتجاعی رژیم سرما به داران و حفظ ماشین سرکوبگران، ارتش، سربازان را در مقابل عدم اطاعت کورکورانه از دستورات ارتجاعی، به مرگ و زندان تهدید می‌نمایند. سربازان زحمتکشان با بیدار شدن که مسئول خودکشی "حبیب‌الله زاده" هانتها رژیم ضد خلقی حاکم است و آنها فقط با اتحاد و مبارزه پیگیرانه خود و ایجاد تشکل انقلابی در درون ارتش و در پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان جهت سرنگونی این رژیم، میتوانستند قربانی شدن خود و دیگر فرزندان زحمتکشان جلوگیری کنند.

در روز شنبه ۱۶/۱۲/۵۹ یک سرباز منقضي خدمت بنام "نعمت‌الله حبیب‌زاده" در با دگان دیوترا بیری (تهران)، دست به خودکشی می‌زند. وی از اهالی یکی از روستاهای بابل بوده و با آنکه دوره خدمتش پایان یافته بود، به بهانه اوضاع جنگ هنوز او را مرخص نکرده بودند. این امر او را سوی دیگر رنج فقر و تنگدستی خانواده و اینکه کسی نبود تا به آنها کمک کند، این سرباز منقضي خدمت را آنچنان تحت فشار روحی قرار میدهد که تاب تحمل نیاورده و با شلیک دو گلوله به زندگی خویش خاتمه میدهد. فرمانده مزدور گروهان که جان فرزندان زحمتکشان برای وی اهمیتی ندارد، با استفاده از این امر، به تهدید دیگر سربازان پرداخته و میگوید "اگر کسی از دستورات من سرپیچی کند، آنقدر به پروپا می‌آید و می‌بجیم تا مثل آن سرباز دست به خودکشی بزند و با آنکه آنقدر توی زندان نگهش میدارم تا بیوسد".

به استقبال جنبش او جگيرنده توده‌ها بش تاليم

توطئه‌های رژیم برای ایجاد برادرکشی بین زحمتکشان آبادانی و شیرازی را خنثی کنیم

گرفتار ریها، بیکار ریها، گران، جنگ، خانه‌خرابی
آوارگی و هزاران مشکل دیگر را که گریبان همه
را گرفته است، پیدا میکنیم. چرا با یادآبادانی
در جنبه‌ها ندوجان خود را در جنگ بین دورژیم
ارتجاعی از دست بدهد؟ چرا با بدشیرازی بسه
جنبه برود و گوشت دم‌توب سرما بیداران بشود؟
مگر بیروزی با شکست رژیم جمهوری اسلامی چه
نفعی بحال زحمتکشان دارد؟ مگر آنموقع که
جنگ نبود مردم یک لحظه از زورگوشی‌های رژیم
وفشا و مشکلات زندگی آسوده بودند؟ مگر با عت
تمام این بدبختی‌ها رژیم حاکم نیست که از
منافع سرما بیداران حمایت میکند؟

آبادانی، شیرازی است؟ آیا
دشمن شیرازی، آبادانی است؟ نه! دشمن
کارگران و زحمتکشان شیرازی و آبادانی، رژیم
سرما بیداری حاکم است که جنگ ارتجاعی را
براه انداخته است، از سرما بیداران حمایت
میکند و کوچکترین مدای حق طلبی را سرکوب
میکند. دشمن شما ارتش و سپاه بیداران که از
منافع دارو دسته ارتجاعی حاکم حمایت میکنند هستند!
مگر زحمتکش خوزستانی و زحمتکش شیرازی چه
فرقی با هم دارند؟ مگر هر دو گرفتار زورگوشی‌های
رژیم حاکم نیستند؟ مگر شیرهان هر دو میکشده
تمی شود؟ مگر گران بی هر دو فشا رنمیا ورد؟ مگر
هر دو زیر بار قرض بی مسکنی و هزار مشکل دیگر
کمر خم کرده‌اند؟

کارگران و زحمتکشان مبارز، مردم قهرمان
شیرازی و خوزستانی!
توطئه‌های رژیم جمهوری اسلامی را که با سیاست
"تفرقه بینا ندا و حکومت کن" زمینه سازی سرکوب
و وسیع زحمتکشان خوزستانی را فراهم کرده است خنثی کنیم.
لبه تیز خشم و کینه خود را متوجه دشمن
مشترکمان تا رژیم، هدفهای رژیم از این توطئه
را برای دیگران توضیح دهیم.
تنها اتحاد و مبارزه مشترک ما برای نابودی رژیم سرمایه-
داری است که میتواند بدبختی و فلاکت ما را پایان بخشد.
بیش بسوی اتحاد دیگانه‌گی برای مبارزه
با دشمنان واقعی مردم!
نا بود با توطئه‌های رنگارنگ رژیم حاکم!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
(تشکیلات شیراز) ۱۳۶۰/۱/۱۷

اخیرا به تحریک سپاه بیداران شیراز و به
رهبری چاق‌قداران رژیم درگیری‌های وسیعی در
شیراز روی داده که منجر به کشته شدن دو نفر نیز
گردیده است. تشکیلات شیراز سا زمان ما در مورد
این توطئه رژیم اعلامیه‌ای منتشر کرده است. ما
قسمتها را از ترا در اینجا میاوریم:

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز شیراز!
جنگزدگان قهرمان خوزستانی!
در دوزخ خیر شهر شیراز شاهدگیری‌ها و
چماق‌کشی‌های وسیعی است. این درگیری‌ها
تعداد زیادی زخمی و آنطور که از اخبار بر میاید
یک نفر با بیشتر کشته شده است. دسته‌های چماق
- دار که آشکارا حزب اللهی‌ها و عوام‌بل سپاه
بیداران با لباس شخصی آنها را هدایت میکنند
به خوابگاه‌ها و محله‌های تجمع جنگزدگان
خوزستانی میریزند و درگیری‌ها را گسترش می-
دهند. نیروهای انتظامی، با سپاه‌های با تسون
بدست شهرهای نیز بطور نمایشی در لحظات در-
گیری حضور دارند و مطلقا کاری به چاق‌قداران
که خوابگاه‌های جنگزدگان را محاصره کرده و قصد
ورود به آنها را دارند، ندارند.

زن و بچه‌های جنگزدگان خوزستانی در دوزخ
اخیر بدترین لحظات آوارگی خود را گذرانده‌اند.
آنها تا مین جانی نداشتند و هر لحظه منتظر نداشتند
چماقداران حزب اللهی این زندگی سراغم و
اندوه آنها را نیز از هم بپاشند.

واقعیت مسئله چیست
و درگیری بسود چه کسی تمام میشود؟
حزب اللهی‌ها و سپاه بیداران در پوش چند
شیرازی در شاهراغ با آبادانی‌ها درگیری
راه می‌اندازند. در این درگیری یک نفر کشته
شده و ده‌ها منهدرگیری به خوابگاه‌ها کشیده میشود
سپاه بیداران با راه‌انداختن چماقداران و
شابعه پراکنی در شهرها منهدرگیری را وسیعتر
میکند و با اصطلاح جنگ بین "آبادانی و شیرازی"
براه می‌اندازد. سپاه بیداران سعی میکند با
این کار اتحاد بین مردم را از بین برده و آنها
را بپراکنده کند و زمینه سرکوب زحمتکشان و نیرو
- های انقلابی و کمونیست را فراهم سازد.

کارگران و زحمتکشان مبارز،
همشهریان شیرازی و خوزستانی!
اگر کسی بیشتر فکر کنیم، علت اصلی

جنايات بيشمار خود برده افکنند. اما ما می-
گوئیم: جسد رایش سدر سواشی ارتجاع است
ما میگوئیم: نه سرکوب و نه کشتار و نه دستگیری و
شکنجه و نه ترور و اعدام نمیتوانند سدرهای از
پیکار انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلقهای
قهرمان ما بر علیه سیستم سرما بیداری وابسته
به امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی حافظان
بکاهت. دیر نیست آن روزی که رژیم فدا خلقی

بقیه از صفحه ۲۶ آغاز...

را بطور دستجمعی خوانند. پس از قرائت پیام
سازمان رفقای اجتماع کننده جهت بیمان خود
با کمونیست شهید رفیق غلامرضا سرود "شهیدان"
را خوانده و وفاداری خود به آرمان کمونیسم را
اعلام کردند. در این مراسم همچنین پیام جمعی
از خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی، شعری
توسط یک رفیق و متن کوتاه بسیار پرشوری
توسط همسر رفیق شهید منوچهر نیک اندام خوانده
شد. یکی از همزمان رفیق غلامرضا که در جریان
بخش با رفیق همراه بود گوشه‌هایی از پیکار
انقلابی غلامرضا و عشق بی پایان او بسه
کمونیسم و آزادی طبقه کارگر را توضیح داد. در
پایان مراسم مادر یکی از شهدای سازمان
جملاتی سخت آتشین و حاکی از کینه طبقاتی او
علیه سرما بیداران و دشمنان خلق ایراد نمود
که جمعیت را بشدت تحت تاثیر قرار داد. مراسم
شکوه خاصی داشت. پلاکاردهای گوناگون رفیق
شهید و نام سازمان بر آن نقش بسته بود و ۴ حلقه
بزرگ گل و یک ستاره گل بر مزار رفیق شهید
"غلامرضا صدقات پناه" و شورا انقلابی جمعیت،
در طول اجرای مراسم، جزئی از آذای دین
نسبت به کمونیستهای قهرمانی همچون رفیق
شهید غلامرضا بود. همزمان غلامرضا تا پای جان
را هش را داد به خوانند داد.

بقیه از صفحه ۹ جانیات...

بیداران دستگیر شده بود بسبب مردم آزادی-
شود. بیداران مزدور تا پاسی از شب در شهر
به خانه گردی پرداخته و هر کسی را که به وطنین
مشدند دستگیر میکردند.

تشکیلات سازمان پیکار در گیلان، در این
را بطه اعلامیه‌ای داده است که قسمتها را از آنرا
در زیر میخوانید:

"... بیداران رژیم که چگونه جلادان جمهوری
اسلامی در سه نوروز، خلق دلاور کرد و ترکمن را به
خاک و خون کشیده و میکشند و اینک سرکوبگران
جمهوری اسلامی ندادا همان سیاست در تاریخ
۶/۱/۵ عید زحمتکشان را. مسرا به خاک و خون
کشیده و زحمتکش قهرمان "خیر الله اقبالی" را به
شهادت رساندند. در روزهای اخیر بیداران و
قداره بندان رژیم بیدنیال مسود نمودن راههای
ورودی به شهر، به دستگیری، تکنجه و سرکوب
مبارزات توده‌های شهری پرداخته و در این
را بطه در تاریخ ۶/۱/۱۳ با هجوم وحشیانه شان
به روستای "کتالم" از توابع رامسر، "تیمور-
طالب" را نیز به شهادت میرسانند. هم اکنون
دستگیری و سرکوب توده‌ها در راه‌ها می‌دارد.
کارگران، زحمتکشان گیلان، زحمتکشان و توده
های مبارز را مسرا!

قداره بندان رژیم در رشت از تحویل جنازه
شهید "اقبالی" به خانواده‌اش خودداری نموده و
آنها را به باد کتک گرفتند، گویا این دژخیمان
از خانواده شهید "نازمت" میخواهند.

ننگان با داین مزدوران میخواهند
مانند گاردیهای آریا مهری با جسد رایشی بسر

جمهوری اسلامی همچون رژیم منفور پهلوی بدست
توانای کارگران و زحمتکشان به زباله‌دانی
تاریخ سپرده شود.

به امید فردای پیروز کارگران و زحمتکشان
زنده و جاوید با دشمنان خلق!

مرگ بر سرکوبگران کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان!
علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!
۱۳۶۰/۱/۱۴

اول اردیبهشت: روز مقاومت دانشجویان انقلابی گرامی باد

در میان سنگرهای فروزان انقلاب ایران، آتشگاهی است که لهیب شعله‌های آگای هشت سالیان سال توده‌های انقلابی میهن‌مان را گرما و روشنائی بخشیده است. نگهبانان این آتش، آتش آزادی و آگای انقلاب با جانبازی-ها و دلاوری‌های بی‌پایان خویش هرگز نگذاشتند که آغزهای فروزان و شعله‌ور این آتشگاه بیسفرود و در این راه، بسیاری قهرمانان جهان باختند، این آتشگاه که زبان‌های آتش‌سیر سیاه‌هیهای ارتجاع و امپریالیسم-بورژوازی میا ورده است و دانشگاه است.

به قلب توده که بنگری، عشقی عظیم به این آتشگاه، این سنگر آزادی، میبینی، توده‌ها همواره دانشگاه را گرامی داشته‌اند. از زهد دانشگاه در سیاه‌هیهای دیکتاتوری شاه‌خائن و آنچه و بر سردان دانشجویان انقلابی آورده از زندانها، شکنجه‌ها، تیرباران و.....

کردستان و دانشگاهی را که انقلاب در آن بیش از هر نقطه دیگر نیرومند بود و بدین ترتیب، جمهوری اسلامی که هر سال از رشد انقلاب سال ۵۹ را سال امنیت نامیده بود، کوشید تا این امنیت را بر کشتار و سبباران خلق کرد و زندان و تیرباران دانشجویان انقلابی، استوار کند. ابتدا دانشگاه از سوی دارو دسته‌هایی ارتجاعی وابسته به حزب جمهوری اسلامی اشغال شد. آنها میکوشیدند با اشغال دانشگاهها، و با عنوان و توجیه با مصلح انقلاب فرهنگی آنرا به تعطیل بکشند. چرا که آنها میدانستند، تا زمانی که دانشگاهها با زاست نیروهای انقلابی که نیرومندترین جریان درون دانشگاه هستند دمی از آگای هگری نخواهند آسود.

اما لیبرالها با هدفی دیگر در این مبارزه علیه انقلاب که نامش را "انقلاب فرهنگی" گذاشته بودند، شرکت کردند. بنی صدر توطئه اشغال و به تعطیل کشاندن دانشگاهها را به توطئه برای بستن دفاتر نیروهای انقلابی و حتی واحدهای صنعتی بدل کرد. بنی صدر و لیبرالها که میخواهند دانشگاهها را با زاست تیرباران و سرمایه‌داری وابسته را در آن تربیت کنند، هرگز نمیخواهند دانشگاهها دژ مستحکم انقلاب و آزادی باشد. آنها دانشگاهها را بدون نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها و بدون فعالیت سیاسی این نیروها میخواهند و همیشه نیز این را خواهند خواست. آنها نمیتوانستند تعطیل کردن دانشگاهها را که در روند با زاستی سیستم سرمایه-داری وابسته خواهد بود، عمل نامعقولی محسوب میشد بپذیرند، اما با فعالیتهای سرکوبگرانه و جناحیتکارانه حزب بر علیه نیروهای انقلابی کاملاً موافق بوده‌اند. بدین ترتیب توطئه بورژوازی دانشگاهها با یک هدف مشترک یعنی سرکوب نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها مورد تأکید هر دو جناح حکومت (حزبها و لیبرالها) قرار گرفت. منتها حزبها که میدانستند در صورت باز بودن دانشگاهها هرگز توطئه جناحیتکارانه-اشان سرانجامی نمیآید و دوها منظور که شاه‌خائن نتوانست جلوی مبارزات دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیستها را بگیرد اینها نیز نمیتوانند آنان نیز در اندیشه بستن دانشگاهها بودند. از طرف دیگر لیبرالها که میدانستند بستن دانشگاهها گذشته

مانند دانشجویان انقلابی به افشای جناحیات رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. دانشجویان انقلابی بخصوص کمونیستها به توده‌ها میگفتند که رژیم جمهوری اسلامی حافظ منافع امپریالیسم است، به توده‌ها میگفتند که جمهوری اسلامی چگونه کارگران و زحمتکشان را سرکوب میکند، چگونه خلق کرد و ترکمن را کشتار میکند و چگونه آزادیهای دمکراتیک را به بند میکند.



بدین ترتیب جمهوری اسلامی نیز مبارزات دانشجویان انقلابی را با زندان و تیرباران و شکنجه‌ها، با ما با همه زندانها و شکنجه‌ها و تیربارانها نتوانست شعله آزادی را در دانشگاهها خاموش کند. پس تصمیم گرفت که بر آن قفل تعطیل بزند.

پس از یک دوران تجدید قوا پس از اشغال سفارت رژیم بورژوازی و با ره خود را به انقلاب آغا زکرد، پس از شکست زبونانه در بورژوازی اول به کردستان قهرمان و واجگیری جنبش توده‌ای، رژیم برپا نجات خویش از زیر ضربات انقلاب به فریفتن توده‌ها و جاجو جنجالهای دروغین "فد-امپریالیستی" پناه برد. اما نیک پیدا بود که ارتجاع پس از تجدید قوا با ردیگر به انقلاب بورژوازی خواهد آمد. بدین ترتیب او از فروردین لیبرالها و حزبها دست بدست یکدیگر کردند. کردستان حمله کردند و سپس در اول اردیبهشت دانشگاههای سراسر ایران را بخون کشیدند،

ایک همه توده‌ها با خبرید و توده‌ها نیک میدانند که دانشگاه در مقابل ارتجاع و امپریالیسم هرگز بیرق تسلیم بر نیاید. آتش آری کافی است که به قلب توده‌ها بنگری. توده‌ها رژیم شاه‌خائن را سرنگون کردند، اما افکار و طبقات مرفه به قدرت رسیدند و آزادی قیام بهمن، بورژوازی به انقلاب را آغا زکردند. آنان به با زاستی سیستم سرمایه-داری وابسته مشغول شدند و در نتیجه جز کشتار و سرکوب کارگران، زحمتکشان، خلق کرد، ترکمن و دانشجویان انقلابی چاره دیگری نداشتند. پس آنگاه هبیرق سرخ پیکار و مقاومت هم-چنان بر فراز آتشگاه آزادی برافراشته ماند. با ران احمدزاده‌ها، مومنی‌ها، رضائیه‌ها، آخوندیها و متحدین آنها وفا داری به آریان سرخ توده‌های ستمدیده هرگز نگذاشتند که برچم بیکار بارانشان بر زمین افتد و دلورا نه در مقابل رژیم جناحیتکار جمهوری اسلامی قدر افتادند. دانشگاه همچنان سنگر آزادی و انقلاب باقی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سالگرد شهادت کارگر کمونیست رفیق عزیز محمدی



شرکت سازه‌های خدمات نفت ایران
OIL SERVICE COMPANY OF IRAN
(PRIVATE COMPANY)
Personnel OSCO MI
عزیز محمدی

Name: A. Mohammadi
BS NO. 503389

اودر روزهای پرشکوه مبارزات توده‌ها علیه رژیم وابسته شاه، همراه با کارگران و زحمتکشان با شرکت در تظاهرات، شعار رومی و پیش‌اعلامیه‌های انقلابی در جنبش انقلابی توده‌ها شرکت میکرد. رفیق عزیز که کارگر شرکت نفت بود، بخاطر فعالیت‌های انقلابی علیه سرمایه داران و رژیم‌های آنان، در روزهای قبل از قیام‌کار خود را از دست داد. اما با عشقی بیشتر نسبت به بقیه در صفحه ۲۸

۳۱ فروردین امسال، اولین سالگرد شهادت رفیق عزیز محمدی بدست پاسداران ارتجاع میباشد. او که فرزندیک کارگر انقلابی بود با وفاداری به آرمان سرخ طبقه تیش، سراه‌سدر مبارز رفت و چون او، شهید را هرهای زحمتکشان گردید.

رفیق عزیز در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده کارگری در مسجد سلیمان بدنیا آمد. بعد از عزیز کارگر قهرمانی بود که در مبارزات کارگران جنوب پیش از کودتای آمریکا طی ۲۸ مرداد، شرکت فعال داشت و در جریان همین مبارزات در حالیکه پرچم سرخ کارگران را بجای مجسمه بزرگشیده شده شاه‌خا شن، بر میافراشت با گلوله مزدوران رژیم پهلوی به شهادت رسید.

رفیق عزیز سنت‌های انقلابی و مبارزاتی پدرش را گرمی داشته و قدم در راه مبارزه با دشمنان طبقه‌ای کارگران و زحمتکشان گذاشت.

اقدامات جنایتکارانه سرمایه‌وسیع بود. چماق - داران و پاسداران در تهاجم به دانشکاه جندی -



شاپور، ۱۳ نفر را کشتند و نزدیک به هزار نفر را زخمی کردند. در این میان هشتصد تن را که بسیاری از آنها شدت زخمی بودند، دستگیر کردند. بسیاری از دستگیرشدگان را از روی تخت بیمارستان به شکنجه‌گاهها بردند. سال‌ها شهرداری که به زندان تبدیل شده بود، خود دژی شد برای فریب و سرود خوانان انقلابی. ارتجاع به سالن شهرداری حمله کرد و زندانیان سیاسی اسیر را به گلوله بست که حداقل در این یورش به تن به شهادت رسیدند، و ترور در زندان نیز ادامه یافت و از جمله کمونیست قهرمان، بیباک رگر شهید رفیق مهنا زعمت‌مدی در زندان بدست پاسداران ارتجاع ترور شد. رژیم که از مقاومت دانشجویان شدت‌ها سیده بود، با زهم در صدد انتقام برآمد و چهره‌های آزادی‌خواهان در سیران در سندان جرم دفاع از سنگر آزادی تیرباران کرد. این چهار تن، رفقای

کمونیست بیباک رگر شهید احمدمون و مهدی علوی شوشتری (از مسئولین تشکیلات دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار) و نیز رفقا مسعود انبالی و دکتر نریمیا بودند.
در شش تیر جمعه ۱۴ تن حداقل ۱ نفر شهیدات رسید دهها نفر زخمی و دستگیر گردیدند و انفرادی دستگیر شدگان تیرباران شد.
در شیراز حداقل ۱ نفر شهید و دهها نفر زخمی و دستگیر شدند.
در زاهدان یک رفیق کمونیست شهید و دهها نفر زخمی و دستگیر شدند.
در مشهد، اصفهان، تبریز و... نیز دهها دانش‌جوی انقلابی زخمی و دستگیر گردیدند.
و پس از آن دانشکاهها برای برگزاری امتحانات تا ۱۴ خرداد گشایش یافته و از آن پس بر آن قفل تعطیل زدند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی همچون دیگر جلادان تاریخ، عاجز از مقابله با نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست - ها، چکمه‌های خون آلودش را بر گلو گشاه دانشکاه‌ها فشرده و بس از یک کشتار خونین دانشکاه - ها را بست تا به عیث دژ استوار آزادی را در هم کوبد و مانع پیوند دانشجویان انقلابی بسا توده‌های خلق گردد.
اینک خلق ما استوار و مستحکم فریب‌ناپذیر دانشکاه این سنگر آزادی گشوده یا بدگردد" را سرداده است. توده‌های انقلابی میخواستند دانشکاه‌ها گشایش یا بستن با رد دیگر دانشجویان انقلابی و کمونیست به آگاهگری بپردازند. آری اینک با زکشتی دانشکاهها در کنار دیگر خواسته‌های انقلابی خلق قرار داد این نشان میدهد که جلادان اول اردیبهشت هرگز نتوانستند به اهداف خائنه‌شان در کشتار اول اردیبهشت دست‌نابند. چرا که اینک توده‌ها میروند بساط قاتلان فرزندان انقلابی اول اردیبهشت را با مبارزات خونین خویش، درهم‌کوبند.

از محروم کردن سرمایه‌داری وابسته از متخصصان بعثت عشق توده‌ها به دانشکاه، خود به‌عنوانی برای نارضایتی بدل میشود، با بستن دانشکاهها مخالفت بودند و میخواستند بدینترین برنامهای خود را بر روی بستن دفاعی سیاسی دانشجویان و جلوگیری از فعالیت انقلابی آنها متمرکز سازند. بدین ترتیب دستور تخلیه دفاعی سیاسی صادر شد. رویزیونیستهای خائن توده‌ای، کفریان از این دستور ارتجاع اطلاع کردند. مجاهدین خلق ابتدا مخالفت‌های خود را نشان دادند و سرانجام، بدنبال لیبرال‌ها روان شدند و حرف شنوی و اطاعت خویش را از سرمایه‌داران لیبرال ایران به نمایش گذاشتند.

بدین ترتیب در مقابل توطئه ارتجاع برای خاموش کردن شعله‌های آتشکاه آزادی و انقلاب تنها دانشجویان کمونیست باقی ماندند. توده‌های دانشجویی و نیز توده‌های انقلابی در این روز به گرداگرد دانشکاهها حلقه زدند، آتشی - خواستند دژ آزادی را به دشمنان آزادی و استقلال ایران، به دشمنان توده‌ها تسلیم کنند. دانش‌جویان کمونیست یعنی دانشجویان هموادار سازمان پیکار، دیگر دانشجویان هموادار نیروهای موسوم به طیف ۳ که هنوز نام دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر را بر خود داشتند دانشجویان هموادار را هکاه رگرو دانشجویان بیبشگام رهبری مبارزات انقلابی را برای دفع از سنگر آزادی بعهده گرفتند و هر یک به فراخور کشتار ایدئولوژیک خود، در هر چه باشکوه تر و استوار کردن این روزنقشی ایفا کردند: (ما در شماره آینده به نقش هر یک از این نیروها خواهیم پرداخت)

در پی توطئه سرکوب دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیست‌ها و خاموش کردن فریاد آزادی - خواهی و مرگ بر امیرالیم جنبش انقلابی دانشجویی، سپاه ارتجاعی پاسداران سرمایه‌بهرامی با ندهای سپاه حزب جمهوری اسلامی به دانشکاههای سراسر ایران حمله کردند. یورش در ۲۷ فروردین در تبریز آغاز شد و بلافاصله در تهران به دانشکاه‌های پلنی تکنیک حمله شد و آنگاه سراسر دانشکاههای ایران خون شدند و حماسه دانشجو، دانشجو، مقاومت، مقاومت، از سنگر دانشکاه، محافظت، محافظت، پرچم پیکار ۱۶ آذر دیگری شد. چند روز پیکار و مقاومت ادامه داشت و سرانجام ارتجاع با به شهادت رساندن دهها دانشجوی انقلابی در سراسر ایران دستگیری و زخمی کردن مدتها نفر دانشکاه را فتح کرد و صفحه - ای شکنج بر حنا با ت خویش افزود، چنانچه که روی ۱۶ آذر شاه‌خا شن را سفید میکرد. بیسلسان جنایات رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب خونین دانشکاهها در اول اردیبهشت چنین بود:

- در تهران پس از سه روز مقاومت چند تن شهید و دهها نفر زخمی گردیدند.
- در اهواز با جمع و حنا با ت بخاطر حضور فعال غرضی جلاد و نیز حجتی خائن در این

مسئله وحدت تشکیلاتی رویزیونیستهای اکثریتی - توده‌ای و موضع سائتریستی "اقلیت" در قبال آن

داشته است که میتوان از بیام‌های او برای "ما زیار" درون فداشان در سال ۵۳ تا مبارزه قلمی مستمرا و با فداشان در نشریه "مردم" دوره جدیدنا مبرد. آنچه که در این تحول جناح - های مختلف فداشان به سمت حزب توده عنمر با پیدا روهمیثگی بوده است، همان عقب نشینی تدریجی از موضع گیری های برهبحان و سراپا احساساتی ولی خالی از هرگونه مرزبندی عمیق ایدئولوژیک با حزب توده، به موضع گیریهای بی طرفانه و کمی تا شدت آمیز، و سپس چرخش و

ما زمان ما مدتهاست که به این سوال، تنها جواب پرولتری ممکن را داده و در مبارزه ایدئولوژیک مستمر خویش با فداشان در تمام این دوره بر آن تاکید کرده است. این عامل چیزی نیست جز عدم مرزبندی فداشان خلش (حداقل از غلبه و مشی جزئی به بعد) با ایدئو - لوژی بورژوازی (در شکل رویزیونیستی) و اتخاذ یک موضع خرده بورژوازی میان پرولتاریا و بورژوازی. این سائتریسم بقول لنین همان "نا استواری لایه های میانی روشنفکران" (نقل

اخیرا اعلامیه ای از سوی جمعی از کادرهای منشعب از رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) انتشار یافته که در آن از بیام کمیته مرکزی حزب توده به پلنوم اخیر "اکثریت" و تصویب وحدت تشکیلاتی قریب الوقوع این دو جناح روژیونیستی با یکدیگر توسط پلنوم رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) خبر داده است. این اعلامیه در عین حال نارفا بی این کادرها از ایسین وحدت تشکیلاتی و اعلام نشما ب آنها از جناح روژیونیستی اکثریت را نشان میدهد.

از لحاظ طبقاتی، وحدت تشکیلاتی این دو با ندر روژیونیستی، چیزی نیست جز فشرده تر شدن باندهای بورژوا روژیونیست خروشچی که با متحد کردن صفوف خویش، میخواهند خود را برای تهاجمات جدید به صفا انقلاب آماده سازند. این وحدت، در عین حال نشان میدهد که سوسیال امپریالیسم روسیه در ایران، در پی آن است تا شبکه جاسوسی خود را در ایران منظم تر سازد و خود را برای بهره برداری از اوضاع، هر چه بیشتر آماده نماید.

از لحاظ طبقاتی وحدت تشکیلاتی این دو باند روژیونیستی چیزی نیست جز فشرده تر شدن باندهای بورژوا روژیونیست خروشچی که با متحد کردن صفوف خویش میخواهند خود را برای تهاجمات جدید به صفا انقلاب آماده سازند.

از لحاظ سیاسی، این وحدت تشکیلاتی به مفهوم افشاشدن بیش از پیش و تمام و تمام روژیونیستهای فدائی در میان توده ها و جنبش کارگری، و علامت انقراض دهه ای آنهاست. روژیونیستهای فدائی (اکثریت) اکنون لاجرم مجبور شده اند که آن روکش به اصطلاح "حسن سابقه فدائی" را از تن در آورده و روکش "سوء سابقه توده ای" را به تن کنند. این ادغام تشکیلاتی، در عین حال که از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی حاوی هیچ گونه به اصطلاح "تعمیق" بیشتر روژیونیسم در فداشان اکثریت نیست (چرا که آنها مدتهاست که به منجانب بورژوازی سقوط کرده و مدتهاست که هرگونه پیوند خود را با مارکسیسم و جنبش انقلابی خلق از دست داده اند)، ولی با توجه به ماهیت کارگزاری حزب توده برای سوسیال امپریالیسم شوروی، نشان دهنده کامل شدن بروعه کارگزاری در روژیونیستهای فدائی (اکثریت) از هنگام مرگ و بیدار شدن منجانب روژیونیسم زکار ۵۹ تا کنون میباشد. اکنون بجاست که با رخ دادن این واقعه یک بار دیگر از خود سوال کنیم که این کدام عامل ایدئولوژیک سیاسی بود که فداشان خلق را قدم به قدم از مشی رفیق احمدزاده که حاوی مرزبندی با روژیونیسم خروشچی بود، به موضع سراپا سائتریستی جزئی (که سعی میکرد تا میان مارکسیسم و روژیونیسم، میان پرولتاریا و بورژوازی راه "وسط" را برگزیند) کشاند و مدت ها قبل از قیام بهمین با عنت گریختن جناحی از فداشان به آغوش حزب توده شد (گروه منشعب) و با لآخره پس از قیام بر عمیق نزدیکی آنها با روژیونیسم افزود و به "کار ۵۹" منجر گشت؟

سقوط کامل در کام حزب توده بوده است، ایسین همان منحنی نمودار تحول فداشان جزئی به "نشریه کار" تا شماره ۳۵ و سپس شماره ۵۹ می - باشد. این تحول به روشنی نشان میدهد که مرزبندی با حزب توده نمی تواند به مرزبندی با سوء سابقه این خاشنین و با حتی مشی رفرمیستی گذشته آنها (در سالهای ملی شدن نفت) محدود شود، بلکه با بدیه ایدئولوژی آنها تجدید نظر آنها در اصول و مبانی مارکسیسم (تئوری مبارزه طبقاتی، اقتصاد سیاسی و ماتریالیسم دیا لکتیک) و مهم تر از آن به مرزبندی به کل آن اردوگاه به اصطلاح "سوسیالیستی" که الهام دهنده و پشتیبان حزب توده میباشد، تعمیق باید. آری، صرف "نخن خواندن" حزب توده، ما را از گزند تشعشعات مسموم ایدئولوژیک آن حفظ نخواهد کرد، بلکه برعکس ما را در مقابل آن خلع سلاح خواهد نمود.

حال ببینیم آیا گذشت تحول بخش مهمی از سازمان چریکهای فدائی خلق از سائتریسم به روژیونیسم و سپس از وحدت سیاسی ایدئو - لوژیک این بخش تا ادغام تشکیلاتی با حزب توده، توانسته است برای دیگر سائتریستها، از راه کارگر گرفته تا "فداشان اقلیت" درس عبرتی باشد و آیا این سائتریستهای رنگارنگ توانسته اند برای استیلا عینی که در پیش چشم همگان جسم زنده انقلابی را به لاشه کندیده و متمتعن تبدیل کرده است برای

از "وا نتوریسم انقلابی" میباشد که در هنگام خیزش توفان های طبقاتی این لایه ها را چون پوست گردوشی بر سرا موج کوبیده مبارزه طبقاتی به بالا و پائین میکشاند و آنها را - میدارد که دست از اندیشه های "ما و راه طبقاتی" و "ما فوق مبارزه پرولتاریا و بورژوازی" خود بردارند و در قطب بندی خادرون نیروها، به این قطب (بورژوازی) یا آن قطب (پرولتاریا) بپیوندند. کافی است برای روشن شدن ایسین مواضع سائتریستی قدیمی فداشان، نگاهی به مواضع آنها نسبت به حزب توده بیفکنیم مثلا به جزوه مربوط به "اعدام عباس شهریار" و بیاسا رسالات بیژن جزئی رجوع کنیم. در این کتابها مرزبندی فداشان با حزب توده نه در ایدئو - لوژی (روژیونیسم) و با حتی در خط مشی سیاسی است، بلکه صرفا در عدم قبول "مشی مسلحانه پیشتاز" از طرف این دارودسته در آن زمان و با مثلا با بقعه فرار رهبران خاشن آن در ۲۸ مرداد گذشته میباشد. در این به اصطلاح مرز - بندی ها، نه صحبت از ایدئولوژی بورژوازیی حزب توده میشود و نه از خط مشی سیاسی و برنا - م آن، و لاجرم از آنجا که در نهایت سائتریسم نمی تواند در خدمت روژیونیسم قرار بگیرد، مجموعه این مواضع محل مناسبی است برای رشد نطفه های متعفن روژیونیسم.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

تصحیح مواضع متزلزل خویش در مقابل رویزویو - نسیم استفاده کنند؟ و یا اینکه برعکس، این گروه‌ها بر اساس موضع طبقاتی خویش دچارنا - بینائی تاریخی بوده و سخت سرانه میخواستند راه رفتند، بلکه به قیمت ضربات جبران ناپذیر برای جنبش کمونیستی ایران تمام شده از نسیم بیما یند؟

برای نمونه به موضع گیری فداشیلان اقلیت راجع به تصویب ادغام تشکیلاتی اکثریت با حزب توده توسط بلنوم اکثریت نگاهی می - اندازیم.

فدائیان اقلیت از پیوستن "اکثریت" به "حزب توده" چه تفسیری می‌کنند؟

بر اساس آنچه در شماره ۱۰۳ کار اقلیت آمده است، میتوان این تفسیر را چنین جمع بندی کرد:

۱- از یک طرف اقلیت معتقد است که "اکثریت" قبلا با حزب توده وحدت سیاسی ایدئولوژیک داشته و این تصویب نامه فقط علامت وحدت تشکیلاتی میباشود از کسانی که در گذشته انحراف حاکم در "اکثریت" را یک گرایش اپورتونیستی قابل اصلاح "میخوانده اند" انتقاد میکنند، ولی از سوی دیگر با گفتن جملات زیر نشان میدهد که اساسا قدر نیست بر آنچه که خود از آن بعنوان وحدت ایدئولوژیک اکثریت با حزب توده نام میبرد کوچکترین درک مارکسیستی داشته باشد، توجه کنید:

"برخی از اعضاء آنها تصور میکردند که آنچه در میان اکثریتی ها حاکم است یک گرایش اپورتونیستی است و میتوان آنرا اصلاح کرد. آنها در انتظار برگزاری کنگره ای که کمیته مرکزی "خول" آنرا به اعضاء و هواداران خود داده بود تا در این کنگره تکلیف تمام مسائل مورد اختلاف روشن شود. اما پیش از برگزاری این کنگره مرزبندی خود را با مارکسیسم لننینیسم به پایان رسانند" (تا کیدازماست) به عبارت دیگر گویا تا قبل از اعلام وحدت تشکیلاتی با حزب توده، اکثریت هنوز مرزبندی خود را با مارکسیسم لننینیسم به پایان نرسانده بوده و لابد دارای "رگه ها"ی از مارکسیسم لننینیسم بوده است! و صرف وحدت تشکیلاتی با حزب توده و پذیرفتن تالیف این حزب، "نجس" شده و نگاهان از عالم مارکسیسم لننینیسم به قعر خیانت به طبقه کارگر برتاب شده است!

۲- در این مقاله شاید برای اولین بار اقلیت صحبت از وحدت ایدئولوژیک "اکثریت" با حزب توده میکند، ولی وقتی میخواهد درک خود را از ایدئولوژی نشان دهد معلوم میشود که درک او از ایدئولوژی حداکثر از مرز مشی سیاسی فراتر نمی رود! "اقلیت" فقط تحت فشار توده ها باعث شده که همان مرزبندی سیاسی خود را "اکثریت" را این بار با لفظ - و فقط لفظ -

ایدئولوژی بیان کند و گرنه به هیچ عنوان دارای مرزبندی مارکسیستی با ایدئولوژی بورژوازیست نیستی اکثریتی ها نبوده و نیست مثلا به منظور توجیه کنید که چگونه میخواهند سقوط اکثریت را تصویر کنند و قادر نیست از ضد مرزبندی سیاسی با مشی سیاسی اکثریت فراتر رود: "جناح اکثریت بهمان منجانب سقوط کرد که حزب توده این حزب خیانت و سازش از مدتها پیش سقوط کرده بود. آنها به تعریف و تمجید احفان و چاپلوسی های نوکر مابانه نسبت به حاکمیت پرداختند. رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی را نمونه کامل یک رژیم انقلابی معرفی کردند. آنها از توده ها خواستند که از رژیم فدا انقلابی حاکم حمایت کنند دست از مبارزه برداشته و به هر پستی و ذلتی تن در دهند..."

این کلمات با رد دیگرانمان را بیاد مرز - بندیهای سطحی و احساساتی فداشیلان خلق با حزب توده در گذشته می اندازد:

به اکثریت و حزب توده نسبت های "خیانت" "سازش"، "چاپلوسی های نوکر مابانه و احفان" "دست کشیدن از مبارزه"، "پستی و ذلت" و "نظاثر آن بدرستی داده میشود، ولی به هیچ وجه روشن نمی گردد که این همه فرمایشی و خیانت ناشی از کدام ایدئولوژی و کدام تجدید نظر در اصول ایدئولوژیک طبقه کارگر میباشد؟ و این همان واقعیتی است که "اقلیت" حتی از شنیدن نام آن وحشت دارد، زیرا در غیر این صورت مجبور خواهد شد که اولاً: مرزبندی با رویزیونیسیم و شجفی را بعنوان ایدئولوژی بورژوازی که الهام دهنده حزب توده و اکثریت بوده و هست بپذیرد و ثانیاً: سوئال امیریا لیسیم شوروی را بعنوان پشتیبان بین المللی دارودسته های رویزیو - نیست فوق در ایران پذیرفته و با مرزبندی قاطع با این "امیریا لیسیم در برده سوئیا لیسیم" خود را از نزولات ایدئولوژیک خلاص سازد به عبارت دیگر اقلیت مجبور است که مواضع سا نترستی خود را رها کرده و مواضع پیگیر و بزرگتری سازمان پیکار را بپذیرد و این چیزی است که واقعا در به حتی نام بردن از آن نیست و برای مرزبندی با آن از همان اصطلاحات معمول "اکثریت" در مورد "پیکار" و حتی خود اقلیت یعنی "تا ریشیم" و "تا رگوستدیکال لیسیم" استفاده میشود.

۳- سابقا اقلیت گاهی از کلمه رویزیونیسیم برای نام بردن از انحراف اکثریت استفاده میکرد، ولی اخیرا خیال خود را راحت کرده و از همان کلمه قدیمی "رفریمس" که در نشریات "کار" برای مرزبندی با حزب توده استفاده می - شد، بهره میجوید، مثلا توجه کنید به جمله زیر: "اینک حتی برای عقب مانده ترین هواداران اکثریت روشن شده که آنها سرانجام با دیدن حزب توده و سازمانهای انقلابی، بین رفریمس و مارکسیسم لننینیسم یکی را انتخاب کنند". (تا کیدازماست) در مقاله دیگری که "اقلیت" در همین شماره "کار" ۱۰۳ تحت عنوان "چه

کسانی اسب تروای امیریا لیسیم و فدا انقلاب نوشته و نمونه کاملی از سا نترسیم و لیسید میان مارکسیسم و رویزیونیسیم میان پرولتاریا و بورژوازی میباشد، ما هیت این "رفریمس" را که معتقد است ابعاد بین المللی دارچنین ارزیابی میکند: "... آنچه که درستیز در ونسی جنبش کارگری جهانی به روشنی قابل دیدن است - هر چند که اینجا و آنجا پوش های متفاوتی بخود میگیرد و خود را به اینگونه می نما یاند که آیا در جنگی امیریا لیسیتی یا ارتجاعی باید از بورژوازی "خودی" حمایت کرد یا نه، و یا به صورت قبول و یا رد ضرورت قهر در تحولات اجتماعی و یا در شکلی دیگر در انکار یا پذیرفتن اعمال دیکتاتوری از جانب پرولتاریا از کسب قدرت و آخر سردر دریا قبول "راه رشد غیر سرما به داری" همه و همه با زتاب جدائی پیشینده را از برخورد دودیدگاه است که یکی بر خاسته از خواستگاه هی خورده بورژوازی با استقرا بر "اشرافیت

کارگری" عاقبت طلب است و در طرح هم مقوله اجتماعی و حتی اخلاقی به بقای "خنگان" خود بهر شرط و قیمت می اندیشد... (تا کیدازماست) به عبارتی دیگر نه تنها رفریمس حزب توده و اکثریت، بلکه احیاناً وجود برخی از این گونه گرایشات در حزب حاکم شوروی که گویا بقول اقلیت در تحت "منطق عینی و قیاس" به اصطلاح تصحیح میگردد (مراجعه شود به سرفا له کار ۹۹)، ماهیتی خرده بورژوازی و نه بورژوازی دارد، و در نتیجه از لحاظ ایدئولوژیک یک جریان بورژوازی بلکه التقاطی خرده بورژوازی است که میتواند تحت منطق عینی و قیاس تصحیح شود!!

ولابد این همان راهی است که "خرده بورژواهای" اکثریتی و توده ای نیز از مواهب آن برخوردار خواهند شد! از آنچه گذشت به روشنی میتوان فهمید که سا نترست های اقلیت از ارتداد به ایدئولوژیک اکثریت، از تجدید نظر آن در اصول ایدئولوژیک مارکسیسم لننینیسم یعنی قبول رویزیونیسیم از گردیدن آن به جبهه متحد بورژوازی امیریا - لیسیتی جهانی، درکی کاملاً محدود و خسرده - بورژوازی داشته و آنرا تا حدیک انحراف سیاسی تا حدیک گرایش رفریمستی در بر خورد به قدرت سیاسی حاکم پائین می آورید، و تمام دنی نیست که علی رغم تمام آن انتسابات احساساتی و برهجان که نصیب رویزیونیستهای توده ای و اکثریتی میکنند، به هیچ عنوان قادر نیستند که خود را در مقابل ایدئولوژی بورژوازیستی رویزیونستی و اکتیبه کنند و در مقابل تمام استعانه تاریخی جناح اکثریت سازمان خود از سا نترسیم به رویزیونیسیم، از جزئی به کار ۵۹، با زهنا بینائی تاریخی خود را نشان داده و در صورت عدم مرزبندی قاطع با رویزیونیسیم، خطر جدید از مومف سا نتر در مقابل بورژوازی تمام موضع طرفداران در مقابل آن، برای آنها نیز وجود خواهد داشت، البته نباید بد فراموش کرد که بقول هگل وقایع تاریخی دوبار تکرار میشوند یکبار در قالب تراژدی و یکبار دیگر در قالب کمدی مسخره.

در حاشیه محاکمه امیر انتظام خائن

در اسفندماه ۵۹، همزمان با تشدید تظاهرات و درون ارتجاع و حادث شدن جنگ قدرت میان دو جناح خبیانت پیشه لیبرالها و حزب جمعی-سوری اسلامی و بویژه تعرض گسترده لیبرالهای خائن "حزبی"های مرتجع نیز موقعیت را برای بهره-برداری سیاسی از ماجرای "امیر انتظام" و ارتباط تنگاتنگ او با امیربالیسم آمریکایی منقسم نموده و همراه با سروصدای تبلیغاتی، وی را به "محاکمه" کشیدند. جناح حزب قصد داشت به انکار روابط امیر انتظام و آمریکا طیها - که با زرگان، "نهضت آزادی" و "دولت موقت" نیز در آن سهم بودند - دست به تعرض متقابل زده و از آنها بعنوان حربهای علیه لیبرالها استفاده نماید. اما و خیم تر شدن بحران بین دو جناح و دخالت آیت الله خمینی و فرونشست موقتی اختلافات فیما بین، در جریان "محاکمه" تیسز تا شریکداشت، البته فضای ملاقاتهای بهشتی با ژنرال هویز و برخی از گروگانها پس از دستگیری امیر انتظام و اعلام این موضوع از طرف با زرگان در هفتههای اخیر نیز طبیعیتر در جریان "دادگاه" و جنبه تشریفاتی داشتن آن بی اثر نبود چرا که مرتجعین هوای همدیگر را دارند و در واقع عملکردشان با هم گره خورده است. مروری بر جریان با اصطلاح "دادگاه" و لحن نرم حاکم شرع و دادستان و دیگر گردانندگان "محاکمه" خود نشان میدهد که جنبه تشریفاتی امر، برجسته های دیگری چربد. زمانی که جاسوسان اصلی (گروگانهای آمریکا) پس از برخورداری از "مهمان نوازی" رژیم جمهوری اسلامی و استراحت در جاهای چون کاخ و هتل های لوکس (بنا به گفته نبوی سخنگوی دولت "مکتبی") و بخش چند میلیار ددلاری از کیسه توده های زحمتکش، با عزت و احترام و البته همراه با شاعر "مرگ بر آمریکا" اروا کشورشان میشوند، با امیر - انتظام هم که تازه شاگرد آنهاست نباید زیاد سختگیری کرد. و در نتیجه جلسات "دادگاه" حالت مجلس مهمانی را پیدا میکند. یک روز با زرگان بدفاع از همبالگی خویش میبیرد و دوزود دیگر سخا و صدر حاج سیدجواد برای خوش و بش در "محضر دادگاه انقلاب" حضور پیدا میکنند - بیاد بیاورید محاکمات و اعدای کمیونستها را که نه تنها آزادی دفاع خبری نیست بلکه در بیشتر آنها از دستگیری، تا تیرباران بیش از دوسه روز طول نکشیده و رفقا در پشت درهای بسته محکوم به مرگ شده اند (نظیر تیرباران رفقا شرفی و نیک اندام که فقط به جرم تبلیغ علیه جنگ و داشتن عقاید کمونیستی دستگیر شده بودند) شکی نیست که جاسوسان - آنها از نوع آمریکائیها - از منزلت خاصی در پیش ارتجاع برخوردارند. علاوه بر چگونگی جریان "دادگاه"، "مذاکرات" امیر انتظام نیز حاوی نکات افشاگر است که توسطه لیبرالهای خائن و زدوبندهای آنان را با امیربالیستها بر علیه خلقهای ایران برملا میسازد. امیر انتظام میگوید: "در کفرخواست من متهم شده ام که مورد قدرانی مسئولین

و امیر انتظامها نه با شرکاء و رقبای خود - بهشتی ها و دیگر حزبی های مرتجع - بلکه با دشمنان طبقه ای توده های زحمتکش روبرو خواهند بود.

هما نظور که اشاره شد، خود امیر انتظام اعتراف میکند که در ماموریت های پیش بعنوان شخص عمل نمیکرده و اتفاقا ما هم از آغاز ماموریت رژیم جمهوری اسلامی همین حرف را زده ایم که اگر امیر انتظامها، مدنیها، فربدها، مراغهایها و... با آنهاهم سابقه و فعلیت ضد انقلابی به مقامهای مهم دولتی میرسند، دقیقاً بخاطر ما هیت ارتجاعی کل رژیم و محامیت آیت الله خمینی است که چنین عنا مرتجعین بر سر نوشت مردم خاک میگردند. رتق و فتق امور جمهوری اسلامی بمشاهران سازش امیربالیسم و بورژوازی و بدینا لش خرده بورژوازی مرفه با بده بدست مرتجعین و جاسوسان امیربالیسم صورت گیرد. با زرگانها و یزیدیها که در آشکاره ملاقات سرشنسی میروند و مذاکرات سری با هویز و قریبانی را افتتاح و خدمت میسازند طبیعی است که در شان از طریق مهره های مزدوری چون امیر انتظامها و وسناچیها (که این یکی با مدخله بنی صدر خائن از زندان آزاد شد) به بندوبست های پنهانی با امیربالیسم آمریکا بپردازند.



مجلس امیر انتظام در زندان اوین به سرالته گوگان خبرنگاران پاسخ میگوید.
اطلاعات ۶۰/۱/۱۶

اما راه فرار و با دلایل تیرش را خود امیر - انتظام به حاکم شرع نشان میدهد. او در سخنانش میگوید: "ثابت میکند که ترجمه اسناد انگلیسی به فارسی درست انجام نشده و به تائید هیچ مقامی نرسیده است." (همانجا) مدت زیادی نیست که جاسوسان انگلیسی پس از چندین ماهه هیاهوی تبلیغاتی به بهانه ساختگی و جعلی بودن اسناد و مدارک همراه با عذرخواهی آزاد شدند. و اگر مدارک آنها تقلبی بودند، چرا امیر انتظام به نادرستی ترجمه ها که "مدارک جرم" میباشند، اعتراض نکند. او تازه ادعا هم دارد که اصل مدارک را ندیده، ولی این فهمیده که ترجمه ها درست انجام نشده است! این امرنا بدیدلیل "دوستی" بسیار نزدیک او با آمریکا شیها بوده که گزارشات خودشان را قبل از تسلیم به مقامات آمریکا شی از نظر خود این مزدور نیز می گذرانند. اما، نکته قابل تراز هم در اینجا است که امیر انتظام، آخر سر طلبکار هم شده است. تب که سریال رود قورباغهها ابوغطا میخوانند!! وی ضمن محامیتهای با خبرنگاران در بیما رستان زندان اوین - خوب توجه کنید که زندانیان انقلابی از کوچکترین امکانات بهداشتی بی بهره اند و از بی غذایی و بی دارویی رنج می برند

"ثابت میکند که تمام مذاکرات و مکاتبات به عنوان یک مقام مسئول دولت و با اجازت دولت اما انجام گرفته است." (همانجا) برای کمیونستها از آغاز حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی شکی نبود که خیانتهای امیر انتظامها، مقدم مراغهایها، بهشتیها و... نه از سرشت پلید فردی آنها، بلکه از منافع طبقاتی - بورژوازی آنان سرچشمه گرفته و در این امر نه فقط خود آنان، بلکه کل طبقه بورژوازی ارتجاعی و جناحهای مختلف آن سهم هستند. کمیونستها از همان زمان دستگیری امیر انتظام این مسئله را که با زرگان و با زرگانها نمیتوانند "با کتف" از امیر انتظام بوزدی پیدا میکنند و همگی از یک قماشند و اینکه لیبرالها بمنجا حسی از ارتجاع حاکم در مقابل خلقهای ایران قرار گرفته اند را افشا کردند. آری همانطور که با زرگان در "دادگاه" امیر انتظام اعتراف کرد وی در کلیه اعمال و کردار امیر انتظام خائن سهم و شریک و بلکه مسئول بوده است و در ضمن وی گفته است که بجای امیر انتظام ما پیدا و محاکمه شود. با زرگان و همبالگیها پیش مدت زیادی نمیتوانند با فریب و ریاکاری خود را از پیش بپزند. قطعاً آن روز که توده های انقلابی خلق به حساب با زرگانها و مثال او در دادگاههای انقلابی رسیدگی نمایند، خواهد رسید و در آنجا با زرگانها

از جیب آوارگان جنگ به جیب گشاد بنیاد مستضعفین

جنگ زدگان آبادانی که قصد خارج نمودن اسباب و لوازم زندگی خود را از آبادان دارند، باید مبلغ ۲۰۰۰ تومان به حساب "بنیاد مستضعفین" واریز نمایند تا جهت حمل و پلشان تا محل سوار شدن به لنج، ماشین در اختیارشان بگذارند، در غیر این صورت از تخلیه منازلشان جلوگیری میشود!

رژیم که می بیند توده ها از شرکت در جنگی که بخاطر منافع سرمایه داران برپا شده است، سرباز میزند و دیگر حنای عوام فریبی های با مصلحت میهن پرستانه اش رنگی ندارد، سعی میکند علاوه بر تحمیل مابث جنگ ارتجاعی بر دوش زحمتکشان، با گرفتن باج سیلپهاشی مانند مورد بالا، بخشی از هزینه های سرام آور جنگ ارتجاعی را تامین نماید.

افزایش محاصره زندانها به جای تامین امنیت جانی زندانیان

دربی شدت گرفتن حملات رژیم ارتجاعی عراق به شهرها و از احتمال اما بتر اکت و موثک به زندانها و بازداشتگاهها، مسئولین زندانهای رژیم جمهوری اسلامی حفاظت از حمارها و دیوارهای زندانها را چندین بار بر کرده اند، تا مبادا در اثر اما بتر موثک و راکت به زندان حمارها فرو ریخته و زندانیان فرار کنند. رژیم ضد خلق بجای تغییر مکان زندانیان و فرستادن آنها به شهرهای دیگر، محافظت از دیوارهای زندانها را بیشتر میکند، و نشان میدهد که چگونه چنان زحمتکشان و فرزندانشان که در زندانها در بند هستند، سربایش هیچ ارزشی ندارد. اما رژیم جمهوری اسلامی با پدید آمدن عاقبت درهای زندانها بدست توانای توده های زحمتکش بروی فرزندان نشان بازخواهد شد و زندانیان سیاسی انقلابی بدست توانای توده ها آزاد خواهند گشت.

آوارگان در محاصره سیل

در تاریخ ۶۰/۱/۱۷، در اثر بارندگی شدید در هفت تنیه، چاههای آوارگان جنگ ارتجاعی را آب فرا میگردد و سائل ناچیز داخل چاهها طعمه سیل میشوند. رژیم ضد خلقی که با تبلیغات عوام فریبانه دم زکم به آوارگان میزند، در جریان این سیل مانند همیشه غایب بوده و از

اخبار جنگ

"گروههای امداد" شهیج خبری نبود، یکی از آوارگان میگفت: "تنها چه موقع به مردم کمک کرده اند که الان بکنند، آنها فقط بلدند کسانی را که مردم را آگاه میکنند، از زمین بپرانند." و زحمتکش دیگری میگفت: "این رژیم بر علیه زحمتکشان همان کارهایی را میکند که رژیم شاه میکرد و با بد حساب او را نیز مثل رژیم شاه رسید." زحمتکشان آگاه مبارزه بر علیه جنگ ارتجاعی را به اهرمی برای گسترش انقلاب تبدیل خواهند کرد!

رژیم ضد خلقی و مشکل گرما در مناطق اسکان آوارگان جنگی

ماهشهر
با شروع فصل گرما، آوارگان مستقر در مناطق جنوب (ماهشهر، نادگان و...) با مشکل جدیدی روبرو شده اند و آن ورزش با دهای گرم و صحرائی است. به همین علت آوارگان ساکن چاههای که در محل تربیت بدنی ماهشهر برپا شده اند، به علت نبود سائل رفاهی و خنک کننده در چاهها، ناچار به ترک آنها گشته اند. از طرف دیگر مسئولین رژیم از این فرصت استفاده کرده و به آوارگان پیشنهاد رفتن به اردوگاه جبریت را می نمایند. اما آوارگان زحمتکش که در طی هفت ماه به مابیت فریبکارانه سیاستهای رژیم پی برده اند از رفتن به جبریت سرباز زده و به مناطق غیر پیشنهادی رژیم میروند. با حمایت از مبارزات و خواستهای برحق آوارگان، سیاستهای ارتجاعی رژیم ضد خلقی را افشا نمائیم!

از خیرات جنگ

هیاهو در مورد آوارگان جنگ فراوان است. ولی واقعیات افشاگر مابیت و سیاستهای ارتجاعی رژیم است.

یک عدد نشان، جیره جنگ زدگان آواره میباشد که با بدبختی گرفتن آن با هزار منت و معطلی "کارت" مخصوص گرفت. تاجر بزرگ و زمینداران و سرما به داران خونخوار را معروم نموده و زحمتکشان به زندگی تنگین خود ادامه میدهند و رژیم جمهوری اسلامی حامی آنها و دشمن زحمتکشان است. عوام فریبیهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بر ملا سازیم!

بسمه تعالی
تاریخ ۱۳
ناخوانی آقای امیر... تعداد کپی...
مجلس شورای اسلامی
مجلس شورای اسلامی
مجلس شورای اسلامی

اتحاد، رمز پیروزی آوارگان

بوشهر:
بدنبال تظاهرات و اعتراضات جنگزدگان آواره در بوشهر ۵۹/۱۲/۶ که در آن شعارهای "شورای مسلم ما ست"، "بهداشت، مسکن، حقوق مسلم ما ست"، "حقوق جنگزده تا مین با یدگردد"، "از خطی وگرائی و بیگاری مردم به تنگ آمدن" از طرف آوارگان مطرح شد و دستگیری نمایندگان آنان، بخاطر اینکه رهبری صحیح نداشتند و کاملاً متحد و یکپارچه نبودند با عت شد که حمله پاداران سرما به آنها را برانگیزد و از آوارگان نیز که فقر و فلاکت بیش از حد آزارشان میداد مجبور به دریافت ۱۰۰ تومان شدند. مسئولین دولتی با بشرفی فراوان هر روز فشار روز و روزگوشی را روی آنها سنگینتر کرده و سعی در ایجاد تفرقه بین آنها میکنند چنانچه میداند که اتحاد است که باعث میشود آوارگان زحمتکش در مقابل دشمن طبقاً نیشان ایستادگی کنند.

در روز ۱۱/۱۲/۱۱ عده زیادی برای گرفتن پول و شماره درسیج "مستضعفین" تجمع کرده بودند که بخاطر کثرت مردم شخص مسئول شعار دادند با برخاستن به آنها و هل دادنشان تمامی شمارهها را پاره کردند که مردم نسبت به این عمل اوشدیدا اعتراض کردند. زنی ۵۴ ساله میگفت: "اینها میخواهند سر مردم کلاه بگذارند، به ما میگویند ۱۰۰ تومان میدهم و در عوض خوار و رومیوه و گوشت مجانی بشما میدهند، گوشت و میوه ای وجود ندارد شما چطور میخواهید بطور مجانی در اختیار جنگزده ها قرار بدهید. اینها هر روز مردم را از صبح زود تا ساعت ۲ نوب این صفا سرگرم میکنند و به این طریق انزجار خود را از آنها تدبیراً بر ما میکنند."

زحمتکشان آواره نرفا بنیها و خشم خود را با اتحاد و همبستگی آنان بفریادی بر علیه دشمن طبقاً خود یعنی سرما به داران تبدیل نمائید زیرا هر چه شما بیشتر متفرق باشید از لومفستان بیشتر خون شما را می مکند همچنان که تاکنون اینکار را کرده اند.

(اخبار آواره نشریه هوا داران سازمان بوشهر)

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

در زندانهای جمهوری اسلامی: شکنجه و ترور کمونیستها و انقلابیون اسیر

- کمونیست ها و دیگر انقلابیون در بند ، با وجود شکنجه و آزار مزدوران و شرایط طاقت فرسای زندانها ، یکدم دست از مبارزه برنداشته اند .
- زندان سنگرد یگری از مبارزه است ، نه شکنجه های دائمی و نه یورشهای مداوم پاسداران سرمایه به زندانیان سیاسی انقلابی ، نه تنهادراراده مبارزاتی فرزندان انقلابی خلق تزلزلی پدید نیارود ، بلکه کینه طبقاتی آنان را نسبت به دشمنان توده های زحمتکش ، عمیق تر می نماید .
- پشتیبانی و دفاع بیدریغ از انقلابیون کمونیست و دیگران که مدت های طولانی در خانه های امن و زندانهای جمهوری اسلامی بسربردند و از سرنوشتن شان اطلاع پیدا کرد دست نیست ، وظیفه مهم هر انقلابی است .

و یا یورش با گلوله یا سدا را ن شهید شدند .
انقلابیون بلافاصله پس از دستگیری زیر شکنجه های وحشیانه زندانیان جمهوری اسلامی قرار میگیرند ، هفته ها و ماهها از ملاقات پیدا نمیکنند ، محبوس میشوند مدتها در سلولهای تاریک و نمناک بسربرند ، از غذا و بهداشت حداقل محروم میمانند ، مورد فشار روحی و روانی قرار میگیرند با جانیانکاران و مزدوران ساواک همبند میشوند مورد و قبحانه ترین تهمتها و فحاشیها قرار میگیرند ، مدتها در سلولهای انفرادی وسی خنبر از همه چیز در شرایط طاقت فرسا بسر میبرند ، نسبتها مایه های و بدون رسیدگی به وضعیتشان مدتهای طولانی لابلای زندان میمانند ، هنگام خواب مورد یورش ناگهانی اوباشان قرار میگیرند ، دختران کمونیست و انقلابی مورد تجاوز و زوحشیانه مرتجعین پست قرار میگیرند (واخبرنا توطئه های در جریان است که تحت نام "صفه سلامی" تجاوز به انقلابیون دختران را ظاهراً "ترعی" بدهند) ...

شکنجه و اعدای دختران قهرمان کرد و تجاوز و وحشیانه پاسداران و ارتشبان در زندانها ، چهره ننگین جمهوری اسلامی را سیاه - ترمیکنند ، قضاوت پاسداران در مقابل دختران کرده ، روی جناختکاران تاریخ را سفید کرده است (مراجعه کنید به پیکار ۱۰۰ - صفحه خلقها) .
بدنبال هیاهوی تبلیغاتی و عوا مفریبا نه بنی صدر در مورد شکنجه ، گروهی از مرتجعین - "هیئت بررسی شایعه شکنجه" بر اه انداختند و چون چاقودبسته خود را نمیبرد ، آخر طلبکار هم



نهان بصورت روزمره جریان دارند ، زندانیان انقلابی مدتها بدون کوچکترین خبری از سرنوشتن آنان در زندانها میمانند و با مخفیانه در زندان ترور شده و جسدشان دریا با آنها ... انداخته میشوند .

بسیار دنیای و ریم که رفقای پیکار رگرمسعود مالحی را دوطیب نجم الدینی را در حین پخش اعلامیه در تبریز دستگیر کردند و پس از ترور رفیق جنازه - هایشان را در جاده هر انداختند ، با ترور جناختکاران رفقا توماچ و بارانش را که در کنبه دستگیری و شکنجه های وحشیانه جنازه - شان در جاده بجنورد انداخته شدند و اخیراً نیز ترور رفیق فدائی جها نگیر قلعه میاندوآب که در میتینگ ۱۷ بهمن ۵۹ دستگیر و چند روز بعد جسدش پیدا شد ، از این نمونه ها کم نیستند ، همین هفته های گذشته در جریان حمله به نیروهای انقلابی در قزوین ، را مسر ، کتالمو ... چندین نفر از هواداران مجاهدین در حین دستگیری

توده های انقلابی ما خوب بیاد میآوردند روزهای پر شور قیام بهمن ۵۷ را که زندانیان محمدرضا شاهی یکی پس از دیگری به تشخیص فرزندان زحمتکش در هیئت مدد و بهمت انقلابی آنان درهای زندانها و سیاهلها کشیده میشدند ، و نیز توده های قهرمان بیاد میآوردند که بقدرت خدیوگان ضد انقلابی ، توده ها را با بیانه و فریب (از جمله "مین گذاری" شدن زندانها ، ...) از محوطه زندانها بیرون میکردند و مانع از ویرانی سیاهلها و شکنجه گاهها بدست پرتوان توده ها میشدند ، ارتجاع بخوبی میدانست که زمان زیادی نخواهد گذشت که توده های انقلابی در مقابل حاکمیت جدید قرار گیرند و با آگاهی از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی مبارزه با آن بر خیزند و به همین دلیل میدانست که بسیار زود تر از آنچه مردم قهرمان ما گمان میکردند ، به زندانیان محمدرضا شاهی نیا زمیندخواهد شد و واقعیت ۲ ساله نیز بر آن صحه گذاشت ، رژیم جمهوری اسلامی بموازات او جگری جنبش توده ها و تشدید فعالیت آگاهی بخش کمونیستها و انقلابیون دیگر و با خیال خام مد کردن انقلاب سرکوب و وحشیانه اش را گسترده تر ساخت ، تیر - بارانها و کشتارها آغاز شد و زندانیان یکی پس از دیگری از کمونیستها و فرزندان انقلابی خلقهای ایران بر شدند ، هم اکنون هزاران کمونیست و دیگران انقلابی در زندانها و "خانه های امن" اسیر مزدوران سرمایه و پاسداران ارتجاع هستند ، موسوی اردبیلی چهارشنبه ۱۹/۱/۶۰ در تلو بیژین اعلام کرد که ۲۰ هزار زندانی و ۱۵۵ زندان وجود دارد ، آیا این حقیقت ندارد که بخش مهمی از آنان کمونیستها و انقلابیون هستند ؟ آری رسوند انقلابیون ، دستگیریهای آشکار و

شدند و معلوم شد نه تنها شکنجه ای در زندانها نیست ، بلکه پس از انقلابیون هستند که دوستان خود را دستگیر میکنند و برای تبلیغ علیه رژیم جمهوری اسلامی بر روی بدن آنها یا آتش سیکار رشعار مینویسند (محبتهای خمینی با قضاوت - صدا و سیما جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین ۶۰) ما از آغاز هم گفتیم که در ماهیت رژیم جمهوری اسلامی نیست که جنایات مزدوران خود را افشا کند ، شکنجه بخشی از سرکوب رژیم علیه انقلابیون و کمونیستها است و اینگونه هیئتها جز عوا مفریسی و سرانجام طلبکاری از توده ها کاری از پیش نمیرند .
در هفته های اخیر ، همراه با تشدید سرکوب و یورش های وحشیانه ارتجاع به نیروهای انقلابی و افزایش تعداد دستگیریها ، انقلابیون اسیر در شهرهای مختلف مورد یورش مداوم و وحشیانه روزی زندانیان مرتجع قرار گرفته و در اثر ضرب و شتم و وحشیانه پاسداران جهل و سرمایه ، عده

زندانهای سیاسی انقلابی ، به همت توده ها آزاد باید گردد

اعتصاب غذای زنان کمونیست در زندان اوین

کارگران، زحمتکشان، پدران و مادران مبارز!

امروز ۲۲ فروردین، دوازده روز از اعتصاب دختران کمونیست که در جنگل رژیم جمهوری اسلامی گرفتار و در بند عمومی زنان و سولولهای انفرادی اسیرند، میگذرد.

این اعتصاب غذا قریباً دقاومت فرزندان دلیر زحمتکشان و غرور شیرزنانی است که بغا طر دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و "جرم" آگاه کردن توده‌ها در سبیلها رژیم جمهوری اسلامی به سار ت افتاده اند و علی‌رغم انواع شکنجه‌ها و بدرفتاری‌ها و تهمتها، دزندان نیز بر جم‌مقاومت و مبارزه علیه امپریالیسم سرما به داری را برآفرشته نگاهداشته‌اند.

دختران و زنان انقلابی و کمونیست که نیم سباز چمگری در مبارزه علیه رژیم شاه‌خا شن داشتند، همچنان در راه به شمر رساندن انقلاب تا تمام ایران، ساکامهای استوار به پیش می‌روند. زنان و دختران کمونیست که در بند عمومی زندان اوین و بندهای انفرادی اسیر شده‌اند از اعتصاب غذای خود را چنین اعلام کرده‌اند:

۱- جدا کردن بند زندان‌های سیاسی انقلابی از ساواک‌ها و زنان به کاره

۲- رسیدگی هر چه زودتر به کار زندان‌های و راه‌های ازبلا تکلیفی

۳- آزادی بودن ورود کتاب و روزنامه

۴- آزادی داشتن رادیو

۵- بهبود وضع غذایی و بهداشتی زندان

هم‌اکنون حال ۳ نفر از این فرزندان قهرمان خلق و خیم است وزیر "سرم" قرار دارند. ما از همه نیروهای کمونیست و انقلابی و عموم هموطنان مبارز میخواهیم که فریاد اعتراض خود را علیه رژیمی که "زندان اوین" را از ساواک شاه به ارت برده و بنا بر خدمت به سرما به داران و سایر مرتجعین، مبارزین دلیر خلق را به بند کشیده است، بلند کنند.

به حمایت از فرزندان اسیر خلق برخیزیم! افتخار بر پایداری و مقاومت زنان کمونیست و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۲۲ ★ ★ ★

انقلابی و واقعیت اسفناک درون زندان‌ها را بمان توده‌های زحمتکش بیزیم و با تمام توان به دفاع از زندان‌های کمونیست و انقلابی برخیزیم.

افتخار بر پایداری زندان‌های انقلابی که بر جم مبارزه را در زندان‌ها برآفرشته نگاهداشته‌اند! زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده‌ها از یاد بیدار گردد.

از حیره غذایی خوب بهره مند شوند و بیشترین برور با ربا بند، نکته مهم هم‌همنجاست که رژیم جمهوری اسلامی به تبعیت از ما هیت ارتجاعی خود، مزدوران ساواک و مرتجعینی چون شیخ - الاسلام زاده‌ها را از رفا ه و آیش و غذا و بهداشت خوب و کافی برخوردار میسازد و در مقابل کمونیستها و انقلابیون در بند را زیر فشارهای جسمی و روانی قرار داده و در بدترین شرایط و همراه با شکنجه و آزار و... قرار میدهد. رئیس مرجع زندان اوین از "امکانات" بهداشتی صحبت میکند و آنرا "بهرت زبیرون" میداندا ما در اینجا نیز او عمدا فراموش میکند که بگوید فقط ساواک و مزدوران رژیم شاه - که البته روز - پرواز تعدادشان در زندانها کاسته میشود - از این "امکانات" برخوردارند. زندان‌های انقلابی نه تنها بدترین شرایط بهداشتی بر میسرند، بلکه کم‌نیت نمونه‌هایی که زندان‌های کمونیست و انقلابی بیما را بجای انتقال به بیمارستان بزیسر شکنجه کشیده و سباز دکنک گرفته‌اند (اوضاع زندان شیراز - پیکار ۱۰۰) و با زندانی مبارزی که در اثر اعتصاب غذا ضعیف شده است به قصد کشتن زده‌اند.

البته علاوه بر مزدوران رژیم شاه که در زندان‌ها با پاسداران همکاری میکنند، رویزونیستها ی خا شن اکثریت نیز به پیروی از می خا شنا نه - شان که اولین بندان را سازش با ارتجاع و خیانت به خلق تشکیل میدهد، در زندان نیز به جاسوسی برای پاسداران و توطئه علیه انقلاب مشغولند. در خا شیه ما حبه کوچکی خا شن ما حبه - ای نیز با "اکثریتی"های خا شن انجام شده است: "کرمی حمارکی نما بنده صغی زندان‌های وابسته به فدا شای خلق (اکثریت) در ریخ به این سوال که زندان‌های وابسته به گروهکهای پیکار، محاهدین خلق، کومله اظهار میدارند که در زندان از لحاظ غذا و بهداشت به زندان‌های رسیدگی نمیشود نظر شما چیست گفت: طرح این مسائل از دیدگاه‌ها ی شان در مورد حاکمیت سر - چشمه میگیرد". (جمهوری اسلامی ۶۰/۱/۱۶) چه خوب این اکثریتی خا شن خود را افشا میکنند، او تلویحا میگوید که اگر جریانی در ورطه خیانت است آنچنان غرق شود که حاکمیت ارتجاعی را "صد - امپریالیستی" بنامد، نایدیده گرفتن وضع اسفناک بهداشتی و غذایی زندان کار بسیار ساده‌ای خواهد بود. خا شنین به خلق در همه جا یا برور زوی و ارتجاع هستند.

اما این همه دنا ت و بیستی که از کینه طبقاتی ارتجاعی مزدوران رژیم با انقلاب و هرجایی که در راه انقلاب و بغا طر آزادی زحمتکشان تلاش کند، حاصل می‌شود بی‌ساخته نمی‌ماند. هم‌اکنون زندان‌های کمونیست و انقلابی در بدترین زندان‌ها برای اعتراض و خوشگیری جلادان جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زده‌اند. انقلابیون در بند با قریب‌های انقلابی، خشم طبقاتی - زحمتکشان را در پشت میله‌های زندان تجسم میبخشند. مبارزه و مقاومت حماسه آفرین زندان‌های

زیادی از مبارزین زندانی مجروح و زخمی شدند. زندانهای شیراز، بندر عباس، قزوین، ساری، آمل و... شاه هجوم‌های وحشیانه اوپانان ارتجاع بودند. در اولین روزهای سال نو در شیراز و بندر عباس، زندان‌های انقلابی با کوچکترین بهانه‌ای مورد حمله دسته جمعی مزدوران قرار گرفته و به سولولهای انفرادی فرستاده شدند.

علیرغم شرایط طاقت فرسای زندان‌ها - البته برای انقلابیون - زندان‌های مرجع با تبلیغات عوام فریبانه دم زنی با غالی زندان‌ها میزنند و آنچنان توصیفی از زندان‌های جمهوری اسلامی میکنند که حتی انسانهای آزاد نیز "هوس" زندانی شدن بر سرشان بزنند!! نمونه‌های از چنین تبلیغات عوام فریبانه، ما حبه ایست که "کجوشی" سرپرست مرجع زندان اوین "بعمل آورده است. (جمهوری اسلامی - ۱۶ فروردین ۶۰) وی که از نظر مقاومت و دشمنی با نیروهای انقلابی و کمونیست، هیچ کم و کسری ندارد، برای توجیه شکنجه انقلابیون و اعمال زشت و قرون وسطایی رایج در زندان‌ها، ابتدا بدترین تهمتها را به کمونیستها و نیروهای انقلابی وارد آورده و در مورد شکنجه "پاسداران" توسط رفقای کومله و... در کردستان به داستان - سرائی‌های شرم‌آور و میردا زده توده‌های نا آگاه‌ها القا کند که چون کمونیستها افراد ما را شکنجه میکنند، در مورد بدرفتاری با آنان نباید از رژیم گله داشت. ولی توده‌های آگاه میدانند که این دروغی است بیشتر ما نه و واقعاً نه. کجوشی مزدور سرین در مورد وضع "عالی" بهداشتی و غذایی زندان موعظه میکند و از زیادی حیره غذایی زندان‌های صحبت میکند، امیگوید "... عده‌ای از زندان‌ها ما نه توشته اند که در این شرایط جنگی این همه حیره غذایی برای ما اصراف است و زیاد است و ما اینجا تن برور می‌شویم و از این طرف این آقا یان میگویند ما غدا داده نمیشود!" ما نمی‌گوئیم که وی دروغ میگوید ولی او عمدا صفت حقیقت را نمیگوید. در زندانها و زحمتکشان زندان اوین هستند کسانی چون شیخ الاسلام - زاده (وزیر بهداشتی هوی‌های معدوم)، میسر - انتظام مزدور و مزدوران ساواک و مهره‌های رژیم شاه که نه تنها تحت فشار و آزار نیستند بلکه دست در دست پاسداران ارتجاع به آزار و اذیت زندان‌های انقلابی میپردازند و طبیعتاً از نور - چشمیهای زندان بشمار میروند. اینان دسته - دسته از آدمی‌شوندگان که در ارفشا رتوده‌ها هنوز در زندان مانده‌اند، بی‌ساخته ما شان به ارتجاع از تسهیلات و امکانات برخوردار هستند که "کجوشی" جلاد و مش را کرده است. آری زندان‌های ساواکسی و مزدوران رژیم شاه از ملقاتهای طولانی برخوردارند، امکان می‌باید از درون زندان حتی با آمریکا صحبت نمایند (مسئورد شیخ الاسلام زاده خا شن که سال گذشته افشاگر دید) به مرخمی هفتگی میروند و... طبیعی است که



مزد در ایران

کارگر قرار داده میشود. پرداخت میگردد. هم اکنون این شکل پرداخت دستمزد در کارگاههای کوچک دوزندگی، درودگری، ریختهگری و... عمدتاً در صنایع کوچک اجرا میشود. بطورمثال در

از زمان شکلگیری طبقه کارگر در ایران تاکنون، مبارزه برای افزایش دستمزد در کنار مبارزه برای کم کردن ساعات کار - عمده ترین وجه مبارزات کارگران ایران در عرصه اقتصادی - سیاسی بشمار میرود. در شرایط کنونی که مسأله دستمزد و چگونگی محدود افزایش آن، یکبار دیگر مطرح وبه مسأله روزگارگران تبدیل شده است، ما میکوشیم تا اشکال مختلف پرداخت مزد در ایران در رشته های مختلف تولید را مختصراً توضیح دهیم و سپس برخی از جوانب مسأله مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد، تا شریک بخش کردن مزد کارگران در این مبارزه و بجزایان افتادن این مبارزه در اشکال دیگر را مورد بررسی قرار دهیم:

۱- اشکال مختلف پرداخت مزد در ایران:

قبل از توضیح این اشکال لازم است بخاطر داشته باشیم که دستمزد چیزی نیست مگر بهای نیروی کارگر. دستمزد در واقع عبارت است از بهای و مسائل معیشتی که برای تجدید تولید نیروی کارگر در طی مدت کار روزانه از دست میدهد. و نیز برای بقای نسل وی و جایگزینی او بوسیله فرزندانش لازم است با این تذکره که حجم و مسائل معیشت کارگران و نوع آن، مقدار و نوع غذایی که میخورند، خانه ای که در آن ساکن میشوند... بر اساس سطح مبارزه کارگران تعیین میشوند.

در ابتدای شکلگیری طبقه کارگر ایران، به دلیل عدم تشکل و پراکندگی آن و بدلیل سطح بسیار پایین آگاهی و شعور طبقاتی کارگران، شکل عمده پرداخت دستمزد در ایران، شکل کار مزدی یا پرداخت دستمزد بر اساس کنتراکات کار بوده است. با بالا رفتن سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر و شکلگیری صنایع مدرن و بزرگ، بوجود آمدن صنایع چاپ، رشد صنعت نفت و... که تعداد زیادی کارگر را دربرگیرند و متمركز می نمودند، شکل عمده پرداخت دستمزد نیز به پرداخت دستمزد ثابت روزانه تغییر کرد. در حالی که پرداخت دستمزد به شکل کار مزدی هنوز در بخشهای تولیدی کمالات را ادامه داشت. هم اکنون ما در ایران سه شکل عمده پرداخت دستمزد را مشاهده میکنیم.

الف - پرداخت دستمزد در شکل "کار مزدی": در این شکل پرداخت مزد، دستمزد در مقابل انجام حجم معینی از کار - که بین کارفرما و

کارخانه دوزندگی و بافندگی ناظمی به این شکل عمل میشود.

کارخانه ناظمی از قسمتهای برش و دوزندگی تشکیل میشود و هر یک از این قسمتها دارای چند استادکار بود. هر استادکار نیز تنها یک کنتراکت مثلاً برش هر ۱۰۰۰ عدد پیراهن زیر سرپازی و یا برش هر هزار عدد شورت سرپازی در مقابل مبلغی معین کار میکنند. هر استادکار مقدار کاری را که کنتراکت کرده است بین کارگران زیر دست خود تقسیم کرده و انجام میدهد. همچنین در قسمت دوزندگی بابت دوختن هر یقه و یا هر پیراهن زیر سرپازی ۱ ریال (کمتر یا بیشتر) پرداخت میشود.

این شکل از پرداخت دستمزد بدترین نوع پرداخت دستمزد برای کارگران است و معمولاً تنها بر زمین آگاهی و تشکل نازل کارگران صورت میگیرد و به انحاء گوناگون به زندگی و مبارزه کارگران آسیب وارد میسازد.

۱- در این شکل پرداخت، کارگر احساس می کند که هر چه بیشتر کار کند بیشتر مزد میگیرد. و در غالباً نادرماندگی و خستگی کامل کار میکنند، غالباً از وقت غذا و استراحتش میزند تا مقدار بیشتری از کار کنتراکت شده را انجام دهد. اما این کار طاقت فرسا تنها موجب تشدید استقامت او میشود. چرا که در این شکل پرداخت دستمزد، قرارداد کار از طرف کارفرما، بر اساس مهارت متوسط کارگران، با آوری کارآنان و... طوری تعیین میشود که دستمزد کارگر علی رغم تمام تلاشش از دستمزد متوسط جامعه در واقع از بهای نیروی کار فراتر نمیرود.

۲- "کار مزدی" کارگران را در مقابل هم قرار میدهد، از آنجا که در شکل کار مزدی عمل میآورد و به وجهت طبقاتی آن آسیب میرساند. این امر به دو صورت انجام میگیرد: اول از طریق ایجاد رقابت در بین کارگران برای بالا بردن میزان تولید و اینا بر این دستمزد دوم از طریق رابطه ای که بین استادکاران و کارگران ساده ایجاد میکنند، چرا که در این شکل پرداخت مزد استادکاران معمولاً بدلیل منافعی که از افزایش تولید دارند خود به کارفرما های کوچکتری تبدیل میشوند و بیشترین فشار را بر کارگران وارد میکنند.

بعلاوه "کار مزدی" مناسبات سرمایه داری و رابطه کار مزدوری با سرمایه را دیگر گونه جلوه - گرمیسا زوجین و نمود میکند که وضعیت بد طبقه کارگر، اجباراً و به فروش نیروی کار و...

ناشی از تنبلی او، ما هر نبودنش... است و بنا بر این از آگاهی کارگران به ما هیبت مناسبات سرمایه داری جلوگیری میکند.

۳- کارفرما از پرداخت مزد به شکل کار مزدی بطریق گوناگون سود میبرد، شدت کار را افزایش میدهد و کمیت تولید را بالا میبرد و با افزایش محصول و نبردن ختن مزد در مقابل محصولات که کیفیت خوبی ندارند، تولید را کنترل کرده و کیفیت محصول را بالا میبرد و با افزایش منین بهداشت کار، دادن غذا به کارگر، بیمه کردن او و... بدلیل کنتراکتی بودن کارخانه خالی میکند.

با بالا رفتن سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر و برابری مناسبات آن و نیز با پیشرفت تکنیک و پیچیده تر شدن ابزار تولید و فراهم شدن امکانات بکار بردن اشکال دیگری از مدیریت سرمایه داری - نظیر تجزیه ای کردن تولید و... شکل "کار مزدی" پرداخت دستمزد بتدریج منسوخ شده و عمده بودن خود را از دست میدهد. اما بعضاً و در برخی از رشته ها این شکل از پرداخت دستمزد جای خود را به تلفیقی از دو شکل پرداخت دستمزد ثابت روزانه و دستمزد بر اساس کار مزدی میدهد.

ب- پرداخت مزد ثابت روزانه با تعیین حداقل کاری که می بایست انجام گیرد:

در کارخانه های ما تنها با تعیین این شکل پرداخت دستمزد به این صورت است که هر کارگری در روز بطور ثابت ساعات معینی - مثلاً ۸ ساعت - کار میکنند و مقدار ثابت معینی دریافت میکنند. ولی در ازای این مقدار معینی مزد برای ساعات معین می بایست مقدار معینی تولید کنند. مثلاً باید چند متر از فلان نوع پارچه بسازند. اگر کارگر کمتر از مقدار معین شده تولید کند جریمه میشود و در صورتی که تولیدش بیشتر از مقدار معین باشد در مقابل هر مقدار اضافه تولید، مبلغی بعنوان پاداش دریافت میکنند.

این شکل پرداخت دستمزد نسبت به "کار مزدی" قدمی به جلو است و تفرقه و رقابت بین کارگران را کمزور میکند. ولی در عین حال بخاطر تنگی مناسبات سرمایه داری و تخصصی فردی کارگران و جوانی و جالاک و... آنان هنوز جنبه های اصلی تفرقه و رقابت را در خود دارد، بخصوص که کارفرما برای جلوگیری از افزایش دستمزد واقعی کارگران، به تناسیب افزایش مهارت کارگران و با تنگی بر مناسبات و ایجاد رقابت بین آنان، مقدار حداقل کار تعیین شده را افزایش میدهد.

این نوع پرداخت دستمزد هم اکنون بیشتر در کارخانه های ما بکار میروند. هنوز کارمندان مدرنیزه و پیچیده نشده است و کار جسمانی شدید در آن - نسبت به مهارت و تخصص - نقش برجسته - تری دارد و منجمله اکثر صنایع نساجی و





با فندگی خود را نشان میدهد، کارگران این نوع کارخانجات تاکنون مبارزات پراکنده برای پاشین آوردن حداقل کار تعیین شده در روز داشته‌اند.

ج - دستمزدهای ثابت روزانه :

هم‌اکنون عمده‌ترین شکل پرداخت دستمزد در ایران درصایع نفت، ذوب فلز، ماشین‌سازی و... پرداخت دستمزدهای ثابت روزانه در ازای ساعات کار معین است. آخرین لایحه تصویبی وزارت کار، حداقل ساعات کار را ۴۴ ساعت کار در هفته تعیین میکند و آخرین رقم تعیین شده بوسیله رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بعنوان دستمزد روزانه ۶۳۵ ریال بعنوان حداقل دستمزد پایه یک کارگر ساده می‌باشد.

اما آیا اکنون و بنا بر تعریفی که در ابتدای مقاله بر آن تاکید نمودیم، بهای نیروی کار کارگران برابر دستمزدهای ثابت روزانه آن‌ها نیست؟ پاسخ به این سوال منفی است و این را هر کارگری سراسری درک و تأیید میکند، چرا که او مشاهده میکند دستمزدهای ثابت روزانه او به هیچ وجه کفاف هزینه‌های سنگین زندگی و تأمین معیاش خود، خانواده و فرزندان را نمیکند.

در این صورت معین در صورتی که دستمزد واقعی کارگران تنها به دستمزدهای ثابت روزانه آن‌ها منحصر نمی‌شود، پس این دستمزد چگونه محاسبه می‌شود؟

۲- بخش بخش کردن دستمزد

واقعی کارگران

بوسیله سرمایه داران :

سرمایه‌داران بهای نیروی کار کارگران را که در واقع دستمزدهای آن‌ها را یکجا و بصورت یکبارچه بداندان پرداخت نمیکنند بلکه آن را به بخشهای مختلفی تقسیم کرده و تحت عناوین مختلفی نظیر دستمزد رسمی روزانه، سودویزه، حق مسکن، حق ایاب و ذهاب و... آنرا به کارگران پرداخت میکنند. این کار همچنان که توضیح خواهیم داد فایده‌های گوناگونی برای سرمایه‌داران در بر دارد ولی قبل از آن اجازه دهید تا چگونگی محاسبه دستمزد رسمی و ثابت کارگران را مورد بررسی قرار دهیم :

الف - چگونگی محاسبه دستمزد رسمی کارگران: دستمزد رسمی با پایه آن بخش از دستمزد واقعی کارگران است که بطور ثابت پرداخت میشود و مبنای محاسبه حقوق دوران بازنشستگی دستمزد اضافی و... میباشد. بدیهی است که تمام این دستمزدها نیز به کارگران پرداخت نمیشود و تحت عناوین مختلف نظیر حق بیمه، مالیات و... مبلغی از آن کسر میشود. این

بخش از دستمزد ظاهراً با توجه به مخارج روزانه یک کارگر و خانواده‌اش و نیز با در نظر گرفتن درجه مهارت، نوع کار، سابقه و... تعیین میگردد. قسمت اول یعنی مخارج روزانه یک کارگر با همسر و دو فرزند در پایین‌ترین سطح آن به عنوان حداقل مزد کارگران ساده بدون تخصص و سابقه در نظر گرفته میشود و عمومیت دارد و قسمت دوم که به درجه مهارت، سابقه کار، نوع شغل و... بستگی دارد در چهار رجویی تحت عنوان "طبقه - بندی مشاغل" قرار میگیرد و بر مبنای آن محاسبه میشود.

ب - رژیم جمهوری اسلامی و هزینه‌های یک خانواده کارگری :

رژیم جمهوری اسلامی که با دمیدن دهر را در بوق تبلیغاتی خود را حاکمی "مستضعفین" و دوست "گودشیمان" و "کوچ نشینان" معرفی میکند مدعی است که میزان دستمزد کارگران را بر اساس مخارج زندگی یک خانواده کارگری چهار نفره تعیین میکند ولی آیا واقعیت نیز همین است؟

اولاً در صورتیکه چنین ادعایی صحت داشته باشد، بیاییم تغییر سریع قیمتها که بطور سرسام‌آور و وحشیانه بطور هفتگی یا روزانه ترقی میکند، دستمزد کارگران نیز می‌باید تغییر کرده و افزایش یابد. در حالی که سیاست رژیم جمهوری اسلامی جز این است. این رژیم دستمزد رسمی کارگران را سال بسال و به مقدار بسیار کمتر از درجه رشد هزینه زندگی افزایش میدهد. در حالی که در طول سال نیز به ناهنجاری گوناگون از دستمزد واقعی آن‌ها می‌دزدد.

ثانیاً بر اساس محاسبات ما در کتاب "فانون کار انقلابی"، حداقل مخارج روزانه یک خانواده ۴ نفری کارگری، در سال ۵۸، بالغ بر ۸۲۲ ریال میشده است در حالی که رژیم جمهوری اسلامی در همان سال، حداقل دستمزد کارگران را به میزان ۵۶۵ ریال تعیین کرده بود. همچنین مطابق محاسبات ما در اوایل سال ۵۹ برای یک خانواده ۵ نفری بخاطر افزایش سرریج قیمتها حداقل مزد کارگران می‌بایست ۱۷۰۸ ریال باشد. حال آنکه دولت جمهوری اسلامی حداقل دستمزد در این سال تنها به میزان ۶۳۵ ریال یعنی به میزان نزدیک به ۱/۳ آنچه می‌بایست به کارگران پرداخت شود، تعیین نمود و اکنون که قیمتها به میزان فوق العاده زیادی افزایش یافته است، بیش از یکسال است که به دستمزد کارگران افزوده نشده و هنوز نیز خبری از افزایش دستمزدها نیست.

ج - "طرح طبقه بندی مشاغل" :

این طرح در ایران، اولین بار در زمان حکومت شاه‌خاکن تهیه و به اجرا گذاشته شد. اجرای این طرح هم خواست کارگران و هم خواست سرمایه‌داران بود.

کارگران خواهان آن بودند که به هر چه مخارج حاکم بر تعیین دستمزد پایه یا داده شود دستمزد بر اساس ضوابط معینی که در همه جا یکسان باشد

تعیین گردد تا از آوارگی و دربردی و خانگی - بدوشی آن‌ها برای دریافت دستمزد بیشتر و تا مین زندگی‌شان کاسته شود. آن‌ها خواستار آن بودند که عواملی همچون سختی کار، سابقه کار، مهارت و ورزیدگی در کار و... در تعیین دستمزدها موثر بوده و بر دستمزدها افزوده گردد. سرمایه‌داران و بویژه دولت سرمایه‌داری نیز خواستار از بین رفتن هر چه و مرج در تعیین دستمزدها و کاهش دادن نامعینی بر چگونگی تا مین دستمزد بودند. آن‌ها مایل نبودند بدلیل این هرج و مرج و بدلیل رقابت سرمایه‌داران برای جذب نیروی کار - بویژه در دوران رونق اقتصادی - بر دستمزد کارگران افزوده شود.

بنا بر این بدلیل خواست و مبارزه کارگران و نیز بدلیل که مصالح اساسی سرمایه و روابط سرمایه‌داری اقتضا می نمود، رژیم شاه اقدام به تهیه و تصویب طرح طبقه بندی مشاغل نمود و طبیعتاً این طرح را به درجه بندی تا مین منافع کارگران، بلکه بر اساس منافع سرمایه‌داری و سرمایه‌داران تنظیم و اجرا نمود. اما از آنجا که اجرای این طرح، احیاناً مقدار بسیار دستمزد کارگران می افزود، حتی همین طرح ضد کارگری نیز در همه جا و بوسیله همه سرمایه‌داران به اجرا در نیامد.

رژیم جمهوری اسلامی پس از زوری کارآمدنش، در ابتدا کوشید تا بطور کلی طرح طبقه بندی مشاغل را حذف کند و خواستار لغو آن تحت عنوان "طایفه بندی" بود. اما سرمایه‌داران و مقامات کارگران او را به عقب راندند و او را نمود تا اجرای طرح را به رسمیت بشناسد. بنا بر این وزارت کار طی بخشنامه‌ای اعلام نمود که طرحی در مورد طبقه بندی مشاغل تهیه نموده است و قصد دارد آنرا ابتدا بطور آزمایشی در ۲۰ کارخانه به اجرا بگذارد. اما اینکه این طرح چگونه طرحی است و در کدام کارخانه‌ها به آزمایش گذاشته شده است و نتایج این آزمایش چیست، از اسرار بود. و کسی - (طبیعتاً کارگران و نه سرمایه‌داران و عاملین سرمایه) - از آن باخبر نیست.

ما در اینجا و برای شناخت اینکه سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری چگونه از طرح طبقه بندی مشاغل در جهت منافع فردی و طبقه خود سود می‌برند، برخی از مفاصل فدکارگری طرح طبقه بندی را که از زمان رژیم فدکارگری شاه به اجرا گذاشته می‌شود، مختصراً مورد بررسی قرار داده و تشریح تفصیلی آن را به آینده موکول میکنیم :

- در طرح طبقه بندی مشاغل مذکور، به مشاغل مختلفی امتیازات مختلفی تعلق میگرفت نحوه تعلق این امتیازات طوری تنظیم شده بود که نیروی کار و کارگران به ریشه‌های شی از تولید و صنعت که دارای سودآوری بیشتری بودند، روی بیاورند و سرمایه‌داران بتوانند با استفاده از تورم کارگرداران رشته‌های صنایع،



دستمزد آنان را در حداقل ممکن تثبیت کنند. - در طرح مذکور به سرپرستها، فرمها، سر جوخه‌ها و لیدرها و سایر عوامل و ایادی سرمایه امتیازات زیادی تعلق می‌گرفت و آنان برای خدمت بیشتر به سرمایه‌داران و تحت فشار قرار دادن کارگران به رشوه‌های متنابهی دریافت می‌کردند.

- در این طرح همچنین تحت عناوین انضباط کاری، اطاعت از سرپرست و... امتیازاتی داده می‌شد تا روحیه بردگی و تسلیم‌روییه‌چاگری- منشی و مزدوری در بین کارگران انا عه داده شود.

- این طرح بگونه‌ای تنظیم شده بود که کارگران ساده‌داری در آمدن بسیار نا زلی بوده و اختلاف درآمد مدیبن رده‌های مختلف کارگران بسیار زیاد شود و در نتیجه اختلاف و تفرقه در بین طبقه‌ها گردان زده شود.

- در این طرح به عواملی همچون سابقه کار، سختی و سنگینی کار و... امتیازات بسیار کمی تعلق گرفته و در مقابل، در حالی که اکثریت کارگران و زحمتکشان میهنمان از حداقل امکانات برای تحصیل برخوردار نیستند، به مدارک تحصیلی بویژه بالا، امتیازات بسیار زیادی تعلق می‌گرفت.

- در این طرح سابقه کاری کارگری که از یک کارخانه به کارخانه دیگر میرفت بهیچوجه محاسبه نمی‌شد و این سابقه کاری از بین میرفت و بدین ترتیب کوشش می‌شد تا از نقل و انتقال نیروی کار جلوگیری بعمل آید و کارگران را وادارند تا بهر شرایطی برای حفظ سابقه کاری خود تن در دهند.

۳- بخش بخش کردن دستمزد

کارگران و تاثیر آن بر

مبارزه طبقه کارگر:

ما گفتیم که سرمایه‌داران دستمزد واقعی کارگران را به قسمتهای مختلف تقسیم کرده و تحت عناوین مختلف بدانان می‌پرداختند. اکنون لازم است که ببینیم سرمایه‌داران در این کار چه منافعی دارند و آن چه اهدافی را تعقیب می‌کنند و این کار چه تاثیر شیری بر مبارزه طبقه کارگر بجای می‌گذارد:

الف- بخش بخش کردن دستمزد کارگران ماهیت روابط سرمایه‌داری و رابطه بین کار و سرمایه را در لافه ضخیمتری می‌پوشاند و بیش از پیش دگرگونه جلوه میدهد. با پرداخت سود ویژه چنین نمایانده می‌شود که کارگران در سود سرمایه و سرمایه‌داران شریکند و بر طبقه طبقاتی بین آنان سرپوش گذاشته می‌شود، با داش چنین

جزئی و منفرد بوده و در جا ر جوب یک با حداکثر چندکارخانه محدود می‌ماند، در حالیکه مبارزه برای افزایش دستمزد رسمی دارای ظرفیت سراسری شدن بوده و سرعت میتواند به مبارزه‌ای سراسری تبدیل شود. این موضوع همچنین برای شیوه‌های مختلف پرداخت دستمزد، بحزب شیوه پرداخت دستمزد تا روزانه نیز صادق است و شکل کارمزدی پرداخت دستمزد - و تا حدود بسیار کمتری شکل تلفیقی - بهیچوجه خصوصیت آن را که مبارزه برای افزایش مقدار دستمزد به مبارزه‌ای سراسری تبدیل شود را ندارد.

نگاهی به اخبار مبارزات کارگران کشور - هائی که دارای مبارزه پیشرفته اقتصادی - سیاسی و تشکل‌های قدرتمند سدیکا می‌هستند، این واقعیت را اثبات می‌کند. در ایران نیز در حالی که ما با رها شده مبارزات سراسری کارگران صنعت نفت، نساجی و... برای افزایش دستمزد بوده‌ایم، در مورد مبارزات برای افزایش بخشهای دیگر دستمزد چنین چیزی رامشاهده نکردیم

بدین ترتیب و بنا بر آنچه گفتیم مبارزه برای یکپارچه کردن دستمزد کارگران و یکسان کردن شیوه پرداخت آن می‌بایست همواره در مد نظر و اهداف کارگران پیشرو و کمونیستها باشد. اما روشن است که تحقق چنین هدفی مستلزم سطح معین و بالائی از آگاهی و تشکل کارگران وسط مبارزات آنان است. بنابراین

کمونیستها و کارگران پیشرو موظفند در عین - اینکه برای بالا بردن دستمزد واقعی کارگران در مبارزه برای افزایش بخشهای مختلف دستمزد شرکت می‌جویند، برای سازمان دادن مبارزه کارگران بر سر این خواستها کوشش میکنند، برای بالا بردن سطح آگاهی و تشکل کارگران در جریان این مبارزات میکوشند و از این مبارزات بعنوان عاملی برای بالا بردن توان فیزیکی و معنوی، عینی و ذهنی طبقه کارگر برای مبارزه بر علیه نظام سرمایه‌داری بهره می‌جویند، شعار "یکپارچه شدن دستمزد و یکسان شدن شیوه پرداخت آن را نیز همواره در مد نظر داشته و تبلیغ و ترویج کنند.

می‌نمایند که کارگران محمول کار خویش را دریافت میکنند، حق مسکن و حق خوابگاه... بر ماهیت دستمزد و بر اینکه دستمزد بهای و مسائل معیشت کارگران است برده می‌افکنند، جایزه معنایی عظیم سرمایه - دار جلوه گر می‌شود و بنا بر کارگر به فروش نیروی کارش را ناشی از بی عزتگی، تنبلی و... او می‌نمایند... بدین ترتیب بدیهی است که بخش بخش کردن دستمزد کارگران، آگاهی کارگران بر ماهیت روابط سرمایه‌داری را مشکل میکند، در مبارزه و تشکل کارگران و وقفه ایجاد مینماید و بیسیج نهائی آنان را برای انهدام روابط سرمایه‌داری به تاخیر می‌اندازد.

ب- بخش بخش کردن دستمزد همچنین به سرمایه‌دار امکان میدهد تا در موقع مقتضی موافقی که سودآوری سرمایه‌نزل می‌کند، موافقی که مبارزه کارگران سرکوب میشود و کارگران از آگاهی، وحدت و تشکل بالنده کافیه برخوردار نیستند، موافقی که بیکاری افزایش می‌یابد و رقابت بین کارگران اوج میگردد و... تحت عناوین و بهانه‌های گوناگون بخشهای از دستمزد کارگران را بدزدند، سود ویژه را نبردارند، با داش راندهند، حق آنها روحی ارباب و ذها را حذف کنند... و بدین ترتیب دستمزد را به پایین ترازش واقعی نیروی کار برانند و سودآوری سرمایه را افزایش دهد.

ج- بالاخره و تا آنجا که به مقوله حاضر مربوط میشود تا شیری است که بخش بخش کردن دستمزد کارگران بر مبنای روزه و وحدت طبقاتی آنان باقی می‌گذارد و سراسری شدن مبارزاتی آنان و سراسر راه وحدت و تشکل سراسری و طبقاتی آنان مانع ایجاد میکند، مبارزه برای افزایش بخشهای مختلف دستمزد کارگران بر عکس مبارزه برای افزایش دستمزد مناسبت رسمی، دارای خلعت سراسری نبوده و عموماً نمیتواند جنبه سراسری بخشد گرفته و سراسری شود. بدین ترتیب از آنجا که مقدار رشوه پرداخت مزایا، سود ویژه، با داش حق مسکن و... در کارخانه‌های مختلف و در مناطق گوناگون متفاوت است، مبارزه برای افزایش آنان نیز عموماً دارای خلعت

چرخش رویز یونیستی مرتدان "اکثریت" درباره بنی صدر خائن

رویز یونیستی‌های خائن بر احنی چهره عوض میکنند. آنان شاراتناهایی هستند که در تبعیت از بورژوازی تغییر سیاست می‌دهند. سیاستهای آنها را نه منافع آنی و آنی طبقه کارگر - روستا ترازی و تاکتیک انقلاب، بلکه سیاستهای روز قدرتمندان تعیین میکند. آنان چون چشم به "بالا" دوخته اند و منافع خیانت با رشتان با منافع بورژوازی در هم آمیخته، سیاست روز خود را با تغییرات - هر چند مختصر - در وضعیت قدرت سیاسی هماهنگ مینمایند. در طول حاکمیت دوساله رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، رویزیونست‌های خائن جنگلی از در دفاع از بورژوازی در آمده و به استانبول حاکمیت ارتجاعی شتافتند. رویزیونیستهای خائن خروشچنی پس از چرخش در قبال لیبرالها به مجیزگوئی جناح ارتجاعی حزب جمهوری پرداخته و آنها را تحت عنوان "فهرمانان مبارزه‌فدا میریالیستی" ستایش کردند و رویزیونیستهای خائن سه‌جانی نیز در چهره بنی صدر خائن و همیالکی‌هایش به دروغ یک شخصیت "ملی" و "استقلال طلب" ترسیم کردند و به پاسیدن خاک بر چشم زحمتکشان مشغول شدند. اما با تشدید رقابت و تفا در درون جناح - های مرتجع قدرت سیاسی و احتمال تغییر در موازنه قدرت، قبل از همه خائنین حزب توده که در خیانت از تجربه چنددهه‌ها لبرخوردار است و "سوی کباب" را خیلی سریع حس میکند، با حرکت از منافع اربابان سوسیال امیریالیستی جهت تعیین کننده سیاست روز را خیلی زود فهمیدند و **بر احنی تمام آنچنان که شرایط روز ایجاب میکند با چرخش فدا نقلابی برای لیبرالها مجددا حساب و بیزه‌ای با زکردند (پیکار ۱۰۰)**

رویز یونیست‌های مرتدا اکثریت نیز که با "برادران" توده‌ای خود وحدت سیاسی - ایدئولوژیک دارند و در پی یک‌کاسه کردن شکلیات فدا نقلابی خود میباشند، از آنان زیاده‌عقب نمائند. خائنین اکثریت که زمانی نه چندان دور می نوشتند:

"... در این تحقیقات یکبار دیگر مشخص شد که آقای بنی صدر روابط پنهانی و نزدیک بنا عوامل مزدور غرب کشور دارند و آنان را به ادامه طرح‌های توطئه میزبان علیه انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران تشویق میکنند." (کار اکثریت شماره ۱۰۰ صفحه ۲۰ - مقاله "سران خان عشا بر...") (و در واقع بنی صدر را "متحد" و "مشوق" زمینداران و سرما به داران بزرگ می - نامید و می گفت:

"... از همین روست که آقای رئیس جمهور

و متحدان او جنگلی مورده‌حما بیت تجا ر بزرگ با زار، سرما به داران لیبرال، زمینداران بزرگ و بطور کلی بقایای رژیم گذشته هستند." ... این بر خورد رئیس جمهور در برابران مورده‌حما بیت سرما به داران، زمینداران بزرگ و تجا ر بزرگ قرار گرفت که این خود با بدی برای آن دسته از زحمتکشان که ما هنوز از ما هیت سیاست آقای رئیس جمهور مطلع نیستند، درسی آموزنده باشد." (کار اکثریت شماره ۱۰۱، مقاله آقای رئیس جمهور این با زیبا ...)

بدین ترتیب در مقاله فوق خائنین (اکثریت) با تبعیت از سیاست روز و تنها جم‌مقابل حزبی - های مرتجع به لیبرالهای خائن به زحمتکشان در مورد "ما هیت سیاست بنی صدر هندا ر می‌دهند و سپس با زمینبویستند:

"... در این میان در کمال تاسف نه تنها آقای رئیس جمهور که پیش از انتخابات به مردم قول داده بودند در خلاف جهت دولت موقت - با زرگان حرکت خواهد کرد، اینک در مسیری خلاف مصالح انقلاب و همرا به لیبرالها گام بر میدارد. بلکه ... (کار اکثریت شماره ۱۰۲، بیا منوروزی ... (تا کید از ما ست))

و از اینگونه اظهار نظرها در نوشته‌های "اکثریتی" های خائن فراوان است. آنان در آن زمان به مصلحت سیاست روز و منافع مشخص آن زمان که همصدائی کامل با حزبی های مرتجع را می طلبید، اینچنین در مورد لیبرالها قضاوت میکردند، آنها اگر چه صریحا بنی صدر را لیبرال نمی خواندند (تا راه فراریا زیاده‌گرا راه او را مخالف "مسیر انقلاب"، "همراه لیبرالها"، "مورده‌حما بیت سرما به داران و بقایای رژیم شاه" و ... میخواندند. اما با تغییر موقتی در وضعیت سیاسی و فرونشست موقتی تفا ده‌های درون هیئت حاکمه و بدینال امتیازاتی که خمینی به بنی صدر داد، رویزیونیست‌های خائن "اکثریت" نیز شرایط را برای یک چرخش فدا نقلابی مناسب دیدند. این خائنین در مکتب بورژوازی رویزیونیستهای خروشچنی و بنا به مصلحت سیاستهای بورژوازی امیریالیستی روسی آموخته اند که برنا مه خود را از این عمل تا عمل، دیکریا وضعیت موجود تطبیق دهند و با زیر پا گذاشتن منافع انقلاب و طبقه کارگر سیاستهای خود را با سیاست سرما به داران میزان نمائند. از همین روست که مرتدان "اکثریت" می نویسند:

"همچنانکه با رها تا کید کرده ایم، گرایشی که بخواد رئیس جمهور را با لیبرالها یکی کند و

اورا از صف نیروهای استقلال و آزادی براند گرایشی خطرناک و بزیان انقلاب است. هل دادن نیروهای ملی به خارج از جنبه نیرو ه - ای طرفدار انقلاب صرفا در خدمت تضعیف جنبه نیرو - های انقلاب و تقویت دشمنان انقلاب قرار می - گیرد و خواست امیریالیست است." (کار اکثریت شماره ۱۰۳، مقاله "بیا بنی ی ۱۰ ماده ای...")

و اقا از نوکران بورژوازی و شیادانی که خاک به چشم طبقه کارگرمی یا شند چه انتظا ر دیگری میتوان داشت؟ خائنین اکثریت بر طبق رویه همیشگی رویزیونیست‌ها بسیار ساده، حرف و سیاست خود را تغییر میدهند. تنها رویزیونیست - های مرتدی چون اکثریت فدا ثیان میتوانند کسی را که در شماره ۱۰۰ روزنامه خود دارای روابط پنهانی و نزدیک با عوامل مزدور و "علیه انقلاب" رزیابی میکردند، به شماره بعد (سه هفته بعد) اورا تظہیر کرده و در صف نیروهای استقلال و آزادی "جای دهند و در مقابل امیریالیست قرار دهند. رویزیونیست‌های خائن اکثریت خوب آموخته اند که چگونه با حوادث روز "تطبیق" حاصل نمائند و از واقعات نا واقع - ای دیگر و سرعت روش خود را برای تا مین منافع ارتجاعی خود در جهت تحقق سیاستهای سوسیال امیریالیست‌روس تغییر دهند. آنان منافع اساسی پرولتاریا و مصالح زحمتکشان را فدای خواستهای بورژوازی کرده اند. آنان به عا ملین بورژوازی تبدیل شده اند و در خدمت بورژوازی حاضر به هر خیانتی به خلق ه - ا و زحمتکشان میباشند.

تنگ و نفرت برآنان باد! ★ ★ ★

بقیه از صفحه ۱۵ در حاشیه ...

وی که بقول خودش کسالتی هم ندارد، در بیمارستان زندان مشغول استراحت هستند - میگوید: "... نه فقط من با یدا زانوشم با یدا زانوشم من عذرخواهی شود." (اطلاعات ۱۶ فروردین ۶۵) مگر آنچه کم و کسری نسبت به جاسوسان آمریکائی و انگلیسی دارد؟! (با تصایح خمینی در مورد کاهش تشنج میان "دولتمردان"، آزادی امیر - انتظام زندان، موضوع دورا زده‌نیست نیست خود او هم شرایط سیاسی حاکم را خوب درک کرده و ساعتها از "خدماتش به انقلاب و جمهوری اسلامی" دم‌زده و سرانجام خود را بیزا و از عذرخواهی و بوزش نیز میداند. و در همین اوضاع و احوال است که اعلام میشود: "ما کما میرا انتظام میریالیست که به ترجمه‌ها به تشویق افتاد" (انقلاب اسلامی ۶۵/۱/۱۶). گویا یکسال و نیم گذشته برای اینکار کفایت نمی‌کرد. مطلب اصلی اینجا است که برای فریب مردم و ارا نه دلائل به ظاهر "محکم‌بند" و سیاست بازی، زد و بند های پشت پرده نیاز زهت و برای اینکار زمان لازم است. اما حقایق از چشمان تیزتوده‌ها مخفی نمی‌ماند!

★ ★ ★
رویز یونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

دموکراتیسم کاذب:

دمکراتیسم بورژوازی بر چه پایه‌های استوار است؟ بورژوازی خواهان چگونه دمکراسی می‌باشد؟ برای دریافت پاسخ صحیح این پرسشها، باید بطور مختصر نقش بورژوازی را در رابطه با دمکراسی از جنبه تاریخی بررسی نمائیم.

بورژوازی از آغاز زیات خود، در آن زمان که یک نیروی پیشرونده انقلابی بود بر علیه نظام کهنه و پوسیده فئودالی می‌جنگید. رسالت و ما موریت برافراشتن پرچم دمکراسی را در مقابل استبداد فئودالی برعهده گرفته بود. چرا و چگونه؟ با رشد سرما به داری، توسعه مبادله و تجارت و پیشرفت و تنگنا مل صنعت، جهش عظیمی در شرایط زندگی اقتصادی درجا مع وجود آمدولی در عین حال بهیچوجه بدنبال چنین جهش عظیمی در زندگی اقتصادی، تغییرات سیاسی متناسب با آن بوجود نیامد. نظام دولتی فئودال با قسبی مانده در حالیکه جامعه بیشتر و بیشتر بورژوازی می‌شد - تجارت در مراحل عالی (مشخصا تجارت بین المللی و تجارت جهانی) - در حرکات خود ما حیوان آزاد و بدون مانع کارا طلب میگردید که بعنوان (ما حب کالادا) ای حقوق مساوی باشند و بتوانند مطابق حقوقی که همه آنها (لا اقل در یک منطقه) در برابر آن یکسان اند، به مبادله بپردازند. لازمه گذار صنعت دستی به صنعت کارگاهی و کارخانه‌ای وجود تعدادی کارگر آزاد است. از یکطرف آزاد از قید و بندهای صنفی و از طرف دیگر آزاد از بازار، تا شخصا بتوانند نیروی کارشان را بفروشند... ولی هرگاه، بناسبات اقتصادی، آزادی و تساوی حقوق طلب میگردند نظم سیاسی، قید و بندهای صنفی و مزایای ویژه را قدم بقدم در سر راهش قرار میداد... همینکه در اثر پیشرفت اقتصادی جامعه، خواسته آزادی از قید و بند فئودالی و ایجاد تساوی حقوق از طریق نابودی بی عدالتیهای فئودالی در دستور روز قرار گرفت، مبیایست ای بعدا دوسیتری میبافت... و راه دیگری جز این نبود که لغو امتیازات فئودالی و آزادی اشراف از مالیات و دیگر امتیازات سیاسی اقتدار مختلف نیز درخواست گردد." (۱)

با این ترتیب مشاهده میکنیم که طرح شعار (دمکراسی) از جانب بورژوازی پاسخی بود به یک نیاز زمینی نظام اقتصادی، که در یک سیستم جامع نظریات اقتصادی و سیاسی، بنا لمیبرالیسم (آزادبخواهی) عرضه شد. انقلابها ای که امتیازات فئودالی رانها بود کردند، پیمان آزادی، برابری و حق مالکیت شدند. از آنجا که نیروی تمامه مساوی و طبقات جامعه و بویژه دهقانان برای پیروزی برفئودالیسم تا بر تعین کنند، ده ای داشت قوانین اساسی ای که برخی از انقلابات بورژوازی عرضه میگردند، قوانین دمکراتیک بود

۱- انگلس - آنتی دورینگ

مقاله آموزشی

بحثی پیرامون دموکراسی (۲)

و شروت متمرکزتر شده است. در نتیجه تفا درونی شیوه تولید سرما به داری که "اجتماعی بودن تولید" و "خصوصی بودن مالکیت" است، به حدی ترس شکل خود آشکار گشته است. اکنون بورژوازی که زمانی یک نیروی پیشرونده و انقلابی بود در سنگرمبارزه بر علیه فئودالیسم می‌جنگید، به یک نیروی ارتجاعی و بازدارنده تبدیل شده است، درستگرا رجاع بر علیه طبقه کارگر بیشتر و می‌جنگد و با جنگ و دندان میکوشد که جلوی رشد و تنگنا مل جامعه را گرفته و وضع را به نفع خود تثبیت نماید. اما وضعی که جز فقر و فلاکت برای توده‌های وسیع رنجبر و سودرسان برابری اقلیتی توانگر، هیچ ثمره‌ای در بر ندارد.

این تغییر در نقش اقتصادی بورژوازی، نمی‌تواند در موقعیت سیاسی این طبقه بی تاثیر باشد. بورژوازی در دوران امپریالیزم، دیگر یک نیروی دمکراتیک نیست (و نمیتواند باشد). جوهر اقتصادی امپریالیزم، انحصارات است و روبنای مناسب چنین اقتصاد است نه دمکراسی، بلکه منطقا رجاع سیاسی است. ارتجاع سیاسی با انحصار منطبق است و به همین دلیل است که امپریالیزم همچنانکه در سیاست خارجی خود انقیابا دطلب است و میکوشد آزادی و اخلاقیهای دیگر سلب نماید، در سیاست داخلی نیز خواستار سلب دمکراسی است.

در اینجا این سوالات مطرح میگرددند که: بر اساس واقعیات بیان شده آیا شکل "جمهوری دمکراتیک" در دوران امپریالیزم امکان تحقق ندارد؟

در اینصورت "جمهوری" های دمکراتیک موجود در کشورهای امپریالیستی کنونی (آمریکا - انگلیس و...) چگونه مستقر گردیده اند؟

پاسخ به این مسئله پاسخ میدهد: "جمهوری دمکراتیک" منطقا "با سرمایه داری" تفا ددارد، زیرا "رسم" شروت مند و فقیر را در یک زمینه در نظر میگیرد. و این تفا دای است میان رژیم اقتصادی ورو ساخت سیاسی، همین تفا د، جمهوری را در مقابل امپریالیزم قرار میدهد، و این تفا د تعمیق یا حاد شده است چرا که با نشین شدن انحصار رجاعی رقابت آزادانه، تحققیق یافتن همه آزادی سیاسی را با زهم دشوارتر میکند "لنین بر اساس بیانات انگلس توضیح میدهد که چگونه سرما به داری با یافتن شیوه‌های برای با صلح حل این تفا د (درواقع پوشانیدن آن) "جمهوری دمکراتیک" را برقرار میسازد و این "جمهوری دمکراتیک" وسیله‌ای برای پوشانیدن چهره زشت سرما به داری در یک لغافه زیبا میشود

اما آنچه که در عمل اجراء شد، حتی در ده همان قانون نوشته شده نبود. بلکه برقراری حاکمیت بورژوازی، بمعنی آزادی چپاول و غارت طبقات زحمتکش برای شروت مند و قدرتمندان فقط (آزادی فروش نیروی کار) برای کارگران و زحمتکشان بود. یعنی آزادی انتخاب این که کدام کارفرمایا کارخانه دار را ورا استعما رکنند!

"دمکراتیسم" بورژوازی جوان و انقلابی، محدود به چهار رجب منافع طبقاتی اش بود و به همین دلیل تفا ضای (دمکراتیک) شدن (همگانی شدن) از جانب بورژوازی، هیچگاه (حق مالکیت) را در برنگرفت و حتی انقلابی ترین و دمکراتیک ترین قوانین اساسی بورژوازی، هیچگاه خواست (عمومی شدن) مالکیت و شروت را مطرح نمودند. "دمکراتیسم" بورژوازی حتی در آن زمان که سرشار از خون زندگی بود و نیروی تاریخی داشت (دم سربیده)، (محدود) و (مشروط) باقی ماند.

بورژوازی برفئودالیسم پیروز شد و ما شین دولت را از سلطنت استبدادی فئودالی سارت برد. اما این ما شین دولتی (بورکراتیک) نظامی را دادگان نکرد. بلکه اثراتکامل بخشید و برای حفظ سلطه طبقه خویش بر دیگر طبقات آماده کرد.

در اینجا باید این مسئله مهم را بیان کنیم که قوانین "دمکراتیک" جمهوری بورژوازی یعنی همان قوانین که امروزه در پیشرفته ترین جمهوری های "دمکراتیک" بورژوازی جاری است در طول زمان متکامل شد و در این راه مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان نقش تعیین کننده ای در گسترش همین دمکراسی ما هینا "محدود و مشروط" داشته است. در ابتدای حکومت بورژوازی آن زمان که پایه های قدرت سرما به داری هنوز آنقدرها گسترش نیافته بود، طبقه سرما به داری حاکم از ترس (قدرت گیری توده ها) همین اصول ادعائی خود را نیز زیر پا گذاشت و در بسیاری از زمینه ها (مثلا برای زنان، کارگران و...) حق رای را ممنوع ساخت. اما همراه با گسترش مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و نیز همزمان با استحکام پایه های سرما به داری، این ممنوعیتها لغو گردید و ظاهرا همگان در مقابل قانون برابر گردیدند. (در ادامه مطلب خویش خواهم دید که این برابری واقعا چه معناست)

بورژوازی در روند رشد و تنگنا مل خویش، دوران رقابت آزاد را پشت سر گذاشت و به دوران امپریالیزم، دوران انحصارات گام نهاد. اکنون بورژوازی آخرین مراحل رشد خود را طی مینماید. تولید جامعه بطور وسیعی اجتماعی شده و از طرف دیگر مالکیت خصوصی همچنان پابرجاست

سرما به از طریق "جمهوری دمکراتیک"، سلطه خود را بطریق غیرمستقیم اما بسیار مطمئنتر اعمال میکند.

این شیوه‌ها چیست؟ ۱- تطمیع و فاسد کردن مستقیم ما مورسین. ۲- همبستگی و پیوند دادن میان حکومت و بورس. (در بحثهای آینده ما به بررسی ما هیت و مضمون این "جمهوری دمکراتیک" که در آن همه چیز از طریق سرما به و در بورسهای سرما به داران تعیین میگردد سخن خواهیم گفت) لنینیسم برپا به این تحلیل ما رکبستی، مسئله ظاهرا متناقض "جمهوری دمکراتیک" در دوران امپریالیسم را توضیح میدهد:

"و حال هنگامی که سرما به داری جایش را به امپریالیسم داده است، یعنی سرما به داری انحصاری جای سرما به داری ما قبل انحصاری را گرفته، در روابط مذکور در فوق چه چیزی تغییر میکند؟

تنها تغییر این است که اقتدار بورس افزایش مییابد. زیرا سرما به مالی عبارت است از سرما به بسیار بزرگ صنعتی که به مرحله انحصار رسیده و با سرما به با نگی درهم آمیخته است. بانکهای بزرگ با جذب کردن بورس در خود، با آن درهم می آمیزد"

بدینگونه لنینیسم با تحلیل علمی از امپریالیسم نشان میدهد که در دوران امپریالیسم این سرما به مالی است که حکومت میکند و حکومت سرما به مالی نیز از طریق "جمهوری دمکراتیک" بسیار مطمئن تر اعمال میگردد. چرا که "دمکراسی" اکنون بهترین لفاظی است که چهره زشت سرما به داری را از توده هامیپوشاند.

اما در پروسه حیات امپریالیسم درنده خو زمانی فرا میرسد که بر حسب ضروریات بقا سرمایه امپریالیستی، این لفاظیه زیبا دریده میشود و چهره واقعی امپریالیسم ظاهر میگردد. حکومت فاشیستی ارتجاعی، در واقع سرما به داری بی پوسته است.

اشکال فاشیستی دیکتاتوری بورژوازی چگونه صورت می پذیرد؟

در نتیجه داشتن تضادهای درونی سرمایه داری و بد نقطه اوج رسیدن آن، زمانی میرسد که بورژوازی ناگزیر میگردد که اشکال "دمکراتیک" حکومت را از میان بردارد. بحرانهای عمیق اقتصادی - اجتماعی بورژوازی را ناچار میسازد که نقاب (دمکرات منشئی) را از چهره بردارد و از (دیکتاتوری دمکراتیک بورژوازی) - بسط دهد (دیکتاتوری فاشیستی بورژوازی) گذر کند.

ظهور (دیکتاتوری فاشیستی) دقیقا مبتنی بر ویژگیهای عصر امپریالیسم می باشد. ویژگیهای امپریالیسم، یعنی تمرکز تولید و سرمایه به پیدایش انحصارات عظیم اقتصادی و تقسیم

جهان میان قدرتهای بزرگ امپریالیستی، موجب میگردد که تضادهای حاکمیت بورژوازی نیز که بر این پایه های اقتصادی استوار میباشند تمایل به تغییر شکل از حالت (دمکراتیک) به (ارتجاع اشکال) پیدا نمایند. آن هنگام که بحرانهای عمیق اقتصادی - اجتماعی کنونی از چاشیدن تضادهای درونی نظام سرما به داری میباشند، پایه های حاکمیت بورژوازی را بلرزه درآورد. و هرگاه جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان در چنین شرایطی اقتدر نیرومند دنیا شکده میتواند با ظهور فاشیسم مقابله کند، تمایل بورژوازی به تحقق خواهد بیست و بورژوازی دست به موهبر گونه "دمکراسی" و برقراری دیکتاتوری ارتجاعی فاشیستی خواهد زد. نظیر آنچه تا ریخ چهره آنرا به ما نمایانده است: فاشیسم هیتلری در آلمان، فاشیسم ایتالیایی و ...

نتیجه گیری نمائیم:

* - دمکراتیسم بورژوازی در دوره ای که بورژوازی از نظر تاریخی مترقی بود نیز بنا بر ماهیت طبقاتی آن محدود، مشروط و ناپایدار بود.

* دمکراتیسم بورژوازی در دوران امپریالیسم تبدیل به لیبرالیسم میماند پیوسته ای میگردد که در واقع چیزی جز (دمکراسی کاذب) نمیباشد.

* شکل گیری ارتجاع سیاسی در دوران امپریالیسم برپا به تمرکز سرما به و پدید آمدن انحصارات باعث میگردد که در شرایط مشخص تاریخی یعنی وجود بحران حاد اقتصادی - اجتماعی و نبود جنبش نیرومند طبقه کارگر و زحمتکشان، بورژوازی هرگونه دمکراسی را محو نموده و دیکتاتوری ارتجاعی فاشیستی را برقرار کند.

ادامه دارد

سوالات بخش اول دموکراسی چیست؟

با این سوالات (*) پاسخ دهید:

- ۱- تعریف های عامیانه در باره دمکراسی چه میگوید؟
- ۲- آیا دمکراسی (خالص) میتواند وجود داشته باشد؟ چرا؟
- ۳- رابطه (دمکراسی) را با شیوه تولید بجهت شما شنید. (در این رابطه نقش (دمکراسی) در دورانهای مختلف نکات ملحا معرا توضیح دهید)
- ۴- تفاوت یک لیبرال با یک مارکسیست در برخورد به مسئله دمکراسی، چیست؟ این تفاوت از کجانشی میشود؟

(*)- توضیح: این سوالات مربوط به بخش اول همین مقاله است که در شماره ۱۰۱ پیکار منتشر یافته است.

بقیه از صفحه ۲۷ پاسخ...

و گزارشات تا کید میکنیم که در مورد مطالب افشاگرانه و چه در مورد اخبار و گزارشات بکوشند بدون کوچکترین برخورد غلوا میز خبر را بصورت صحیح، موثق و دقیق ارسال دارند. هرگونه برخورد غیر مسئولانه ای با این مسئله برخوردی لیبرالی است که میبایست بصورت جدی مورد انتقاد قرار گیرد.

همچنین نامه های متعددی از رفقا در مورد یادنامه رفقای شهید میرسد و از دقیق نبودن برخی مطالب در مورد زندگی مبارزات رفقای شهید و یادنامه های برخی نکات انتقادی میکنند. گرچه ما انتقادات رفقا را منعکس کرده و اقدام به تصحیح مطالب نام درست میکنیم اما ما این اشتباهات، ضربه جدی بر اعتماد توده ها نسبت به ما زمان و مطالب مندرج در پیکار میزنند و از اعتبار ما زمان در میان توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی میکاهد.

نمونه این اشتباهات در زندگی نام رفقا صدی، مالک عباسی و ... رخ داده بود که با تذکر رفقای کمیته خوزستان تصحیح شدند.

از اینرو از کلیه رفقا میخواهیم که در تهیه گزارشات و بیوژی زندگی نام رفقای شهید نهایت دقت را بعمل آورند و مطالب خود را احتما از طریق رفقای مسئول ارسال دارند. تا پس از کنترل رفقا و احیا نا حذف نکات نام درست و غلط روشن برای درج در پیکار ارسال شود.

پیروزی باشد!

طرحهای رسیده از طرف رفقای سازمان و هواداران:

۱- دانش آموزی شرق م. ش. ل. - شیراز ۲۲ - میم کردستان ر. ح. - شعرو طرح خدمات (هنر-ک) الف ۱۳ - طرح از "جفا تو" - طرح از ر. عادل - علی شرق تهران، کارآموز چاپ - رفقای آغاچاری دزفول - از تبریز، قارداش - ۵ طرح ارسینا - ۱۱ طرح آرم تحت نام "ارومیه های رعیت" ۲ طرح توسط رفیق امیرازارومیه برای نشریه ارسال گشته، رفقا از ما خواسته اند که به کارهای آنها برخورد شده و در صفحه "پاسخ نامه ها" رهنمودهای لازم داده شود.

لازم به توضیح است از آنجا شیکه برخورد به آثار رهبری رفقا با در نظر گرفتن محدودیت صفحه پاسخ به نامه ها مقدور نیست (با استثناء برخی آثار) لذا از رفقا میخواهیم که با نام مستعار و ذکر منبع ارتباط سازمانی آثار خود را بفرستند تا از طریق پاسخ کتبی به آنها برخورد شود.

پیروزی باشد. کمیته هنری سازمان

با بررفقای کنه ما فرستاده اند:

م. ۳، دانشجوی، جام سا بلام - ع. ۲۳ - فواد، س. ۱، دوف - محلات غرب - ز. ه. - ص. ب از محلات - ص از کرج - کارگروه ادار فرهاد از میاندوآب - محتسبی از ملایر - ن. ب. - مسئول جمع تشکیل دهنده کانون - ۱، ۴، از تارکات د. د. سعید، ج. -

جنبش کارگری و بحران سرمایه‌داری در لهستان

روز جمعه ۷ فروردین ساعت ده و نیم صبح سوت کارخانجات بصادرات آمدوبعدت چهار ساعت ده میلیون کارگردست از کارکشیدند. چرا کارگران اعتصاب کردند؟ آنها خواهان دستگیری و محکومیت افرادیلیس مرتجع لهستان بودند که کارگران اعتصابی شهر "بیدگوخ" را مورد حمله و ضرب و شتم قرار داده و بیست نفر از آنان را دستگیر نموده بودند پس از این اعتصاب عظیم وسیع و تفاوتی رژیم نسبت به خواسته‌های کارگران طرح اعتصاب جدیدی مطرح میگردد. دولت بسا توجه به بحران اقتصادی موجود و ادمذا کمره با رهبری اتحادیه‌های آزاد میگردد و با لآخره روز دوشنبه ۱۰ فروردین بین دولت و رهبری اتحادیه‌ها موافقتی حاصل شد اما با افزایش براساس آن مقرر میشود که دولت، افرادیلیسی که کارگران را مورد ضرب و جرح قرار داده اند به مجازات برساند و در مقابل اتحادیه‌های کارگری نیز با اعتصاب عمومی را لغو کرده و به "آرامش کشور" کمک کنند. این تصمیم گیری که بر اساس فتنه بورژوازی - رویزیونیستی‌های خاکم و فرمیسم و سازشکاری اکثریت رهبری اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت، اگرچه توانست بطور مقطعی از اعتصاب عمومی مانع بعمل آورد، لیکن هرگز قادر نخواهد بود تا جنبش کارگری را خاموش کرده و بحرانی را که سرپای جامعه سرمایه‌داری لهستان را فرا گرفته‌ترفع نماید. بحران سیاسی اجتماعی موجود بحرانی گذرا نیست. این بحران ناشی از اضلال و گندیدگی سیستم حاکم بوده و ریشه در مناسبات طبقاتی و تضادهای آشتی ناپذیری که از این مناسبات برمیخیزند، دارد.

استقرار سرمایه‌داری در لهستان (مانند تمام کشورهای رویزیونیستی) نمیتوانست به هرج و مرج در تولید و بیروزی بحران در اقتصاد نیانجامد. بحرانی که ماهی سیستم بوده و بیش از پیش وابستگی اقتصاد حاکم به اقتصاد دجهانی امپریالیستی و بخصوص سوسیال امپریالیسم را بدنبال دارد. در حال حاضر اقتصاد لهستان نه تنها شدیداً مختل بوده و این کشور برای نیازهای اولیه مانند مواد کشاورزی و خوراکی محتاج امپریالیست‌ها میباشد، بلکه علاوه از نقطه نظر سرمایه‌گذاران بسیار شدیداً به امپریالیست‌ها و از جمله امپریالیسم غرب نیازمند است. در حال حاضر لهستان ۲۷ میلیارد دلار به کشورهای امپریالیستی اروپائی و آمریکائی بدهکار است و لهستان با توجه به انبوه مشکلات مالی خود قادر به بازپرداخت این وامها نیست و به همین منظور مجبور است از یکطرف با بازپرداخت وامها را با بهره سنگین تری تعویق بیندازد و



با بازهم وام‌های جدیدی جهت بازپرداخت قروض قبلی از امپریالیست‌ها گدائی کند. در سال جدید لهستان می‌بایست ۳ میلیارد دلار جهت سرسیدوا مهابازپرداخت، ولی از آنجا که بهیچوجه قادر به چنین کاری نیست، ازبانه‌های غربی تقاضای کمک کرده است. در همین ارتباط سه شنبه ۱۱ فروردین، ۶۵ بانک و موسسه اعتباراتی غربی در لندن تشکیل جلسه دادند و قرار شد ۲۰۰ میلیون دلار به امپریالیست‌های غربی بپردازند. برای تامین یک میلیارد دلار برای ما نشده لهستان تا و ام جدیدی تقاضا نمود که در همین رابطه امپریالیسم فرانسوی ۸۰۰ میلیون دلار در اختیار بورژوازی لهستان قرار میدهد و امپریالیسم آلمان نیز اعلام نموده که به کمکهای خود به لهستان ادا خواهد داد. بدین ترتیب ملاحظه میکنیم درحالی که لهستان وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی است و وابستگیهای جدیدی نسبت به "کومکون" (۱) دارد، در عین حال امپریالیست‌های غربی دارای نفوذ وسیعی در آنجا می‌باشند. البته امپریالیسم شوروی هرگز نمیخواهد یکی از اقمار خود به جنگال رقیبان بساقتد، اما بحران اقتصادی و محدودیتهای مالی شوروی این امکان را به او نمیدهد. آنطور که موردنیاز اقتصاد دورگشته لهستان است کمک کند. وابستگی‌های اقتصاد لهستان به امپریالیست‌های مختلف از یکطرف و استثمار و غارت طبقه بورژوازی حاکم از طرف دیگر نتیجه ای جز فقر و فلاکت روزافزون توده‌ها و بخصوص طبقه کارگر در بر ندارد. تورم و گرانی، عدم افزایش دستمزدها، کمبود مایحتاج اولیه زحمتکشان و دستمگرایی سیاسی و فقیه‌دان دمکراسی بیش از پیش کارگران را بیسوی اعتصاب و مبارزه سوق میدهد. برخلاف تبلیغ رویزیونیست‌های خائنی که اعتصاب و مبارزه کارگران را ناشی از "تحریک عوامل ضد سوسیالیسم" میدانند، باید گفت که در حقیقت امر، این مبارزه ریشه در مناسبات طبقاتی موجود دارد. اینکه ده میلیون کارگر به اعتصاب می‌پیوندند، نشان‌دهنده راضایی‌ها و اعتراضات کارگران و در نتیجه خواسته‌های عادلانه آنها می‌باشد. بنابراین مبارزات کارگران لهستان ملهم از تضاد آشتی ناپذیر طبقه کارگر و بورژوازی

است. اما پرواضح است که امروز طبقه کارگر لهستان فاقدایدنولوژی مارکسیستی لنینیستی و تشکل طبقاتی خودی باشد و به همین خاطر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون حکومت لهستان میکوشند تا برجانبش طبقه کارگرسوار شده و آنرا ابزار تحقق اهداف خود سازند. این واقعیتی است که در حال حاضر این نیروهای بورژوازی - فرمیست که در ضمن متمایل به امپریالیسم غرب میباشند در رهبری اتحادیه‌های کارگری نفوذ قابل توجهی دارند، اما پتانسیل و قدرت جنبش کارگری و عمق خواسته‌های کارگران، بتدریج کارگران را در برابر رهبری اتحادیه‌ای قرار خواهد داد. بنحوی که در همین وقایع اخیر، زمانی که قرار داد لغو اعتبار میان دولت و رهبری اتحادیه‌ای منعقد شد، این توافق مورد مخالفت شدید کارگران آگاه و نمایندگان آنان واقع گردید. در حقیقت از میان رهبران اتحادیه‌ها ۲۵ نفر موافق لغو اعتبار، ۵ نفر مخالف لغو اعتبار و ۶ نفر برای امتنع دادند. کارگران انقلابی میگفتند زمانی که دولت به سرکوب مستقیم کارگران دست زده و خونریزی شده تنها بدین دولت سازش کرده و به همین خاطر "والسا" را مورد انتقاد شدید خود قرار میدادند. اما "والسا" در جواب میگفت: "ما در پی از هم پاشیدن دولت نیستیم بلکه قصد داریم با آن دست و پنجه نرم کنیم. در واقع بورژوازی - فرمیست‌ها می‌مانند "والسا" خواهان انقلاب نیستند و به همین خاطر تمام قوا از مبارزه مستقل طبقه کارگر و ایدئولوژی آن جلوگیری نموده‌اند. این جنبش کارگری را برای درهم شکستن ما شین دولتی، و استقرار سوسیالیسم نمیخواهند، اینان ضد سوسیالیسم هستند و جنبش کارگری را برای اهداف بورژوازی خود میخواهند. این واقعیتی است که اینان نیز مخالف رژیم حاکم میباشند، اما با بدتوجه داشت که بورژوازی لیبرال هرگز نمیتواند مورد حمایت کمونیست‌های راستین باشد. زیرا آنان نه تنها اهداف ضد انقلابی خاص خود را تعقیب میکنند، بلکه همچنین سیاستشان در هماهنگی با امپریالیسم غرب و کلیسای کاتولیک قرار دارد. به این لحاظ ما همانگونه که از بورژوازی - رویزیونیست‌های حاکم دفاع نکرده و آنها را دشمن سوسیالیسم و طبقه کارگر میدانیم، بورژوازی لیبرالها نیز هرگز دفاع نخواهیم کرد. این نیروها تکیه گاه امپریالیسم غرب هستند، و مورد حمایت مشخص آنان میباشد.

در حال حاضر، لهستان مورد توجه شدید امپریالیست‌های غربی است. البته میان آمریکا و اروپا سیات دقیقاً یکسانی وجود ندارد. آمریکا به لحاظ رقابت شدید کنونی خود با شوروی، خواهان اعمال نفوذ آشکارتری در لهستان است، لیکن اروپای غربی دارای سیاست مدارا جویانه تری میباشد. پرواضح است که امپریالیست‌های غربی خواهان نفوذ گسترده تری در



آغاز سال و تجدید عهد با شهیدان



روز ۷ فروردین در اولین جمعه سال نو سازمان پیکار، هواداران و جمعی از خانواده های شهدای سازمان با نشان رگل بر مزار شهدای بخش منشعب سازمان پیکار در بهشت زهرا خاطره رفقای شهید را گرامی داشتند. گل آذین مزار شهدا، برای تجدید میثاق انقلابی با رفقای شهیدی است که خون خود را در راه آزادی و زحمتکشان و آزادی طبقه کارگر نشان داده اند. یادشان را گرامی می‌داریم و به راه سرخشان تا آخرین قطره خون وفادار خواهیم ماند.

همچنین روز شنبه ۱۵ فروردین بمناسبت **جهلم پیکار** رگرمونیست رفیق شهید "غلامرضا صداعت پناه" مراسم از طرف سازمان و دوستان شهید در قطعه ۸۵ بهشت زهرا برگزار شد. در این مراسم حدود ۳۰۰ نفر شرکت کرده بودند. در ابتدای مراسم بعنوان بزرگداشت این بیک پرشور انقلاب یک دقیقه سکوت اعلام شد، آنگاه بمناسبت شهادت سرخ رفیق غلامرضا در راه آزادی طبقه کارگر، رفقای حاضر در محل سرود انترنا سونال بقیه در صفحه ۱۰

آری پرولتاریای لهستان باید بر اساس ما رگرمونیستیم، خود را آماده انقلاب سوسیالیستی نماید و از طریق درهم شکستن قهری ما شین دولتی، سوسیالیسم را بزقرا نماید.

(۱) - کشورهای بلوک "شرق" (سوسیالیست) امپریالیسم شوروی و کشورهای بورژوازیونیستی اروپای شرقی و مغولستان، ویتنام و کوبا (داری با زار مشترکی بنام "کومکون" هستند که تحت سیطره سوسیالیست امپریالیستی روسی قرار دارد. و روابط اقتصادی با زرگانی بین این کشورها را کنترل میکند.

لهستان ورهبری جدید حزب و نیز ارتش لهستان از دست نداده است. بخصوص آنکه خیرا رویزیونیستهای لهستان، بر نامه ملاحظات عوامفریبانه - ای مبتنی بر محدود نمودن با نسور، تا مین ۳ میلیار ددلار خوا روبا را زخارج و محاکمه برخی از رهبران گذشته را شه نموده اند. با لطمه مداخله شوروی، در لهستان موج وسیعی از تبلیغات ضد شوروی در سطح جهان بوجود می‌آورد و این امر مرکز نمی‌تواند خوشایند شوروی باشد. البته امپریالیسم شوروی اگر منافعی اقتصادی کند و سلطه استعماری خود را در خطر حتمی ببیند، بلائک به هرگونه اقدام تجار و کارخانه‌های دست خواهد زد. لیکن با توجه به کل مسائل فوق، روسها، در شرایط فعلی خواهان مداخله نیستند و پایان یافتن ما نورهای نظامی پیمان ورشو در لهستان و طرح این مطلب از جانب برژنفس مرتدد رنگر ها خیر چکسلواکی که "حزب کمونیست لهستان به تنهایی قدرت حل بحران کنونی را دارد" شاهد این مدعا است.

بنابراین در لهستان سرمایه‌داری امروز سه جریان طبقاتی با یکدیگر در تقابل می‌باشد: ۱- امپریالیسم شوروی و بورژوازی لهستان که با تمام قوا میکوشند با سرکوب و تشدید استثمار طبقه کارگر سیستم حاکم را حفظ کنند. ۲- امپریالیستی غربی، کلیسای کاتولیک و نیروهای بورژوازی - لیبرال داخلی که در پی آنند تا سیستم رویزیونیستی موجود را بیفک نفوذ بیشتر غرب دچا ر تغییر نموده و در این راه خائنه سعی میکنند تا از طریق رهبری اتحادیه‌های آزاد، جنبش کارگری را به ابزاری در خدمت اهداف ضد انقلابی خود تبدیل نمایند. ۳- جنبش کارگری که با توجه به تعمیق بحران عمومی لهستان، بیش از پیش اوج میگردد و بطور روزافزون در حرکت خود بخودی خود به تمام سرمایه‌داری لهستان را تشنگار می‌سازد. بنا بر این میان کارگران و رهبری سازنگار مشخص ساخته و زمینه را برای حرکت مستقل طبقه کارگر فراهم می‌سازد. پرولتاریای لهستان فقط با افشای رهبران سازنگار و متما بزم نمودن صف خود از صف رویزیونیسم، با کسب آگاهی ما رگرمونیستی - لنینیستی و با وجود آوردن حزب مستقل خود میتوانند بورژوازی حاکم پیروز گردند. پرولتاریای لهستان باید بداند که دولت حاکم علمبرگم عوامفریبی‌ها پیش یک دولت سوسیالیستی نبوده بلکه دولت رویزیونیستی و مداخله بورژوازی فاندچا کمپر لهستان است، پرولتاریای لهستان باید بداند که کلیسای کاتولیک ابزاری دست امپریالیستها بوده و هرگز نمی‌تواند طبقه کارگر را از دست طبقاتی نجات بخشد. پرولتاریای لهستان باید بداند که بورژوازی - لیبرال‌های ما نند "والسا" دشمن ما رگرمونیسم - لنینیسم یعنی تنها ایدئولوژی نجات بخش پرولتاریا می‌باشد. هیچ امیدی نمیتوان به چنین افرادی بست.

لهستان می‌باشد، اما با بد توجه کرد که امپریالیستهای اروپای غربی و بخصوص فرانسه و آلمان غربی این هدف را با اعتدال بیشتری تعقیب می‌نمایند، زیرا آنان با شوروی دارای "روابط دوستانه تری" می‌باشند. و از سرمایه - گذارهایی فعلی خود در لهستان سودرسانی می‌برند. امپریالیستهای غربی و بخصوص آمریکا اگر چه متمایلند که در لهستان قدرت متمایل به غرب روی کار آید و لهستان جز بلوک امپریالیستی غرب گردد، لیکن این مسئله فقط یک آرزوست و در شرایط کنونی بهیچوجه قابل تحقق نیست، زیرا امپریالیسم شوروی همانگونه که در چکسلواکی نشان داد، بشدت در برابر برچینیس چیزی بمقابله بر می‌خیزد، هر چند که این واقعیتی است که در حال حاضر با توجه به مشکلات اقتصادی شوروی و بحران لهستان، امپریالیستهای غربی میکوشند تا سیستم رویزیونیستی وابسته به شوروی را تضعیف نموده و حیطة نفوذ وسیعتری را در لهستان بوجود آورند. بورژوازی امپریالیستی غرب در همان حال که از بورژوازی حاکم در لهستان حمایت میکند و این حمایت را با راه از طریق ارائه وامهای اقتصادی و کمکهای غذایی به نمایش گذاشته است، اما در همان زمان با پشتیبانی از رویزیونیسم شوروی و از جمله عناصری از رهبری اتحادیه‌ها مانند "والسا" میکوشند تا در مناسبات قوای طبقاتی تغییراتی بوجود آورده و زمینه نفوذ ماسعدتری را برای خود فراهم سازند.

بدین ترتیب، از یک سو بر بستر بحران اقتصادی جنبش او جگر بند کارگری و از سوی دیگر رقابت طلبی امپریالیستهای غربی برای نفوذ بیشتر در لهستان و بطور کلی کشورهای اروپای شرقی، وضع نگران کننده‌ای را برای سوسیالیست امپریالیسم شوروی و کارگران لهستانی - اش بوجود آورده است. آنها نگران فروپاشی قدرت سیاسی حاکم می‌باشند. رویزیونیستهای لهستانی ابتدا "گیرک" و در ادامه اش را کنار گذاشتند و در حال حاضر در صدمه محاکمه وی بعنوان "مشتول اصلی" بحران اقتصادی می‌باشند. آنان میکوشند تا با قربانی کردن "گیرک" خائنه، جنبش را از هدف اصلی خود - به انحراف بکشانند. بعلاوه سوسیالیست امپریالیسم شوروی با راه و بطور غیر مستقیم تهدید به مداخله نظامی نموده و به ما نور نظامی در لهستان پرده خسته است. شوروی میکوشد تا بدین ترتیب جنبش کارگری را مرعوب ساخته و در ضمن به امپریالیستهای غربی هشدار دهد. اما پرواضح است که شوروی در شرایط فعلی مداخله نمی‌کند. شوروی با توجه به لشکرکشی به افغانستان و معضلات و مشکلات اقتصادی کنونی اش از یک سو و خطر محاصره اقتصادی شوروی و لهستان از جانب غرب در صورت مداخله نظامی از سوی دیگر، موقعیت خود را جهت مداخله مناسب نمی‌بیند. بعلاوه شوروی هنوز امید خود را از قدرت عمل بورژوازی حاکم

در مورد اطلاق صفت بورژوا - دمکرات به مجاهدین

عده‌ای از رفقا پرسیده‌اند، چرا سازمان در مقاله پیکار ۱۶۴ مجاهدین بعنوان "بورژوا - دمکرات" نام برده است، در حالی که در گذشته از آنها بعنوان "خرده بورژوازی دمکرات" نام میبرد. آیا این بمعنای آن است که مجاهدین تحول طبقاتی یافته‌اند و یا موضع سازمان نسبت به آنها عوض شده است؟

در پاسخ باید بگوئیم که نه سازمان مجاهدین خلق ایران دچار تحول طبقاتی شده است و نه موضع سازمان نسبت به آنها بنماینده یک نیروی "خرده بورژوازی دمکرات" تغییر یافته است و بنین "بورژوا - دمکرات" خواندن و "خرده - بورژوازی دمکرات" نامیدن آنها نه هیچ تفاوتی نیست. چرا؟

از لحاظ اقتصادی، افاشار خرده بورژوازی، دارای ماهیت بورژوازی هستند و از نظر سیاسی زمانیکه سخن از "احزاب بورژوازی" میگوئیم منظورمان کلیه احزاب غیر پرولتری اعم از احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی است. فی المثل لنین در بررسی احزاب بورژوازی، از جریانات خرده - بورژوازی نظیر ترودویک‌ها، منشویکها، اس‌ارها نام برده و میگوید... بعنوان احزاب بورژوازی نام میبرد و همواره دهقانان را بعنوان یک قشر بورژوا - دمکرات مورد ارزیابی قرار میدهد. بدین ترتیب از نظر مارکسیستی افاشار خرده - بورژوازی دمکرات و نمایندگان سیاسی آن چنانکه از زمره "بورژوا - دمکراتها" محسوب میگردند، اما این بدان معنی نیست که هر "بورژوا - دمکراتی" لاجرم خرده بورژوا است. بورژوا - دمکرات گاهی اوقات نیز میتواند شامل بخشهایی از بورژوازی هم بشود. فی المثل در جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره چین از بورژوازی ملی چین بعنوان بورژوازی دمکرات نام برده میشود. بدین ترتیب "بورژوا - دمکرات" مفهوم گسترده تری است که هم شامل حال خرده - بورژوازی دمکرات و هم بخشهایی از بورژوازی که در شرایطی دمکرات هستند، میشود. البته در جوامعی نظیر روسیه و جوامع سرمایه داری وابسته کلا هیچ قشری از بورژوازی، دمکرات نبود و بالعکس فدا انقلابی و ارتجاعی است. بنابراین در چنین جوامعی "بورژوا - دمکراتها" تنها شامل حال خرده بورژوازی انقلابی میگردد. در ایران نیز بورژوازی در کلیت خویش ارتجاعی است و صفت بورژوا - دمکرات تنها به افاشار خرده بورژوازی دمکرات اطلاق میشود. بدین ترتیب با توجه به توضیحاتی که دادیم باید در نظر داشت که "خرده بورژوازی دمکرات" نامی است که مجاهدین با "بورژوا - دمکرات" خواندن آنها هیچ تناقضی ندارد و بالعکس عیناً "بریکدگر منطبق" است.



درباره اطلاق صفت "پیکارگر"

عده‌ای از رفقا در انتقاد به اطلاق صفت پیکارگر که در نشریات سازمان در قسمت‌های گوناگون و در موضوعات متفاوت مدام ذکر میشود پرسیده‌اند: آیا این نوع برخورد نشان دهنده سکتاریسم نیست؟ رفقا در رابطه با این مطلب مواردی را نیز ذکر کرده‌اند مانند "پیکارگران قهرمان"، "پیکارگران شهید" و یا "تظاهرات پیکارگران در آمل و سراوان" و حتی انتشار اعلامیه‌ها شی به "امضای پیکارگران کفش سازی"!

رفقا! بی شک آنچه ما به افتخار ما صفت کمونیست بودن ما است. آنچه باید در تبلیغات برجسته با شکمونیست بودن ما است. ما هرگاه که هر رفتگی دستگیر، شکنجه و اعدام میشود، هرگاه که تظاهرات در گوشه و کنار کشور برپا میکنیم، هرگاه که بعنوان "هواداران یک نیروی کمونیستی" به انتشار اعلامیه و... دست می - زنیم، هرگز نباید فراموش کنیم که تلاش ما در جهت آشنا کردن توده‌ها با کمونیسم و برجسته نمودن آن است. به واضح است که کمونیسم را بصورت مجرد نمیتوان و نباید توده‌ها تبلیغ نمود. باید ضمن تبلیغ و ترویج مواضع کمونیستی روشن کنیم که خط مشی فکری کدام جریان را تبلیغ میکنیم و نشان دهیم - وابستگی به کدام جریان سیاسی با مدعیان ما رکنیسم و کمونیستهای نا پیگیر مرزبندی داریم. باید به توده‌ها بیا موزیم که کمونیستهای پیگیری همچون سازمان ما... از "راه کارگر" و "اقلیت" به چه علت از نظر ایدئولوژیک متمایز هستند؟ و مواضع آنها در مقابل دشمنان طبقه کارگر و ریزینیستها چیست؟ بدین ترتیب باید در ترمیمی عرصه‌های مبارزاتی، هویت سیاسی - تشکیلاتی خود را نیز تبلیغ نمائیم و کمونیسم را بصورت مشخص و نه مجرد در میان توده‌ها اشاعه دهیم و نمایندگان راستین طبقه کارگر را به آنها بشناسیم. از اینرو با انحلال طلبان و بسیاری از مدعیان ما رکنیسم که تبلیغ کمونیسم و کمونیست را بطور عام می پذیرند، اما طرح و جبهه مشخص و روشن نمودن هویت سیاسی - تشکیلاتی کمونیستها را نمی میکنند، مرزبندی کامل داریم. اما از طرف دیگر نباید درک - های سکتاریستی نظیر "فداشان" "گردیم کسه" "تنها ره‌ها" "را در" "بیوند فدا" "غلامه کرده و یا میکنند" "فدا" "تو افتخار ما" "برسر زبان شان بوده و میباید. اگر ما اصطلاح "پیکارگر

را بدنبال ذکر نام یک رفیق کمونیست شهیدمان میاوریم، نه از آنروست که "پیکارگر" را جایگزین واژه‌ی "پرافتخار" کمونیست" نمائیم، بلکه تنها بدلیل ضرورت روشن نمودن هویت سازمانی رفیق کمونیست و مشخص نمودن خط سیاسی - ایدئولوژیک این با آن رفیق شهید است که باید در کنار تبلیغ کمونیست بودن وی (و این مهمتر است) هویت تشکیلاتی وی را نیز ذکر کنیم. اما اگر این مسئله بدرستی درک نشده و بتدریج لفظ "پیکارگر" که یک انتساب تشکیلاتی است (و چه بسا موقتی باشد و حزب کمونیست با نام دیگری جای آن را بپرکند) بجای لفظ کمونیست بنشیند، این امر انحراف سکتاریستی را به نمایش میگذارد. بی شک از اینرو ذکر مطالبی مانند تظاهرات "پیکارگران در آمل و سراوان" و یا انتشار اعلامیه‌ای به امضای "پیکارگران کفش سازی" و امثالهم نادرست بوده و انحرافی ارزیابی میکنیم. از اینرو ما ضمن مرزبندی با گرایش انحلال طلبانه و تکیه بر ضرورت روشن نمودن هویت سیاسی - ایدئولوژیک، تشکیلاتی در کلیه فعالیتها سازمانی خود، از همه رفقا میخواهیم که در فعالیتها خود چه کمونیسم و کمونیست را بیش از انتساب تشکیلاتی خود تبلیغ نمایند. و فی المثل بجای ذکر "پیکارگران کفش سازی" از اصطلاح هواداران سازمان پیکار" استفاده ننمایند و یا در مورد رفقای شهید از اصطلاحاتی نظیر "کمونیست قهرمان و پیکارگر شهید" استفاده نشود. نگاهی به نوع تبلیغ برسر شهید پیکار ۹۹ نمونه‌ای خوب در این زمینه است.

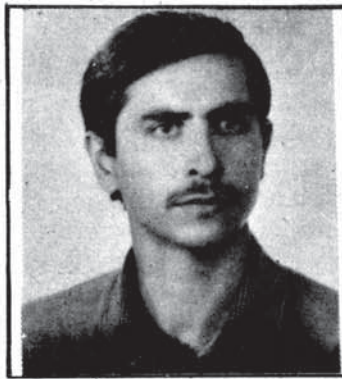
در مورد درج اخبار نادرست!

رفقای انتقاد کرده‌اند که برخی از اخبار پیکار درج رشتهاهایی است که عموماً جنبه غلو - آمیز دارد. فی المثل در مورد تظاهرات ۲۲ بهمن گزارش بصورتی غلو آمیز نوشته شده است و این از طرفی خلاف واقع است و از طرف دیگر تاسیر بسیار منفی بر روی افرادی که در جریان ما واقع قرار داشته‌اند میگذارد.

رفقا! نشریات کمونیستی از جمله نشریه "پیکار" بدلیل آنکه به اتکالی می‌اشود، با اتکا بر حقایق و بدون هیچگونه اتهام افترا و یا سخنی خلاف واقع، به افشای فدا انقلاب می - پردازند و از حقایق خود دفاع میکنند. همواره در نزد توده‌ها معتبر بوده و توده‌ها بدانها اعتماد دارند. در نشریه کمونیستی اگر مطلبی خلاف واقع و یا احیاناً "بصورت غلو آمیز و اشتباه درج شود شدت توده‌ها را نسبت به آن بی اعتماد می نماید و از طرف دیگر چنین برخوردی هر چند با نیت خیر همراه باشد، برخوردی غیر کمونیستی است.

از اینرو به کلیه رفقای ارسال کننده اخبار بقیه در صفحه ۲۴

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین آزاد باید گردد!



به سفرا انقلابی رفیق، نام "سیا ساخته" را داده است تا جنایت خود را از دیدتوده‌ها بپوشاند اما توطئه مرتجعین جمهوری اسلامی تنها خود آنها را افشا میکند.

از سرنوشت رفیق محسن فاضل کسه روز ۱۴ بهمن ۵۹، بدست پاسداران سرما به دستگیر شده، هنوز اطلاعی در دست نیست و تلاش ما درودیگر بستگان او برای ملاقات با رفیق محسن بجای نرسیده است.

رژیم جمهوری اسلامی پس از انتحار زینک اطلاعیه توطئه آمیز در مورد دستگیری رفیق فاضل که طی آن ادعا کردوی عازم "ما موریت سیا - سیا ساخته بود، توطئه سکوت را برگزیده است. رفیق محسن فاضل سالها علیه امپریا لیسیم و رژیم دست نشاند شاه مبارزه کرده و در چندین فعالیت انقلابی علیه مزدوران امپریا لیسیم شرکت نموده است. او مدتهای طولانی در کنارت خلق فلسطین و همشوش آنتان با امپریا لیسیم و صهیونیسم و ارتجاع عرب مبارزه کرده است. انقلاب فلسطین از توان علمی رفیق که در خدمت انقلاب قرار گرفته، مدد بسیار گرفته است و بهمین دلیل بود که رفیق فاضل بنا به خواست انقلاب فلسطین دوباره در مدد پیوستن به صفوف انقلاب خلق قهرمان فلسطین علیه صهیونیستهای غاصب و مرتجعین مطلقه بود. رژیم جمهوری اسلامی که ادعای همبستگی با خلق فلسطین را دارد در بارها کارانه

رفیق محسن فاضل در تاریخ ۵/۱۱/۵۹ از طرف "دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین" و با نامه‌ای با مضای هانی الحسن رسماً به وزارت امور خارجه معرفی شده (سند شماره ۱) و آنها نیز برای صدور گذرنامه، مراتب را به اطلاع دفتر نخست‌وزیری رسانده‌اند (سند شماره ۲). بدین ترتیب روشن میشود که رفیق محسن با دعوت "هانی الحسن" و برای خدمت به خلق فلسطین عازم منطقه بود اما رژیم چنانکه رژیم جمهوری اسلامی که خود را بدروغ طرفدار انقلاب فلسطین مینامد ما موریت انقلابی رفیق محسن را "ما موریت سیا ساخته" مینامد. آری همین تشبیهات ارتجاعی علاوه بر افشای ماهیت پلید رژیم ارتجاعی، توطئه‌های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی را بر علیه کمونیستها و انقلابیون و بر علیه انقلاب خلق فلسطین برملا میسازد.

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین بیش از دو ماه است که اسیر رژیم جمهوری اسلامی است، برای آزادی او، زندان انقلابی خلقهای ایران به مبارزه خود ادامه دهیم! زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده‌ها آزاد باید گردد!



سازمان آزادیبخش فلسطین
تهران
شماره: ۱۲/۱
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۵
وزارت امور خارجه
با درودهای انقلاب
دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین در تهران درودهای خود را تقدیم مینماید و با اطلاع میرساند که آقای محسن فاضل فرزند احمد یکی از برادران ایرانی که در صفوف انقلاب فلسطین بود، میبایستند خواهند است کتبی یا لایحه رایوی تقدیم فرمایند تا بتوانند به صورت انقلاب فلسطین بازگردند.
با تشکر و احترامات فائقه
انقلاب تا پیروزی
دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین - تهران

سند شماره ۱

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور خارجه
شماره: ۱۲/۱
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۵
وزارت امور خارجه
با درودهای انقلاب
دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین در تهران درودهای خود را تقدیم مینماید و با اطلاع میرساند که آقای محسن فاضل فرزند احمد یکی از برادران ایرانی که در صفوف انقلاب فلسطین بود، میبایستند خواهند است کتبی یا لایحه رایوی تقدیم فرمایند تا بتوانند به صورت انقلاب فلسطین بازگردند.
با تشکر و احترامات فائقه
انقلاب تا پیروزی
دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین - تهران

سند شماره ۲

بقیه از صفحه ۱۲
آرمان رهائی بخش طبقه کارگر به مبارزه ادامه داد. پس از تقیاب رفیق عزیز در میان دیپلمه‌های بیکار به فعالیت انقلابی می پرداخت. او که مسلح به ما رکیسم لنینیسم بود، با شناخت از ماهیت ارتجاعی رژیم جدید همچنان برای پیروزی انقلاب و در راه رهائی زحمتکشان به مبارزه ادامه داد. رفیق عزیز در جریان سیل خوزستان در سال گذشته، در کنارت کمونیست ها و

هوادران سازمان ما و رفقای رزمندگان بسیاری آسیب دیدگان شتافت. ارتجاع که بخاطر مبارزات خستگی ناپذیر این کمونیست قهرمان دشمنی طبقاتی و ارتجاع عیش را نسبت به او پنهان نمی کرد، یکدم از آزادی رفیق دست برنمی داشت. روز ۳۱ فروردین ۵۹، هنگامیکه رفیق در کنار جادوگرکم به سیل زدگان ایستاد بود مورد یورش پاسداران قرار گرفت و در اثر ضرباتی که بر سرش وارد کرد دیدبشاهت رسید.

چند هزار نفر از زحمتکشان منجد سلیمان در تظاهرات افشاگرانه‌ای از رفیق تجلیل کردند. رفیق عزیز محمدی، کارگر بیکار و کمونیست مبارزی بود که با هوادارانی از سازمان های جنبش کمونیستی و در راه سرخ سوسیالیسم، بزرگترین انقلاب، راه بردار انقلابی اش را ادامه داد و با ایمان به راه رهائی طبقه کارگر، در این راه تا ریخسایشها دست رسید. با شهیدان راه رهائی زحمتکشان گرامی باد!

تظاهرات ۲۲ بهمن:

یک تجربه و درس‌های آن

روز ۲۲ بهمن، سالروز قیام شکوهمند خلق‌های تحت ستم ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم، مراسمی از سوی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سایر رزمندگان آزادی طبقه کارگر، بمنظور بزرگداشت این روز، اعلام گردید که بدلائل متعددی، در مجموع با عدم موفقیت روبرو گشت، ارزیابی صحیح از علل این عدم موفقیت، و اشتباهات و انحرافات نهفته در آن، از آن روخا شایسته است که رویزیونیست‌ها و اپورتونیست‌ها، هریک به نحوی می‌کوشند تا با جا رو جنجال و هیاهو پیرامون این "تاکتیک" و اشتباهات چپ روانه مترتب بر آن، حقاقت خط مشی تاکتیکی اصولی و انقلابی سازمان و بطور کلی م. ل. ه. ای پیگیران در این شرایط به زیر سؤال بکشند و در زیر پرده غبار رخا سته از این جا رو جنجال و هیاهو، اپورتونیسم و رویزیونیسم عمیق خویش را حقاقت و اعتبار بخشد. لمدادن بر اشتباهات و اقدامات تاکتیکی چپ روانه و ناسنجیده، همواره از خصوصیات و روش‌های ممتاز اپورتونیسم است. اپورتونیست‌ها بوده است. آن‌ها همواره در کمین لغزش‌ها و اشتباهات مارکسیست - لنینیست‌های انقلابی و پیگیر مینشینند تا با هیاهو پیرامون آن‌ها، اصول و مبانی و سیاست تاکتیکی آن‌ها را بطور کلی "ورنگسته" اعلام کنند. بیادبیا و ریم‌آوریل ۱۹۱۷ روسیه را که چگونه منشویک‌ها، با علم کردن اشتباه تاکتیکی "گرایش چپ" در میان بلشویک‌ها، که در ماه آوریل، یعنی زمانی که بقول لنین کمونیست‌ها "اکثریت مردم را پشت سر نداشتند" شعار "مرکز حکومت موقت" را تبلیغ می‌کردند، بلشویک‌ها را به استهزا می‌گرفتند و از "ورنگستگی" آن‌ها سخن می‌گفتند (۱). البته اشتباه این گرایش "چپ" که لنین و کمیته مرکزی حزب بلشویک با آن به مخالفت برخاستند، در آنروز اشتباه بزرگی بود که در حوزه خط مشی تاکتیکی بگذرد و عمل می‌کرد و اشتباه امروز ما - ۲۲ بهمن - اشتباهی است، در حوزه یک حرکت عملی منفرد، هر چند که نباید این اشتباه را از جنبه ایدئولوژیک چپ روانه بطور کلی تهی نمود. اما صرف نظر از این تما ییز، که تا کید بر آن، برای جلوگیری از سوء استفاده فرصت طلبان و اپورتونیست‌ها و متزلزل‌لیسن‌فروزی است، آنچه که مهم است، این است که اغلبا رصریح این اشتباهات، در عین حال مبارزه ای است بر علیه راست‌ها و بر ملا کردن تلاش‌های مذبحانه آن‌ها در تها جم به خط مشی

انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی و ارتجاعی تکامل هر چه بیشتر خط مشی پرولتری، از این زاویه است که بر خورد به اشتباهات ما در ۲۲ بهمن از ظرافت و حساسیتی فوق العاده برخوردار می‌شود. چرا که بدون تردید با زهر است که در کمین این اظهار صریح ما به اشتباهات خودمان نشسته اند. اما به قول لنین "ما دیگر نمی - ترسیم از اینکه دشمنانمان بر لغزش‌های ما بخندند". (۲) اما از این روست که ما می‌کوشیم تا تجارب و درس‌های این حرکت و اشتباهات آنرا بطور خلاصه مورد بررسی انتقادی قرار دهیم.

اشراط عینی جنبش و خط مشی عمومی تاکتیکی:

خملت اساسی شرایط کنونی جنبش، در اعتدالی انقلابی آن است. علیرغم همه نا موزونی‌ها و تنوعاتی که در عرصه‌های مختلف و بخش‌های متفاوت جنبش از لحاظ سطح تکامل و نیز اشکال مبارزه وجود دارد، لیکن شاهدیم که هر روز، توده‌های بیشتری به سمت مبارزه بر علیه نظام سیاسی - اقتصادی کنونی کشانده می‌شوند و این همه بر بستر بحران اقتصادی عمیق و خردکننده - ای جریان دارد که خود هر چه بیشتر بر سطح و عمق ناراضی توده‌ها و دامنه مبارزه آن‌ها می - افزاید. ویژگی وضعیت عینی مبارزه توده‌ها، صرفا در این نیست که آن‌ها دچار ناراضی عمیق از وضع موجود می‌شوند، بلکه همچنین در اینجا است که این ناراضی، نیروی محرکه ای است که توده‌ها را در شرایط کنونی، به میدان مبارزه و حرکت انقلابی میکشاند. ناراضی از وضع موجود، علیرغم تمام توهماتی که در ذهنیت توده - ها نسبت به آلترنا تیوهای ارتجاعی در جامعه وجود دارد، آن‌ها را نه به آادی تسلیم و رضا و پاسیفیسیم سیاسی (هر چند که این روحیه در میان نیروهای اجتماعی معینی به درجات متفاوت وجود دارد)، بلکه به صحنه مبارزه میکشاند. روحیات انقلابی و شور و شوق مبارزه را در میان آن‌ها توسعه می‌دهد و جوهر انقلابی را در مبارزه بخش‌های هر چه بیشتری از توده‌ها فزونی می - بخشد. همین خملت اساسی جنبش در شرایط کنونی است که خملت اساسی تاکتیک‌ها و بسته عبارت دیگر خملت اساسی خط مشی تاکتیکی را در این شرایط تعیین و مشخص می نماید. خملت تعریفی تاکتیک بطور کلی در شرایط کنونی، از آنجاست که جنبش در این شرایط بطور کلی خملت تعریفی بخود می‌گیرد و این یک نیز

بدین معناست که مبارزه توده‌ها، در مقیاس نسبتا وسیع، در بستری حرکت میکند، که پیوسته دایره قانویت نظام اجتماعی و سیاسی حاکم را مورد تعرض خویش قرار میدهد. تاکتیک تعریفی، در این شرایط به معنای آن است که کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی، شمارها و شکالی از مبارزه را مطرح سازند، که بتواننده مناسبت‌ترین و بهترین وجهی، مبارزه تعریفی توده‌ها را جهت و سازمان دهد. سیاست نیروهای آگاه پرولتری، این نیست که در اشتباهات این شمارها و اشکال مبارزه، چنان رویه‌ای در پیش گیرند، که مبارزه توده‌ها را به عقب میکشاند، کاری که اپورتونیست‌ها و مانع‌انداز می‌دهند. همچنین وظیفه آن‌ها این نیست که خویش را بجای توده‌ها قرار داده و حرکات ما را جویا نه خویش را، بنام تاکتیک تعریفی اطلاق نمایند. وظیفه آن‌ها این است که به ما زمان بدهی مبارزه خود را نگینخته تعرضی توده‌ها، در هر عرصه‌ای که جریان دارد، مبارز و رزندگان را در شرایط مناسب و مناسبه در جهت سیاسی انقلابی این مبارزه

مشروع شود. از لحاظ شکل مبارزه، تظاهرات خیابانی، حول خواست‌ها و شعارهای مناسب توده‌گیر، و یا به مناسبت حوادث و جریان تاریخی - سیاسی معین، جای ویژه‌ای را اشغال میکند. طبعا روشن است که میزان بکارگیری این شکل از مبارزه، بسته به سطح و درجه رشد جنبش و اعتدالی انقلابی می‌باشد و قانوت تعیین شده‌ای در این زمینه وجود ندارد. اما آنچه که اهمیت دارد، اینست که سطح و میزان پیشرفت مبارزه توده‌ای در شرایط کنونی، این شکل از مبارزه را در دستور قرار میدهد. و این نکته مهمی است که در اشتباهات مبارزه، در شرایط کنونی باید بدان توجه نمود. اولویت چنین شکلی از مبارزه در شرایط فعلی، یکی از اختلافاتی است که مرز ما را با اپورتونیست‌ها روشن می‌سازد. آنان، علیرغم اینکه بعضا در حرف نیز چنین نگویند، بدلیل انحراف در ارزیابی از شرایط کنونی جنبش (و نیز بدلیل برخورد‌های راستی که به اشکال مختلف با رژیم سیاسی کنونی می - نمایند)، در اولویت اشتها چنین تاکتیکی در لحظات مناسب، تردید دارند و این تردید خود را در پس‌ا و اگرها و شروط و شروط بیشمار مستور می‌سازند. آن‌ها با پیروی از اصل اپورتونیستی "عدم تعیین"، چیزی که خود به درستی به

زنده باد سوسیالیسم!

«اکثریت» نسبت میدادند، (۳) از آنجا که تحلیلی روشن و صریح از روند عمومی جنبش خلـــــــبــــق گریزانند و اگر تا دیروز چشم انداز رکود را تصویر میکردند، امروز که واقعیت‌ها بیش از پیش خود را تحمیل میکند، با مثله کردن واقعیت‌ها، برشمردن ویژگی‌ها، برآکنده کردن نمودها، و سرانجام با عبارت پردا زیبا و دست‌با زیدن به جملات کنش‌آر و نا مشخص، گریبان خویش را از آرا که یک تحلیل روشن و صریح که جهت و خلصت عمومی جنبش یعنی وضع جنبش توده‌ای را نشان دهد، خلاص می‌نماید. (۴)

نظرات خیابانی در این شرایط، بر حسب نوع، مضمون و ترکیب خود به دو صورت با دوهدف میتواند سازمان‌یابد. نوع اول نظراتی که نقطه آغاز آن یک حرکت خودانگیخته توده‌ای، حول یک خواست و شعار اقتصادی یا سیاسی معین و ملموس است. خلصت چنین نظراتی، خود – انگیزگی و خودبخودی بودن آنست که از بطن مبارزه خودتوده‌ها جوشیده است و کمونیت‌ها و نیروهای آگاه، تنها جهت و سازمان‌دهنده این نوع نظرات میبایند. طبیعی است که در چنین نظراتی، نیروهای آگاه، علیرغم کوشش در جهت ارتقاء توده‌های شرکت‌کننده و رادیکالیسم کردن آن، میبایست شعارها و حرکت خویش را با مضمون حرکت، سطح آگاهی و شعارهای خود – انگیزه، منطبق سازند. نوع دوم نظراتی است با خلصت تبلیغی، که از جانب نیروهای آگاه انقلابی به منظور ارتقاء آگاهی و ذهنیت توده‌ها و با هدف تبلیغی (همچون دیگر اشکال تبلیغ)، سازمان داده میشود. این نوع نظرات که را بطه مستقیم با فضای سیاسی حاکم بر جامعه دارد، حول شعارها و خواسته‌های سیاسی و دموکراتیک مشخصی که در یک مقطع معین در میان توده‌ها جذب دارد و با توجه به جمیع ملاحظات تاکتیکی و تکنیکی، میتوانند برقرار شود.

در شرایط کنونی روند جنبش بگونه‌ای است که بکارگیری نظرات (در هر نوع آن) را به مثابه یکی از اشکال مبارزه توده‌ای و فعالیت سازمان‌های سیاسی، (و نه لزوماً شکل عمده آن) جایز و ضروری میسازد. درک این نکته، اولین شرط برخورد صحیح به نظرات ۲۲ بهمین میباید

۲- شرایط ذهنی توده‌ها و تأثیرات آن در تاکتیک کمونیت‌ها:

اگر در عین مبارزه توده‌ها و انقلابی آن یک واقعیت است، توهمات بخش‌های وسیعی از آنها نسبت به قطب‌های مختلف سیاسی ارتجاعی در جامعه نیز واقعیت دیگری است که در جامعه عینیت و حضور داشته و بطور قطع در تاکتیک‌های کمونیت‌ها، موثر واقع میشود. با رها نسبت به این مسئله سخن گفته‌ایم و از این رود را بنجا وارد این بحث نمی‌شویم. اما بطور خلاصه با بدگفت‌ها که اگر تا دیروز با

اصلی توهمات مردم، نسبت به جناح به اصطلاح ضدا میریالیست رژیم قرار داشت، در شرایط کنونی این توهم در بخش عظیمی از توده‌ها، کما بیش نسبت به جناح «حزب» فروریخته و به سوی لیبرال‌های «آزادخواه»^۱ «چرخش یافته است» واقعیت این است که بخش وسیعی از توده‌های زحمتکش، علیرغم ناراضی از وضع موجود و مبارزه بر علیه آن، راه نجات و طریق رهایی را در اپوزیسیون لیبرالی درون حکومت یا خارج از آن تحت رهبری بنی صدر، جستجو میکنند. این وضعیت، بعلاوه وضع عینی و ذهنی جنبش کمونیتی، آرایش قوای سیاسی را در جامعه در شرایط کنونی به نفع لیبرال‌ها سوق داده و شرایطی را فراهم آورده است که نیروهای دمکرات را نیز در اضمحلال خویش میکشاند و نفوذ لیبرالیسم را در حرکت و خط مشی آنها، پیوسته تسهیل میگرداند. این شرایط ذهنی و آرایش سیاسی نیروها از یکسو ضرورت تقویت تدارک قطب کمونیتی و آلترنا تیو پوزیسیون را بیش از پیش فزونی میبخشد و از سوی دیگر کمونیت‌ها را در ارتقاء ذهنیت کنیکی و بویژه نظرات خیابانی مقید به در نظر داشت جمیع این شرایط مشخص میگرداند.

واقعیت این است که هم‌اکنون لیبرال‌ها و بویژه بنی صدر، در برپایی هر مراسم، به هر شکلی توده وسیعی را بدنبال خویش میکشاند. اکنون حتی در کارخانه هادی‌رمیان کارگران نیز میتوان این توهم و متقابلاً نفرت از جناح رقیب، یعنی حزب را مشاهده نمود. درست به همین دلیل است که کمونیت‌ها میبایست از تاکتیک شرکت سازمان‌یافته اما غیر رسمی در چنین مراسمی نیز بمنظور افشاکاری بر علیه کل هیئت حاکمه و بویژه لیبرال‌ها بشکل مناسب، جهت ارتقاء آگاهی توده‌ها در تجربه مستقیم آنها، استفاده نمایند. و نیز به دلیل همین شرایط ذهنی و ترکیب جمعیت شرکت‌کننده در مراسم لیبرال‌ها – که اکثر آن توده‌های خلق هستند – تحریم رسمی چنین مراسمی جایز و متناسب با ذهنیت توده‌ها نیست و با بدضمن محکوم کردن اهداف لیبرال‌ها از برپایی این مراسم، با حضور فعال و سازمان‌یافته در آنها، به افشاکاری بر علیه این نیت و اهداف پرداخت.

اپورتونیت‌ها، از این شرایط ذهنی-مریحا و با بطور غیر صریح به نفعی برپایی هرگونه نظرات از سوی کمونیت‌ها و با نیروهای انقلابی، میرسد و آن را اقدامی «چپ روانه» می‌پندارند و بدین ترتیب کمونیت‌ها را از یکی از ابزارهای مناسب تبلیغی و آگاهانه خود جهت بسیج و حرکت مستقل توده‌ها در شرایط کنونی، محروم میسازند. اما بدیده‌ها این وضعیت ذهنی، با توجه به میزان توهمات توده‌ها (که بدیده‌ها خلصت شکننده دارند) و نیز با توجه به شرایط عینی جنبش و عمق خواست‌ها و تمایلات دموکراتیک توده‌ها، تنها در ایجاد و نیز در چگونگی بکارگیری این تاکتیک و در

طرافت بکارگرفتن آن از لحاظ موقع شناسی و روان‌شناسی توده‌ای، موثر واقع میشود. چرا میگوئیم چنین است، زیرا که حداقل، واقعیت نشان داده است که توده‌ها خودبیکرات، در مقیاس – های گوناگون (گاه وسیع مانند جریان کرمان یا حرکت‌های شهرهای شمالی ایران و گگاه محدود، مانند نظرات آوارگان جنگی، و یا حتی کارگران) به برپایی نظرات مستقل یا نیمه مستقل، خودانگیخته یا تحت نفوذ هژمونی و یا رهبری نیروهای آگاه، اقدام ورزیده‌اند. نظرات ۲۳ دی، با همه شکالات و نواقص خود، از این لحاظ و برخلاف نظریات و روش‌ها که چون راه کارگروبا هم‌آوردی با ن جدیدش، از لحاظ نفس خود به مثابه یک حرکت تاکتیکی، یک نمونه مناسب، سنجیده و موثر بود. هم‌مضمون این نظرات، یعنی مسئله با رگشائی دانشگاه، مقبولیت و جذب توده‌ای داشت، هم شرایط زمانی آن (با توجه به تضادهای درونی هیئت حاکمه بر سر این مسئله بطور مشخص و تمام مدت درونی خود آنها بطور کلی) مناسب بود و هم کیفیت نیروها، با توجه به اتحاد عمل چند نیروی سیاسی کمونیتی در شرایط مطلوبی قرار داشت. و اتفاقاً دیدیم که چه نیروی بزرگی بطور نسبی در روز موعود، در مکان نظرات گرد آمد (که متأسفانه به دلیل انحرافات و اشتباهات «کمیت‌ها هم‌هنگی» امکان بهره‌برداری از این نیروی کثیر بوجدنیا مد) و چگونه این مسئله در عرض چند روز، ذهن بخش‌های وسیعی از جامعه و مردم را بخود معطوف کرده بود.

اما نظرات ۲۲ بهمین، برخلاف نظرات ۲۳ در مجموع یک نظرات موفق نبود. در توضیح علل عدم موفقیت این نظرات، ما میگوئیم ضعف‌ها و انحرافات نهفته در آن را با توجه به بحث‌های پیشین، مورد ارزیابی قرار دهیم:

الف: ضرورت برگزاری مراسم ۲۲ بهمین از سوی کمونیت‌ها و نیروهای انقلابی: بزرگداشت مراسم ۲۲ بهمین، از سوی کمونیت‌ها و نیروهای انقلابی، بطور متحد و یکپارچه، از جمله اقداماتی بود که میتوانست در تقویت قطب کمونیتی و انقلابی، در طرح آلترنا تیو کمونیتی و انقلابی، در نفوذ و تا عبورنا مسه، خط مشی و نظریات آنها و با لاخره در گسترش پا به توده‌ای آنان موثر افتد. این مراسم میتوانست بصورت ابزاری در جهت ارتقاء آگاهی توده‌ها و بهره‌برداری از تجربه و شناخت آنها از سال‌ها کمیت‌سایه رژیم جمهوری اسلامی، در روزی که به قدرت رسیدن این حکومت را تادیعی میکند، مورد استفاده قرار گیرد. با بزرگداشت این مراسم، میبایست نشان داده میشد که این رژیم ضدا انقلابی جمهوری اسلامی نیست که وارث حقیقی دستاوردها و شمرات مبارزات عظیم و قیام شکوهمند توده‌ها در بهمن ماه خونین ۵۷ است، بلکه اینان دزدانی بودند که این شمرات را به

بغما بردند و توده‌های محروم را به شکل جدیدی به زیر سلطه همان نظام سیاسی - اقتصادی گذشته کشتا نیدند. با پیدایش داده میشد که این رژیم نیست که با دارا این دستا وردها و دستا و م انقلاب ایران است، بلکه این توده‌های تحت ستم و کمونیت‌ها و انقلابیون پیگیر هستند که وارثین حقیقی این دستا وردها و ادا مه‌دهنده انقلاب و به جلوراندن آن میباشند. بی توجهی به این امر، در حد خود به معنای عدم توجه به حضور این حقا نیت برای رژیم، در ذهنیت توده‌ها و کوشش در جهت تکستن آن بود. از همین رو، از لحاظ ضرورت سیاسی، هیچ تردیدی در صحت این حرکت، که تنها شکل ممکن و مطلوب آن نیز - نظا هرات غیا با نی میبود، نمی توانست وجود داشته باشد. این ضرورت حکم میکرد که در هر نقطه‌ای از ایران، که جمیع ملاحظا ت تاکتیکی امکان برگزاری این مراسم را از جانب نیرو - های انقلابی فراهم نماید، چنین حرکتی صورت گیرد.

اما درست در ارزیابی از این ملاحظا ت تاکتیکی بود که در تهران و برخی شهرتا نها، ما دجا را نحرف و اشتباه شدیم. ب - عدم توجه به مساله تناسب نیروها و انتخاب زمان و مکان مناسب. اگر نبدیدن سطح جنبش توده‌ای و ارزیابی اپورتونستی از شرایط عینی و ذهنی بوجود، منجر به پیاسیفیسیم و یا بدنیا له روی از توده‌های متوهم میگردد و یا صرف تکیه بر توهم توده‌ها و ارزیابی بیش از واقع آن به منفی حرکت تاکتیکی صحیح برگزاری نظا هرات مستقل و نها بیا به شرکت در مراسم برگزار شده توسط لیبرالها و صرف تبلیغ و افشاگری منجر میگردد. متقابلا برگزاری نظا هرات مستقل بعنوان یک تاکتیک مناسب و مولی، لزوما با یدبا توجه به تناسب نیروها و توجه به حرکت توده‌های متوهم، در زمان و مکان مناسبی انجام نگردد. هما نظور که میدا نیم در روز ۲۲ بهمن، بنی - صدرا ز مردم دعوت کرده بود تا برای شنبه - سخنرانی او در میدان آزادی گردآ بند و طبیعی است که با توهم شدید توده‌ها نسبت به لیبرالها، در آنروز، جمعیت بزرگی از مردم در میدان آزادی گردمی آمدند. این امر از نظر بسیج و شرکت ها چه بیشتر توده‌ها در یک حرکت مستقل لزوم توجه به تناسب قوا ی موجود و توهم توده‌ها و لذا انتخاب زمان مناسب را ایجاب مینمود.

انتخاب زمان نظا هرات ورا هیما ثی از سوی ما در همان روز ۲۲ بهمن و ما عاتی که مردم روانه میدان آزادی بودند و انتخاب مسیری که توده‌ها اکثرا از همان مسیر عبور میکردند، بسا توجه به تناسب نیروها علاوه بر اینکه حرکت ما را تحت الشعاع حرکت بنی مدر قرار میداد، بدلیل تقابل و تداخل نیروها عملا به آن جلوه مقابله جویانه میداد و مانع از آن میگردد که راهیما ثی ما بتواند بصورت یک راهیما ثی موفق درآید.

با لعکس، این حرکت بخاطر کمبها ثی ما به حرکت توده‌های متوهم در آن روز و تقابل دو حرکت ما، آنها که عازم میدان آزادی بودند، یک حرکت چپروانه بود. از اینرو بنظر ما برگزاری مراسم راهیما ثی و نظا هرات از سوی ما بطور همزمان با دعوت لیبرالها و در یک مسیر، بنا - درست بوده و میبایست این مراسم به وقت دیگری موکول میگردد. اما اینکه بهترین زمان برگزاری این مراسم چه وقت میتواند باشد، این مساله مربوط به مجموعه شرایط و جوا کم بر آنروز و ملزوما ثی میشد که بتوا نحد ا کثیر نیروی توده‌ای را در این مراسم گردآورد. بسا توجه به این ملاحظا ت، بنظر ما روز ۲۲ بهمن، برای برگزاری این مراسم مناسب نبوده و میبایست این مراسم در روز قبل و یا بعد از آنروز برگزار میشد.

در همین جا با یدافه کنیم که این نحوه برخورد منحصر به تهران نبود، بلکه در برخی شهرتا نها و بویژه در ما شهر، رفقای ما دچار برخورد های شدید چپروانه شدند. رفقای ما در ما شهر، با بی توجهی به شرایط خاص زمانی و مکانی این شهر (یعنی از یکسو شرایط جنگی و از سوی دیگر جو شیدا ی پلیسی آن در این شرایط بخصوص)، به حرکتی دست زدند که زیانهای بسیاری برای ما در برداشت این رفقا، علیرغم تمام شور و شوق زایدالوصف کمونستی و انقلابی خود، روحیه‌ای که ما به افتخار و سرافرازی سازمان ما و شرمساری تمام اپورتو - نیست‌های غیا ننگا راست، در متن این شرایط جنگی و ترور و خفا ن موجود، و با توجه به آرایش نیروها و کمیت توده‌های خود، نمی بایست به چنین حرکتی مبادرت می ورزیدند. چرا که ما "نظا هرات را نه برای نظا هرات" و نه برای اطفای تما بلات آتشین و شور و شوق انقلابی خود، بلکه برای تا شیرا ت سیاسی آن بر توده‌ها و ارتقا ی آگا هی آنها، برگزار مینما شیم. سنجیدن موقعیت و شرایط سیاسی، زمانی و مکانی این تاکتیک مهمترین شرط اجرای موفقیت آمیز آن است، عملی که متاسفانه در این شهر صورت نگرفت و در نتیجه به عدم موفقیت این حرکت وفا نعت بنا - گوار بعدی آن انجام میدا. ما روشن است که کمونست‌ها اشتبا هات و لغزشهای خود را نمی پوشتا نند، بلکه درس گیری از آن را چه نیرو ی زنده‌ای در جهت رفع اشتبا هات و قرا رگرفتن در راستای صحیح، تبدیل می نما بند و با تلفیق شور و شوق انقلابی و آرما نخواهی پرشکوه کمونستی - چپزی که روحیه رفقای ما سرشار از آن بوده و هست - از یکسو و درایت و سنجیدگی و قدرت تحلیل از شرایط مشخصی از جانب دیگر، حرکت خویش را در مسیر صحیح سازماندهی مینمایند.



بدین ترتیب میبینیم که زاویه انتقاد و برخورد ما به اشتبا هات نظا هرات ۲۲ بهمن، بسا زاویه برخورد اپورتونستی، انحلال طلبانه و پیاسیفیستی نیروها ثی که اکنون میکوشندا

اشتها هات نهفته در این حرکت را به وسیله‌ای برای حقا نیت دادن به اپورتونسیسم و بینش راست خود، تبدیل کنند، تفاوت اساسی دارند. آنها از یک اشتباه، به منفی خط مشی تاکتیکی انقلابی در شرایط کنونی متناسب با وضعیت عمومی جنبش و توجه به پیاسیفیسیم و یا دنبا له روی از توده‌های متوهم، میروند، حال آنکه ما این اشتباه را در یک حرکت عملی، جستجو کرده و انتقاد دیم. آن را به وسیله‌ای در جهت ارتقا، و تکامل خط مشی عمومی تاکتیکی صحیح خود، تبدیل می نما شیم. از همین رو میبایست میان این دوا و بهیبر - خورد و انتقاد، یکی اپورتونستی و دیگری پرولتری، مرزدقیق و اساسی کشید.

- (۱) - رجوع کند به سخنرانی ایراد شده در دیدار با اعضای هیئت‌های نمایندگی آلمان، لهستان و... - لنین: مجموعه سخنرانی لنین در آنتر - ناسیونال سوم.
- (۲) - لنین - همانجا
- (۳) - رجوع کند به مجموع مقالات راه‌کار گردر مورد راه‌شدن غیر سرما به داری و رهبری چریکهای فدائی.
- (۴) - مقاله "سازمان پیکار: پیکار با شمشیر چوبین" راه‌کار، شماره ۶۴، نمونه روشنی از این شیوه اپورتونستی "عدم تعیین" در ارزیابی از وضعیت جنبش توده‌ای و روند عمومی آن است. راه‌کار گردرا این مقاله، همه جا شرایط ذهنی توده‌ها را پیش میکشد، تا از توضیح شرایط عینی مبارزه توده‌ها ظفر رود. راه‌کار گردرا پنججا، خویشتن را با بنده تعیین روند عمومی جنبش و عظمت اساسی تاکتیک‌ها، که زیر بنا و اساس تمییز هراتا کتیک عملی منفرد قرا ر میگیرد، نمی دانند و چنین کاری را تحت عنوان "مطلقیت ذهنی" به تسمخر میگیرد. و بدین ترتیب میکوشد تا راه‌ها را برای هرگونه چرخش اپورتونستی، به مفتخای شرایط، هموار نما بد. آخر راه‌کار از تجربه‌ها و لاش به انداز که فی "درس" گرفته است.

تحلیل "رکود جنبش" اکنون، درین بست تناقضی آفرینی گرفتار آمده است. بنا بر این نباید خویشتن را با یبندیک بررسی و پیش بینی واقع - بنیانه‌ای از روند و فاع فعلی جنبش و سیر آتی آن نمود. راه‌کار گردرا اکنون بنظر میرسد تحلیل رکود را زیر کا نه ترک گفته است. از طرف دیگر امتلا ی انقلابی را هم قبول ندارد. خواننده خود با یدبه جستجوی حلقه‌های گمشده در میان این دو جهت روشن کردن این حلقه گمشده نمیکند! اما مسئله تنها به اینجا ختم نمی شود راه‌کار گردر برپله‌ها یین تحلیل "روشن" از وضعیت جنبش و متناسب با ذهنیت توده‌ها، به ار ا ش تاکتیک می پردا زد، و از جا بگا ه نظا هرات در این تاکتیک سخن می گوید. اما تا با یان مقاله، سرانجام روشن نمی شود که آیا راه‌کار گردر، با این تحلیل از وضع جنبش و سطح آگا هی ذهنی توده‌ها، بسا بقیه در صفحه ۶

اطلاعیه . آماده‌ای دادستانی: آزادی فعالیت سیاسی یا ممنوعیت آن؟!

در روزهای آخر هفته گذشته، "دادستان کسل انقلاب جمهوری اسلامی" با صدور یک اطلاعیه ده ماده‌ای، با ملاحظ "حدود فعالیت کلیه احزاب و گروهها" را مشخص کرد. رژیم جمهوری اسلامی تاکنون چندین بار و آنهم از جانب ارگانهای مختلف به صدور چنین اطلاعیه‌ها و قوانینی اقدام نموده است، اما هیچکدام از این اقدامات و اطلاعیه‌ها نتوانسته است تا شیرچندانی در روند تشکیل، فعالیت و مبارزه احزاب و نیروها، به نفع رژیم باقی گذارد.

آخرین دست بخت رژیم در این جهت، طرح ارتجاعی "فعالیت احزاب و جمعیتها و..." بود که در اوایل خرداد گذشته توسط مجلس با اکثریت آراء به تصویب رسید. این قانون، که بحق قانون سیاه ۱۳۱۰ رفا شاه را در پاره‌ها زنده می‌کشد، آنچنان ارتجاعی و ضددمکراتیک بود که سرودای برخی از سردمداران "عاقبت اندیش" تر رژیم را نیز به هوا بلند کرد. این قانون، صرف نظر از مضمون سیاه و ارتجاعی خود، از لحاظ شکل نیز آنچنان وقیحا نه‌و نا شیانه تنظیم گشته بود و آنچنان عربیان و بی بهره فدیت رژیم جمهوری اسلامی را با هر جلوه حتی کوچک دمکراسی بر ملا میساخت، که تلاش چندانی را برای افشای مضمون و ماهیت آن از جانب نیروهای انقلابی طلب نمی‌کرد! همین شکل ناپخته و ظاهراً عربیان بود که "دور - اندیشان" فریبکاری چون مصلحتی را در مجلس وادار کرد که ضمن تاکید بر صحت مضمون "طرح"، مغالفت و پیشتنها دده که "این لایحه مسکوت بهمانند و برود در کمیسیون داخلی تا بعد طرح آبرومندی با شویبها نه بدست دشمنان غرب و شرق خودمان ندهیم." (تا کیدازما ست.)

اطلاعیه اخیر دادستانی، هرچند که بیش‌همن مضمون ارتجاعی را با خود حمل میکند، اما اولاً در نحوه تنظیم آن، رژیم "بختگی" و "درابست" بیشتری بخرج داده است تا ماهیت ضددمکراتیک اهداف و درپین کلمات و عبارات فریب‌نسنده پنهان بهمانند تجربه قبلی تکرار نگردد، تا نتوان صدور این اطلاعیه اهداف سیاسی خاصی را دنبال می‌کنند که موضوعیت آن را در متن شرایط سیاسی فعلی و وضعیتگیری‌های اخیر رژیم در سال جدید، بخوبی میتوان درک نمود. همانظور که در سرمقاله پیکار هفته پیش - اشاره کردیم، مجموعه تناقضات و بن بست‌های رژیم در سال گذشته، که در اوایل آن گسترش‌نا - رضایتی و مبارزه‌نوده‌ها فرار دارد، در سال

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

جدیداً ورا واداره پذیرش برخی عقب نشینی‌ها و گرفتن برخی ژست‌های لیبرالی کرده است: "رژیم می بیند که در پاریس این سیاست یکساله در بن بست تناقض آفرینی گرفتار آمده است، سیاست سرکوب عربیان در طول یکسال گذشته نه تنها "امنیت" را به‌جا معبار زنگردا ندو "نظم" مطلوب را مستقر نگردانید، بلکه بر بستر اعتلای جنبش توده‌ای وستی پایه‌های توهم توده‌ها، رژیم سیاسی حاکم بیش از پیش در برابر "نا امنی" و "بی نظمی" قرار گرفته است. سیاست سرکوب رژیم، در طول یکسال گذشته "نظم و امنیت" را برای رژیم به ارمغان نیاورد، بلکه بی‌ثباتی و افزونی بخشید و پایه‌های قدرت آنرا از نتر ساخت. تبلیغ "صلح" توسط سردمداران رژیم در سال جدید حکایت از این عجز و بن بست دارد. (سرمقاله پیکار شماره ۱۰۰)

پایه‌های سردمداران رژیم در سال جدید، بروشنی این مسئله را نشان داد. آیت‌الله خمینی هر سال از وضع موجود و گسترش نیروهای انقلابی، آنان را دعوت به کناره‌گذاشتن و تحویل "سلاح" و بازگشتن به "غوش اسلام" نمود. بنی‌مدر با گرفتن تا شید آیت‌الله خمینی، باب مناظره و "بحث آزاد" را دوباره گشود و به تبلیغ پیرامون آن پرداخت، به‌خیال آنکه با این عمل، تضادهای سیاسی - طبقاتی میان نیروها و احزاب سیاسی را بر سر میز مناظره و بحث آزاد، بدون توسل به طرق "زورمداران" به "وحدت" برساند! این سیاست، که اطلاعیه دادستانی نیز می - کوشد بر استای آن حرکت کند، این هدف را همچنین دنبال می‌کند که با نشان دادن چند

معرفی کتاب

"با توجه به اینکه پرولتاریا بعنوان طبقه فقط در صورتی میتواند علیه قهر دسته‌جمعی طبقات مالک و اردعمل شود که در حزب سیاسی مجزای خویش، در تخالف با همه اشکال قدیمی احزاب طبقات مالک متشکل گردد؛

با توجه به اینکه شکل پرولتاریا در حزب سیاسی اثر برای تضمین پیروزی انقلاب اجتماعی و هدف نهائی آن - نابودی طبقات - ضروری است؛ با توجه به اینکه با یوحدت نیروهای طبقه کارگر که از قبل در مبارزات اقتصادی تحقق یافته، بعنوان اهرم توده‌های این طبقه در مبارزه علیه اقتدار سیاسی استثمارکنندگان بکار آید؛ کنگرانس به اعضای انترناسیونال خاطر نشان میسازد که در جریان مبارزه طبقه کارگر، فعالیت اقتصادی و فعالیت سیاسی این طبقه بطریقی ناگسستی با هم پیوند دارند.

تلخیص از قطعنامه کنگرانس لندن انجمن بین المللی کارگران (انترناسیونال) سپتامبر ۱۸۷۱" (نقل از متن کتاب)



بقیه در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۸

در صفحات دیگر این شماره:

- در حاشیه محاکمه امیر انتظام خائن صفحه ۱۵
- اعتصاب غذای زنان کمونیست در زندان اوین صفحه ۱۸
- مزد در ایران صفحه ۱۹
- چرخش رویزیونیستی اکثریت در باره بنی صدر صفحه ۲۲
- بحثی پیرامون دموکراسی (۲) صفحه ۲۳
- تظاهرات ۲۲ بهمن: یک تجربه و درس‌های آن صفحه ۲۹

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست